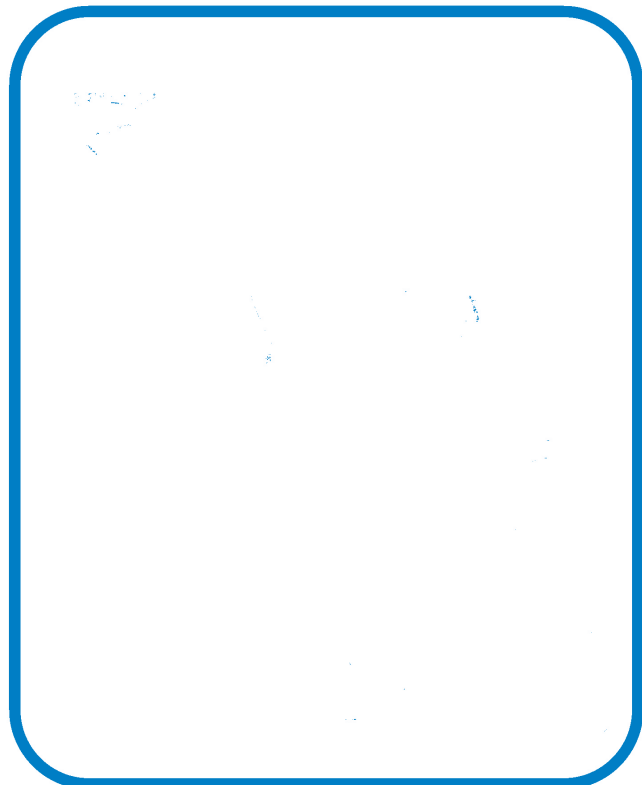
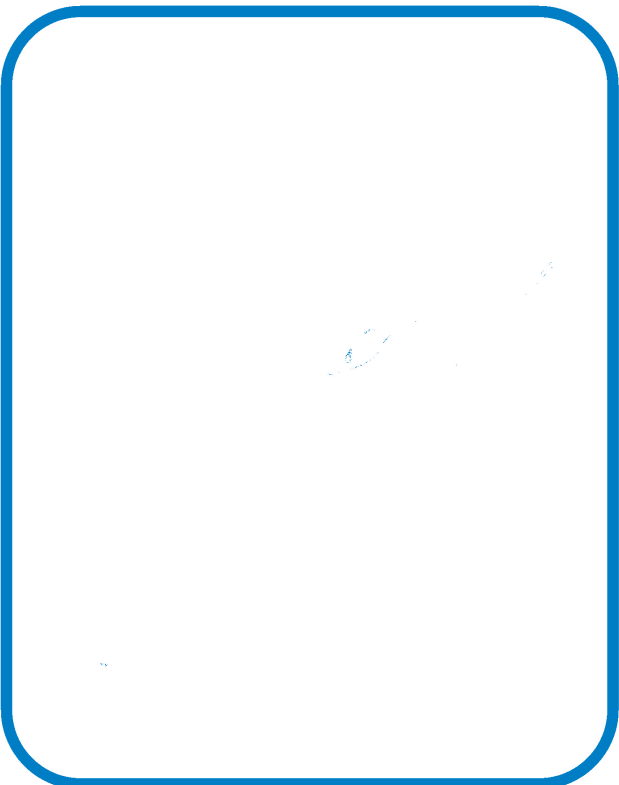
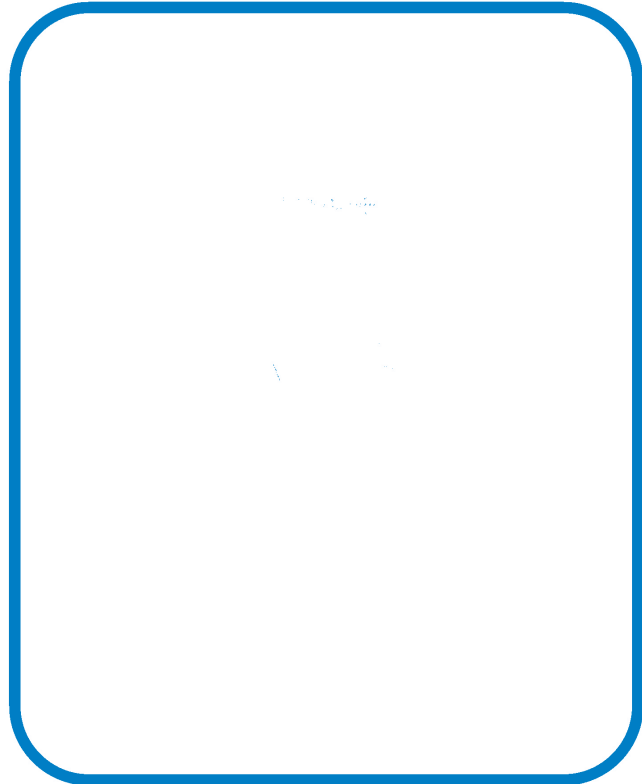
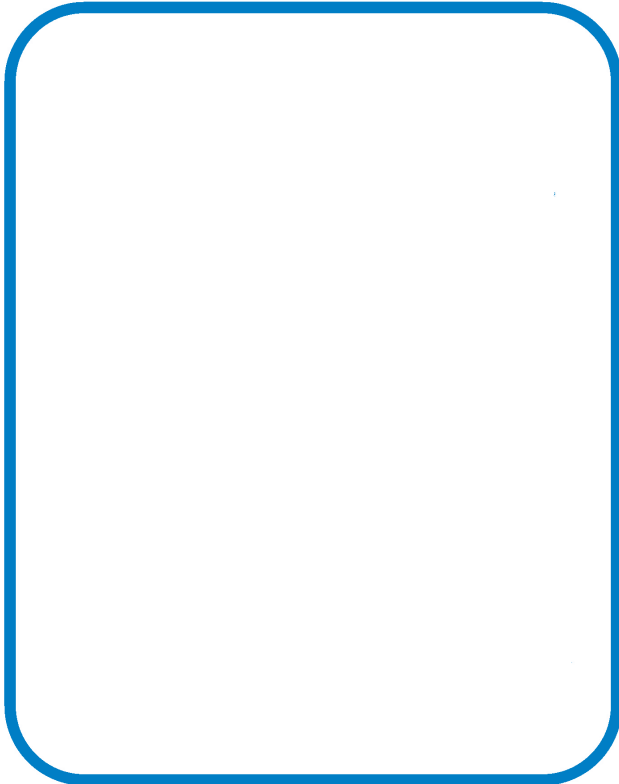


وسایل کمکی برای زندگی روزانه افراد دارای معلولیت



بازی های فکری تقویت حس لامسه و ذهن

- ◆ شطرنج ویژه نابینایان و کم بینایان
- ◆ بازی دومینو ویژه نابینایان
- ◆ بازی منچ ویژه نابینایان
- ◆ بازی مار و پله ویژه نابینایان
- ◆ انواع پازل های بریل آموزشی

تجهیزات کمک توانبخشی صوتی ویژه نابینایان

- ◆ دستگاه ضبط و پخش، اسپیکر
- ◆ انواع Voice Recorder
- ◆ Mp3 Player
- ◆ هدفون
- ◆ ضبط و پخش بر روی انواع فلش و کارت های حافظه

لوازم تحریر ویژه نابینایان و کم بینایان

- ◆ خط کش
- ◆ گونیا
- ◆ ماشین حساب
- ◆ لوح حساب
- ◆ تخته بریل آموزشی
- ◆ انواع کاغذ بریل

تجهیزات و وسایل کمک توانبخشی ویژه نابینایان

- ◆ انواع ساعت های مچی زنانه و مردانه (گویا و لمسی)
- ◆ انواع ذره بین های دستی، چراغ دار و ساده
- ◆ انواع ساعت های رومیزی گویا
- ◆ انواع عصاهای سفید ویژه خردسالان و بزرگسالان
- ◆ ته عصا از نوع غلطکی

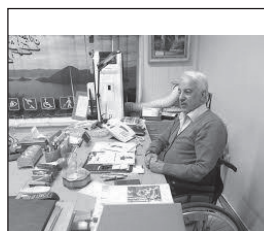
کارشناس فروش نابینایان: خانم موسی پور (تلفن همراه ۰۹۱۲۲۳۰۸۶۹۳)

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۰۷۰۲۰ فاکس: ۰۲۱-۸۸۹۰۶۶۷۰ www.TAVANHAMGAM.com

توان یاب

سال نوزدهم شماره ۷۱
(بهار ۱۳۹۸)

۳	سر مقاله
۵	اگر هر روز این موارد آموزش داده شود، باز هم کم است! لـ مهندس منصور برجیان، فعال مدنی در حوزه معلولیت
۸	در آرزوی شهری هستیم که متعلق به همه شهروندانش باشد! لـ مدیر کل سلامت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران
۱۳	اگر بیذیریم که همه انسان‌ها حق برخورداری از حقوق برابر را دارند، بسیاری از مشکلات حل می‌شوند لـ سردار مهندس بنایی، جانباز بازنشسته نیروی انتظامی
۱۸	سازمان جهانی معلولین
۲۰	مناسب‌سازی‌های شهری مهم‌تر است یا مناسب‌سازی در نگاه مردم؟! لـ در میزگردی با کارآموزان رعد بررسی شد
۲۵	طراحی همگانی و فن آوری رفاه لـ منصوره پناهی، مدیر عامل موسسه رعد
۲۸	نقش کاردرمانی در زندگی روزمره افراد لـ دکتر نرگس شفارودی، استادیار دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران
۳۰	معلول چالشگر (مبارز) لـ دکتر کامران عاروان
۳۱	امیدوارم بتوانم رشته مطالعات معلولیت را در دانشگاه‌های ایران راه‌اندازی کنم لـ غلامرضا زین کفشیان، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی
۳۷	ماجرای جویبی با معلولیت لـ گزارشی از سعید ضروری
۳۹	زمزمه
۴۰	درآمدزایی در این رشته به همت و تلاش افراد بستگی دارد لـ یک روز در کلاس؛
۴۴	در بنیاد دو موضوع را دنبال می‌کنیم، یکی خدمات رفاهی و دیگری اشتغال‌زایی لـ سازمان مردم‌نهاد
۴۷	هماهنگی روانی و فکری، مهم‌تر از شباهت‌های جسمی در زندگی است لـ یک زندگی
۵۱	با جایگزین‌های ویلچر آشنا شوید
۵۲	۱۴ روش برای خواب راحت شبانه لـ سلامت
۵۶	نوروز
۵۷	معرفی کتاب
۵۸	کاکتوس اولین دوره رویداد «از کودکی» را با همکاری جامعه معلولین ایران برگزار کرد لـ گزارش
۶۰	در رعد چه خبر؟
۶۸	زمزمه



صاحب امتیاز:
مجمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح‌خو
سر دبیر:



دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست‌گذاری:
صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفارودی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمدرضا دشتی، منصوره پناهی
دبیر تحریریه:



هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن‌سنج
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
سودابه بیات، نازنین رحیم‌زاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام
حروفچینی: سودابه بیات
ویراستار انگلیسی: مهراوه عمرانی
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده



نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
(قدس) فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان
پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:
۱۴۴-۱۴۶۶۵
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶ نامبر:
۸۸۰۷۶۳۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات و دیدگاه‌های صاحب نظران استقبال می‌کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود. توان یاب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

سازمان بهداشت جهانی شهر سالم را این گونه تعریف کرده است: "شهر سالم شهری است که به طور مداوم در راستای ایجاد و توسعه محیط زیست فیزیکی و اجتماعی و توسعه منابع جهت همکاری و مشارکت تلاش می‌کند؛ به نحوی که مردم را قادر سازد به طور دوجانبه از هم‌دیگر در اجرای تمامی کارکردهای زندگی و ارتقای حداکثر توان نهفته خود بهره بگیرند." در چنین شهری، همه شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیضی می‌توانند از خدمات عمومی شهری بهره‌مند شده و در کنار هم و در هم‌زیستی به سر ببرند. در همه جوامع، ما شاهد وجود اقلیت‌های مختلف قومی، فرهنگی، اقتصادی و هستیم که یکی از بزرگ‌ترین این اقلیت‌ها را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای انواعی از معلولیت جسمی هستند. این افراد برای این که بتوانند در جامعه حضور داشته و با تکیه بر توانایی‌های خود ایفای نقش کنند و از جانب دیگران پذیرفته شوند، شهر باید حداقل‌هایی از مناسب سازی را برایشان پیش‌بینی کرده باشد. حداقل‌هایی که در حال حاضر جایشان در محیط‌های عمومی شهری خالیست و باعث فاصله گرفتن این افراد از زیست اجتماعی می‌شود. آماده نبودن شهر برای حضور همه شهروندان با هر گونه تفاوت در جامعه، آن‌ها را به خانه نشینی و فاصله گرفتن از حضور اجتماعی ترغیب می‌کند. وقتی چنین افرادی در شهر دیده نشوند و حضور فعالی در جامعه نداشته باشند، دیگران نیز به دیدن آنها عادت نمی‌کنند و از توانایی‌های بالقوه آنها بی‌خبر می‌مانند. در این صورت هم‌گرایی و هم‌نشینی اجتماعی با این اقلیت‌ها رو به کاهش رفته و جامعه درگیر چرخه باطلی می‌شود که به طرد اجتماعی افراد دارای ویژگی‌های خاص می‌انجامد. در حالی که شهر سالم نباید اجازه ایجاد محرومیت در حضور اجتماعی هیچ‌کدام از شهروندانش را بدهد. محرومیت هر قشر از جامعه در حضور فعال در محیط، بیش از آن که لطمه به آن‌ها باشد، لطمه به جامعه است که از قابلیت‌های احاد بالایی از ساکنینش محروم شده است. حقوق شهروندی در هر جامعه، می‌بایست ضرورت برخورداری فرد دارای ناتوانی و معلولیت را از همه امکانات و فرصت‌های موجود، مطابق دیگر شهروندان تضمین کند. برخورداری از استاندارد سلامتی، یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها در سرتاسر کره خاکی است. اما با وجود دستورالعمل‌ها و قوانین مختلف و تدوین انواع و اقسام ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی در مورد معلولان جسمی و حرکتی در مراکز تحقیقات مسکن، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و شوراهای شهر، هنوز شهرها شاهد اقدامات قابل لمس در این زمینه نیستند.

باشد که شعار شهردار تهران، دکتر حناچی، در سال جدید، که "تهران شهری برای همه" را وعده داده، نقطه امید و نقطه شروعی برای این شهر و همه شهرهای ایران باشد تا شهرهایمان را متعلق به همه شهروندانش ببینیم.
به امید آن روز

مهندس منصور برجیان، مدیرعامل انجمن علمی آفرینش‌های هنری معلولان ایران و شرکت تجهیزات توانبخشی توان همگام است. او که در رشته مهندسی مکانیک درس خوانده، پس از حادثه‌ای که به معلولیتش منجر شد، فعالیت خود را در زمینه تولید وسایل توانبخشی آغاز نمود. سال‌ها بعد مهندس برجیان، انجمن علمی آفرینش‌های هنری معلولان را هم به منظور ایجاد فرصت‌های برابر برای توانیابان تاسیس کرد. علاوه بر همه این فعالیت‌ها، او ده‌ها جلد کتاب در حوزه معلولیت را هم به چاپ رساند. این فعال مدنی، برای آگاه‌سازی و آموزش به نهادهای مختلف در زمینه مناسب‌سازی اجتماعی، فعالیت‌های مستمری داشته و دارد. با ایشان در این خصوص به گفت‌وگو نشستیم.



مهندس منصور برجیان، فعال مدنی در حوزه معلولیت؛

اگر هر روز این موارد آموزش داده شود، باز هم کم است!

پلیس راهور دوره‌های آموزشی برگزار کنیم. چندین دوره دو ساعته را در مورد تعامل با افراد دارای معلولیت؛ اعم از معلولان جسمی حرکتی، جانبازان، ناشنوایان، نابینایان و سالمندان برگزار کردیم. ماه قبل، آخرین دوره را با حضور هفتاد نفر از کارشناسان پلیس راهور که از استان‌های مختلف آمده بودند، برگزار نمودیم. مباحث مطرح شده در این دوره آموزشی برای این افراد بسیار بدیع و تازه بود. از نکاتی که در این کلاس‌ها به آن اشاره کردیم، معرفی انواع معلولیت‌ها بود. معلولیت‌هایی که دیده می‌شوند و معلولیت‌هایی که از روی ظاهر افراد قابل تشخیص نیستند، مانند ناشنوایی. من در این کلاس توضیح دادم که شما به هیچ وجه نمی‌توانید یک فرد ناشنوا را از نظر ظاهر تشخیص دهید. یک فرد نابینا را به خاطر عینک و عصایی که

معتقدم هرچقدر که می‌توانیم باید آحاد جامعه را نسبت به معلولیت و معرفی توانایی‌های افرادی که معلولیت دارند آشنا کرده و مردم را نسبت به حرمت‌گذاری به این عزیزان حساس کنیم

سراسر کشور دعوت می‌کند و در محل شهرک آزمایش، در دوره‌های تکمیلی به آنها آموزش‌های لازم را ارائه می‌دهد تا اطلاعات آنها به روز شود. قرار شد که من و سردار بنایی که خودشان هم معلولیت دارند و فعالیت‌های مناسب‌سازی در حوزه‌های مختلف را با هم دنبال می‌کنیم، برای کارشناسان

آقای مهندس، شما یکی از پی‌گیرترین فعالان مدنی در فرهنگ‌سازی در حوزه معلولیت هستید. لطفاً از تلاش‌هایی که سال‌هاست در زمینه مناسب‌سازی اجتماعی انجام می‌دهید، بگویید؟
در زمینه مناسب‌سازی اجتماعی در حوزه معلولیت با همراهی دوستان، فعالیت‌هایی را شروع کرده‌ایم. چون معتقدم هرچقدر که می‌توانیم باید آحاد جامعه را نسبت به معلولیت و معرفی توانایی‌های افرادی که معلولیت دارند آشنا کرده و مردم را نسبت به حرمت‌گذاری به این عزیزان حساس کنیم. بنابراین تصمیم گرفتیم با افرادی که ارتباطی مستقیم با افراد جامعه دارند، تماس برقرار کرده و آنها را نسبت به این حوزه آشنا و آگاه کنیم. در همین رابطه جلسات متعددی را با کارکنان پلیس راهور برگزار کردیم. پلیس راهور تهران به طور معمول، هرساله ماه یک‌بار کارشناسان خود را از



دارد و یک فرد دارای مشکل حرکتی را از روی ویلچر یا واکر می‌توان تشخیص داد، ولی فردی که مبتلا به صرع است و هر لحظه ممکن است دچار تشنج شود از روی ظاهر قابل تشخیص نیست. فردی که حساسیت به تاریکی یا شب‌کوری دارد و در شب جایی را نمی‌بیند را هم از روی ظاهر نمی‌توان تشخیص داد. پس لازم است نسبت به انواع معلولیت‌ها، آگاهی و اطلاعات اولیه‌ای داشته باشید.

به جز معرفی انواع معلولیت‌ها چه موارد دیگری را در این کلاس‌ها دنبال کردید؟

موارد دیگری که در این کلاس‌ها مطرح شد، روش تعامل و برخورد با رانندگان دارای معلولیتی است که خطایی مرتکب می‌شوند. مطرح کردیم، پلیس نباید منتظر باشد که این فرد از ماشین خارج شود. این اتفاق برای خود من پیش آمد. در جاده شمال به خاطر سرعت بیش از حد مجاز، توسط پلیس به من علامت ایست داده شد و من مجبور شدم دویست متر جلوتر بایستم. پلیس مرتب اعلام می‌کرد که از ماشین پیاده شوم و من هم نمی‌توانستم. تا اینکه از فردی خواستم به پلیس خبر دهد که من مشکل حرکتی دارم. الان که پلاک ویژه معلولان وجود دارد، تا حدودی کار راحت‌تر شده است. در این کلاس‌ها کارشناسان پلیس را با مسائل افراد دارای معلولیت و سالمندان آشنا می‌کنیم که خوشبختانه خیلی خوب هم استقبال می‌کنند.

این مباحث در کلاس‌ها با سخنرانی منتقل می‌شوند؟

خیر. در این دوره‌ها، از کلام کمتر استفاده می‌شود، بیشتر از فیلم استفاده می‌کنیم که دوستان خسته نشوند. از کارهای دیگری که امسال در روز جهانی معلولان با همکاری و کمک شورای شهر تهران انجام دادیم، نصب پنجاه و پنج بیلبورد در سطح شهر تهران با موضوع معلولیت بود. این بیلبوردها به مدت پانزده روز در سطح شهر نصب شد تا مردم با مشکلات و توانمندی‌های افراد دارای معلولیت آشنا شوند که خوشبختانه اثرگذاری خوبی هم داشت. البته این طرح نیاز به یک گالری به وسعت شهر دارد و تخصیص پنجاه و پنج بیلبورد در زمان

از کارهای دیگری که امسال در روز جهانی معلولان با همکاری و کمک شورای شهر تهران انجام دادیم، نصب پنجاه و پنج بیلبورد در سطح شهر تهران با موضوع معلولیت بود. این بیلبوردها به مدت پانزده روز در سطح شهر نصب شدند تا مردم با مشکلات و توانمندی‌های افراد دارای معلولیت آشنا شوند که خوشبختانه اثرگذاری خوبی هم داشت

محدود، برای فرهنگ‌سازی اصلا کافی نبود. از آقای دکتر حناچی، شهردار تهران درخواست کرده‌ایم که این پنجاه عدد بیلبورد را به صورت دائم در اختیار ما قرار دهند که امیدواریم موافقت شود.

شما در زمینه فرهنگ‌سازی فعالیت‌های دیگری هم دارید. لطفاً از آنها هم بگویید:

از کارهای دیگری که در جهت فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش عموم مردم انجام می‌دهیم، برگزاری جشنواره‌هایی مانند جشنواره کاریکاتور است. در این جشنواره، کاریکاتورهایی که با موضوع معلولیت توسط توانیابان تهیه می‌شود، به نمایش در می‌آید و در معرض دید قرار می‌گیرد. در سال آینده، سومین جشنواره انتخاب بهترین کتاب با موضوع معلولیت و توانمندی افراد دارای معلولیت را هم برگزار می‌کنیم. قرار است در این جشنواره قدرانی ویژه‌ای از نویسندگان دارای معلولیت در هر حوزه‌ای؛ چه ورزشی، چه توانبخشی و چه در سایر حوزه‌ها انجام دهیم و به بهترین کتاب، جایزه مناسبی اعطا نماییم.

این جشنواره در چه زمانی برگزار می‌شود؟

این جشنواره در آذرماه سال آینده برگزار می‌شود. برگزاری چنین جشنواره‌هایی، در همین دفتر مدیریت شده و به اجرا در می‌آیند.

چه اقداماتی را برای مناسب‌سازی شهری که از مهم‌ترین مشکلات زندگی افراد دارای

معلولیت و سایر افراد کم‌توان جسمی در شهر تهران است، دنبال می‌کنید؟

در این مورد، به صورت عملی در ستاد مناسب‌سازی شهرداری تهران شرکت داشته و در جلسات ماهانه که در معاونت شهرداری و معماری شهرداری تهران برگزار می‌شود حضور پیدا می‌کنم. همچنین در جلسات ماهانه شورای شهر تهران که در مورد مناسب‌سازی است هم شرکت دارم. از طرف دیگر، در ستاد مناسب‌سازی کشوری که هر سه ماه یکبار در وزارت کشور تشکیل می‌شود، من به عنوان نماینده جامعه معلولان و سردار بنایی به عنوان نماینده جانبازان، حضور داریم و مسائل گوناگونی مثل مناسب‌سازی خودرو برای افراد دارای معلولیت را دنبال می‌کنیم. آموزش‌هایی را هم به صورت فشرده در مراکز بهزیستی استان‌ها و با هماهنگی استانداری‌ها در سطح کشور برگزار می‌کنیم. ماه گذشته به چهار استان گرگان، لرستان، چهارمحال بختیاری و خراسان رضوی رفتیم و این دوره‌ها را برگزار نمودیم.

مخاطبین این دوره‌ها چه کسانی هستند و چه موضوعاتی را آموزش می‌دهید؟

در این دوره‌ها، کارشناسانی از مراکز بهزیستی، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، کانون مهندسان، نیروی انتظامی و بنیاد شهید و جانبازان شرکت دارند. این کلاس‌ها، یک یا دو روزه هستند و در آنها به اهمیت مناسب‌سازی برای زندگی بهتر پرداخته شده و روش‌های نوین مناسب‌سازی که در کشورهای پیشرفته وجود دارد، معرفی می‌شود. این آموزش‌ها بیشتر در قالب نمایش فیلم، اسلاید و تصویر است. استانداردهای مناسب‌سازی را هم از کتابی که با همین نام تالیف کرده‌ام، آموزش می‌دهیم. محتوای این آموزش‌ها، بعد از هماهنگی با مدیران استان مربوطه و بعد از تشخیص نقاط ضعف در پیاده‌روها، اماکن اداری و عمومی، پارک‌ها و وسایل حمل و نقل عمومی، طراحی می‌شوند. خیلی امیدوارم که این تلاش‌ها موثر واقع شود. گاهی این آموزش‌ها بارها و بارها در استان‌های مختلف تکرار می‌شوند. ولی حتی اگر هر روز هم این موارد آموزش داده شود، باز هم کم است.

من به دوستانی که می‌گویند، این موارد شش ماه پیش هم گفته شده، می‌گویم باید ببینیم در این فاصله چه اقدام و فعالیت تاثیرگذاری صورت گرفته است؟ تا وقتی اقدامی انجام نشود، این آموزش‌ها نیاز است.

بسیاری از افراد دارای معلولیت برای گرفتن گواهینامه رانندگی با مشکلات زیادی رو به رو هستند، آیا در این مورد اقدامی کرده‌ای؟

در محل شهرک آزمایش در دفتر جاننازان و معلولان اداره راهنمایی رانندگی تهران، یکی از دوستان دارای معلولیت به نام سردار قیائی مستقر هستند که در این مورد کمک زیادی به دوستان می‌کنند. نصب پلاک ویژه برای ماشین افراد دارای معلولیت با پیگیری‌های ایشان به انجام رسید. الان هم دوستان دارای معلولیت، چنانچه با مشکلی در زمینه راهنمایی و رانندگی روبه‌رو باشند و یا جریمه‌های سنگین داشته باشند، می‌توانند به ایشان مراجعه کنند و کمک بگیرند. در مورد تجهیزات ویژه افراد دارای معلولیت در خودروها هم ایشان همکاری خوبی با ما دارند. از آنجا که اداره استاندارد دستورالعملی برای خودروهای ویژه افراد دارای معلولیت ندارد، ایشان با کمک افسرکارشناس در این حوزه، بر کار کسانی که سیستم‌های کنترل دستی را روی ماشین‌های افراد دارای معلولیت نصب می‌کنند، نظارت دارند. چنانچه دوستان دارای معلولیت با ماشین خود که مجهز به کنترل دستی است،

به دوستانی که می‌گویند، این موارد شش ماه پیش هم گفته شده، می‌گویم باید ببینیم در این فاصله چه اقدام و فعالیت تاثیرگذاری صورت گرفته است؟ تا وقتی اقدامی انجام نشود، به این آموزش‌ها نیاز است

تصادف کنند، باید گواهی استاندارد لوازم نصب شده را به پلیس ارائه دهند و درغیراین صورت، مقصر شناخته می‌شوند. حتی اگر مقصر هم نباشند. بنابراین ماشین‌های مناسب‌سازی شده برای افراد دارای معلولیت، باید حتما توسط افرادی که استانداردها را رعایت می‌کنند، مناسب‌سازی شوند. در این مورد هم سردار قیائی زحمات زیادی کشیده‌اند.

آیا در سایر سازمان‌ها هم چنین افرادی جهت کمک و راهنمایی به افراد دارای معلولیت وجود دارند؟

وقتی ستاد مناسب‌سازی تشکیل شد، مصوبه‌ای را گذراندیم که شهرداری هرمنطقه باید یک مشاور دارای معلولیت از جاننازان و یا از سایر

معلولیت‌ها داشته‌باشد که برای مناسب‌سازی‌های شهری و مواردی که در هر منطقه پیش می‌آید، مشاوره بدهد. خوشبختانه تعداد زیادی از مناطق شهرداری این کار را کرده‌اند. کانون معلولان در مناطق شهرداری، چنین خدماتی را ارائه می‌دهند.

یکی دیگر از فعالیت‌های ما در حوزه مناسب‌سازی اجتماعی، آموزش برای خدمات ویژه هواپیمایی و فرودگاهی است. ما به دعوت شرکت‌های هواپیمایی، هرچند وقت یک‌بار به این سازمان‌ها می‌رویم و دوره‌های آموزشی برای کارمندان فرودگاه برگزار می‌کنیم. تاکنون به کارمندان شرکت‌های هواپیمایی هما، ماهان و ایرتور آموزش داده‌ایم. یک بار هم به کارمندان هواپیمایی شرکت ماهان به صورت خاص در فرودگاه مشهد آموزش دادیم. به این دلیل که مشهد شهر زیارتی است، تردد افراد دارای معلولیت در این شهر بیشتر از سایر شهرهاست. انصافا باید بگویم که این آموزش‌ها بسیار موثر است چون کارمندان فرودگاهی نحوه سرویس دادن به افراد دارای مشکل جسمی حرکتی را اصلا بلد نیستند.

امیدوارم با این آموزش‌ها فرهنگ ارتباط با افراد دارای معلولیت در همه جا عمومی شود.

از وقتی که در اختیار نشریه توان‌یاب قرار دادید، بسیار سپاسگزاریم.





دکتر زینب نصیری، مدیر کل سلامت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران است. او ابتدا در رشته مددکاری تحصیل کرد و کارشناسی و کارشناسی ارشدش را در این رشته گرفت. ایشان در حال حاضر دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی است. با او در مورد فعالیت‌های اداره کل سلامت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران به گفت‌وگو نشستیم و از فعالیت‌های این مجموعه در مورد مناسب‌سازی‌های فرهنگی و اجتماعی سوال کردیم.

مدیرکل سلامت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران؛

در آرزوی شهری هستیم که متعلق به همه شهروندان باشد!

آن زمان در شرح وظایف کارگروه اجتماعی فرهنگی، صرفاً بحث‌های اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی دیده شده بود، ولی بحث مطالبه‌گری و نظارتی که باید در فرآیندهای اجتماعی فرهنگی از طریق خود‌ذی‌نفعان اتفاق بیافتد، وجود نداشت. همانطور که می‌دانید در تمام سیصد و پنجاه و دو محله تهران، کانون‌های معلولان تشکیل شده که اعضای آنها، افراد دارای معلولیت هستند. از این طریق، شبکه گسترده‌ای در محلات ایجاد شده که باعث اتفاقات خوبی در سطح محلات شده‌است. از این طریق ارتباط خوبی بین اداره کل سلامت و سمن‌های معلولان شکل گرفت که باعث درگیر شدن ذی‌نفعان در ارائه راه حل، برای مشکلات موجود شد. این ارتباط موجب افزایش مطالبه‌گری و مشارکت این افراد در برنامه‌ریزی‌ها و نظارت بر پروژه‌های در حال اجرا شد. البته هنوز با آنچه در ذهنمان هست فاصله زیادی داریم ولی این تغییرات، فرصت خوبی را ایجاد کرد. در زیرمجموعه ستاد مناسب‌سازی، کارگروه مناسب سازی مناطق وجود دارد که در تمام مناطق بیست و دوگانه شهر

در تمام سیصد و پنجاه و دو محله تهران، کانون‌های معلولان تشکیل شده که اعضای آنها، افراد دارای معلولیت هستند. از این طریق، شبکه گسترده‌ای در محلات ایجاد شده که باعث اتفاقات خوبی در سطح محلات شده‌است

کردیم که دبیری این کارگروه، به اداره کل سلامت و معاونت فرهنگی و اجتماعی سپرده شود. پس از موافقت این پیشنهاد در ستاد مناسب‌سازی، از اردیبهشت ماه سال جاری، مدیریت کارگروه اجتماعی فرهنگی، به اداره کل سلامت داده شد. این تغییر، اتفاق خوبی بود و کمک زیادی به موضوع مناسب‌سازی فرهنگی نمود. تا

خانم دکتر! شهر ما شهری است که برای زیست همه شهروندانش آمادگی ندارد. این شهر علاوه بر مشکلات فراوان در مناسب‌سازی‌های فیزیکی، در مناسب‌سازی فرهنگی و اجتماعی هم با مشکلات بسیاری روبه‌رو است که همین مشکلات مانع از حضور همه شهروندان بدون دغدغه، در شهر می‌شود. اداره کل سلامت شهرداری تهران در ارتباط با مناسب‌سازی‌های فرهنگی، چه اقداماتی انجام داده‌است؟ در شهرداری تهران از سال‌ها قبل، ستادی به نام ستاد مناسب‌سازی شهری تشکیل شده‌است و اداره کل سلامت شهرداری با عضویت در این ستاد، فعالیت‌هایی را دنبال می‌کند. بخش عمده‌ای از این فعالیت‌ها به بحث مناسب‌سازی اجتماعی فرهنگی در جهت تغییر نگرش مردم نسبت به نیازهای افراد دارای معلولیت برمی‌گردد. ستاد مناسب‌سازی، از یک سری کارگروه‌هایی تشکیل شده که یکی از آنها، کارگروه اجتماعی فرهنگی است. تا قبل از اردیبهشت سال ۹۷، دبیری این کارگروه، با اداره کل معماری و شهرسازی بود ولی در جلساتی که با دوستان داشتیم، پیشنهاد



شماره ۱۸ - بهار ۱۳۹۸



تلاش ما این است که در اجرای هر پروژه شهری، دبیر کانون معلولان منطقه، بر مناسب سازی ها و دسترس پذیری آن نظارت داشته باشد

افتاده و تلاش می شود این اتفاق نهادهینه شود.

در اداره کل سلامت، چه کارهایی در حوزه مناسب سازی های فرهنگی انجام شده است؟

در اداره کل سلامت، از دو منظر وارد این موضوع می شویم. یکی از طریق همین کارگروه اجتماعی فرهنگی که زیر مجموعه ستاد مناسب سازی است و دبیری آن برعهده اداره کل سلامت می باشد، است. که البته از قبل هم شورای راهبری معلولان در این اداره با حضور اساتید و سمن های حوزه معلولیت تشکیل می شد. در جلسات کارگروه اجتماعی فرهنگی، تقریباً از همه سمن های مختلف معلولان، مثل سمن های جسمی حرکتی، نابینایان، ناشنوایان، انجمن اوتیسم و حتی انجمن مطالعات سالمندی، نماینده داریم و روی مباحث مربوطه کار می کنیم. از منظر دیگر، بحث های آموزشی است. در اداره کل سلامت، بخشی به نام اداره آموزش داریم که در آن مبحث ارتقای سواد سلامت شهروندان دنبال می شود. امسال آموزش های خاص به شهروندان را هم پیش بینی کردیم. یعنی علاوه بر یک سری آموزش های عام در تمام محورهای سلامت اعم از سلامت روانی، سلامت جسمانی و سلامت اجتماعی که فارغ از گروه های جمعیتی و از طریق خانه های سلامت به شهروندان ارائه می دهیم، به یک سری آموزش های خاص هم نیاز داریم مثل آموزش در حوزه معلولیت. امسال در بحث افراد دارای معلولیت، چند طبقه بندی آموزشی را دنبال کردیم و در سال آینده هم این آموزش ها را به صورت گسترده تر دنبال خواهیم کرد. یک بحث در مورد آموزش به دبیران کانون های معلولان در مورد

است و فکر می کنم از زمانی که این تغییر ایجاد شده، اتفاقات خوبی در مناطق مختلف رخ داده است. مثلاً پارک های مناسب سازی شده افتتاح شدند که من هم در بعضی از این مراسم شرکت داشتم. در این مراسم شهردار منطقه اعلام کرد که دبیر کانون معلولان منطقه بر روند مناسب سازی این پارک نظارت داشته و آن را تایید کرده است. این اتفاق خوبی است که مدیران شهرداری بدانند که اگر قرار است نظارتی وجود داشته باشد، لازم است خود افراد ذی نفع نظر بدهند که این مناسب سازی ها کاربردی و اصولی هستند یا نه؟ متأسفانه در سال های گذشته چند باره هزینه کرده ایم. اگر در شروع اجرای پروژه های شهری، از ابتدا بحث دسترس پذیری و مناسب سازی در همه اجزای آن دیده می شد، نیاز به هزینه اضافی برای اصلاح نداشتیم. از همان اول در کنار پله، رمپ تعبیه می شد و از همان ابتدا فضا را مسطح می کردند و غیره. ولی متأسفانه این کار از اول انجام نشد و بعد که پروژه به بهره برداری رسید، تازه معلوم شد که در سرای محله که در آن کانون معلولان داریم، دبیر این کانون نمی تواند واردش شود، چون امکان ورود ندارد! تلاش ما این است که در اجرای هر پروژه شهری، دبیر کانون معلولان منطقه، بر مناسب سازی ها و دسترس پذیری آن نظارت داشته باشد. یعنی هم دبیران کانون های معلولان نسبت به موضوع حساس باشند و هم فضایی برای مدیران شهری ایجاد شود که اگر قرار است پروژه ای را افتتاح کنند، قبلش با افراد دارای معلولیت مشورت کنند. این فضایی است که به صورت کلان در ستاد مناسب سازی شهرداری اتفاق

تهران، این کارگروه با حضور شهردار منطقه و معاونینش شکل می گیرد. از ابتدای امسال تغییر مثبتی در این کارگروه ها ایجاد شد و آن اضافه شدن دبیر کانون معلولان منطقه به این کارگروه بود. یعنی قبل از آن، در ترکیب این کارگروه فرد دارای معلولیتی حضور نداشت و چنانچه پروژه ای در منطقه اجرا می شد، نظارتش برعهده کسانی بود که از جامعه معلولان نبودند. از امسال که دبیر کانون معلولان به این کارگروه اضافه شده، بحث مطالبه گری و ارتباط بین دبیر کانون معلولان و مدیران منطقه افزایش پیدا کرد. بعضی از این دبیران توانسته اند افرادی با معلولیت های دیگر مثل؛ نابینایی و یا ناشنوایی را به جلسات وارد کنند. در بعضی مناطق هم دبیران کانون های معلولان، کارگروهی جداگانه با حضور افراد دارای معلولیت و انجمن ها تشکیل داده که از پروژه های مختلف در منطقه بازدید می کنند و نتایج آن را در کارگروه مناسب سازی مناطق منعکس می کنند.

نبودن افرادی که معلولیت دارند در این کارگروه ها عجیب است، ولی حالا که این افراد اضافه شده اند، آیا در فعالیت کارگروه ها تاثیر قابل لمسی مشاهده می شود؟

به هر حال باید گفت که وجود دبیر کانون معلولان در این کارگروه ها چون او تنها یک نفر در بین مدیران شهری است، بسته به این که چقدر شهردار و معاونین منطقه، نسبت به موضوع حساسیت داشته باشند و مشکلات افراد دارای معلولیت را بدانند، بهای بیشتر و یا کمتری به نظرات این فرد می دهند. ولی این تغییر، شروع خوبی برای این فرآیند



استانداردهای مناسبسازیها است. چون مشاهده کردیم که افرادی که به عنوان دبیر کانون معلولان انتخاب می‌شوند و قرار است به مناسبسازیها در مناطق نظارت داشته باشند، معمولا خودشان از استانداردهای مناسبسازی آگاهی کافی ندارند و نیاز دارند که این آموزشها را ببینند. لذا پروژه‌ای را با اداره کل معماری شهرداری شهرداری تدوین کردیم که دوره‌ای برای دبیران کانون‌های معلولان گذاشته‌شود تا استانداردهای مناسبسازی را آموزش ببینند. این دوره آموزشی تجربه خیلی خوبی بود و نتایج خوبی هم در برداشت. امسال پروژه‌ای را به نام گفت‌وگو در شهر را هم تعریف کردیم. در طول مرداد ماه، هر روز در یکی از پارک‌های محوری بیست و دو منطقه تهران، برنامه گفت‌وگو را تدارک دیدیم که مدخل کتابخانه انسانی بود. به این معنی که ما آموزش نمی‌دادیم، بلکه افراد، تجارب زیسته خود را با هم به اشتراک می‌گذاشتند. عنوان روزهای چهارشنبه این گفت‌وگوها، چهارشنبه‌های معلولان بود. یعنی در تمام چهارشنبه‌های مرداد ماه، در بیست و دو منطقه شهر تهران، محور برنامه گفت‌وگو در شهر، افراد دارای معلولیت بودند. این برنامه بسیار جذاب بود و تنها یک نفر به عنوان تسهیل‌گر، از طرف ما در این گفت‌وگوها شرکت می‌کرد تا انسجام برنامه حفظ شود. در یکی از این چهارشنبه‌ها من به منطقه دوازده که گروه‌های مختلف معلولیتی از افراد جسمی حرکتی، نابینایان، بچه‌های اوتیسم و سندرم داون با والدینشان در برنامه شرکت داشتند، رفتم. همان‌طور که افراد دارای معلولیت، از تجارب خود صحبت می‌کردند، والدین این بچه‌ها هم از تجارب خود می‌گفتند. مثلا جوانی به نام امید که روی ویلچر نشسته بود گفت، در مترو همه مردم می‌خواهند به من کمک کنند، ولی نمی‌دانند که چطور باید ویلچر مرا بلند کنند. او می‌گفت، یک بار وقتی می‌خواستم با ویلچر وارد مترو شوم، به دلیل کمک‌های اشتباه مردم، از عقب با ویلچر به زمین خوردم و سرم متورم شد. افراد حاضر در برنامه هرکدام راه حلی به این فرد ارائه دادند که به نوعی اشتراک تجربه در بین گروه‌های مختلف بود. این فضا تجربه خیلی خوبی بود که توسط اداره کل سلامت انجام شد.

فصد دارید که چنین تجاربی را در سال جدید هم تکرار کنید؟

بله. در برنامه‌ریزی سال ۹۸ هم بحث گفت‌وگو را به عنوان یکی از روش‌های اصلی

تقریبا هفتاد هشتاد درصد از اقداماتی که به سرانجام رسیده، یا از دل سمن‌های حوزه معلولان برآمده و یا از کانون‌های محلی که در مناطق داریم

در حوزه آموزش دنبال می‌کنیم. مثلا بعد از صحبت‌ها و بیان تجارب یکی از افراد دارای معلولیت در منطقه دوازده، دوستان ما شروع به ایجاد ارتباط با مجموعه مترو کردند که چگونه می‌توان در فضای مترو، آموزش‌هایی برای شهروندان در کمک به افراد دارای معلولیت در مترو ارائه داد. در روز جهانی معلولان برای اولین بار کمپین‌های خوبی در تهران اتفاق افتاد و سعی شد در فضاهای شهر و در مترو، یک سری موضوعات گفته شود. تمام جملات و طرح‌هایی هم که اکران شدند، از نشست‌هایی که با انجمن‌های افراد دارای معلولیت داشتیم، گرفته شد. یکی از برنامه‌هایی که برای سال آینده داریم این است که از طریق اجراهای هنری توسط خود افراد دارای معلولیت در ایستگاه‌های مترو، مردم یاد بگیرند که اگر با یک فرد نابینا یا ناشنوا یا جسمی حرکتی روبه‌رو می‌شوند بهترین کاری که می‌توانند انجام دهند چیست؟ یکی دیگر از فعالیت‌های ما، برگزاری تئاتر معلولان در بیست و دو منطقه تهران بود. اعضای کانون معلولان منطقه چهارده، که بچه‌های هنرمندی بودند و تئاتر کار می‌کردند اعلام آمادگی کردند و در بیست و دو مدرسه در بیست و دو منطقه شهر تهران، تئاتر اجرا کردند. من در دبستان شهید مطهری در منطقه بیست و دو تهران حضور داشتم و دیدم که سایر دانش‌آموزان با این برنامه ارتباط خوبی گرفتند. این گروه تئاتر شامل یک فرد جسمی حرکتی، یک نابینا و یک نفر سندرم داون بود. در طول این اجرا به بچه‌ها آموزش می‌دادند که در قضاوت‌هایشان تجدید نظر کنند. مثلا به بچه‌ها آموزش می‌دادند که اگر در محل عبور یک ویلچر، ماشینی پارک شده‌باشد، چه عکس‌عملی باید نشان داده‌شود. عکس‌عمل دانش‌آموزان در گروه‌های مختلف سنی بسیار جذاب بود. بعضی از آنها با تفاوت بودند ولی بعضی هم وارد فضای

خوشونت‌آمیز می‌شدند، مثلا می‌گفتند باید چرخ ماشین را پنچر کرد. در طول این برنامه بچه‌ها رفتار مناسب را یاد می‌گرفتند. به یاد دارم مدیر مدرسه که کنار من نشسته بود گفت، من به عنوان مدیر مدرسه، هیچوقت به بسیاری از این مسائل فکر نکرده‌بودم، چه برسد به دانش‌آموزان مدرسه! به نظر من، تغییرات اجتماعی و فرهنگی حتما باید از مدارس شروع شود.

آیا شما در اداره کل سلامت شهرداری تهران، با آموزش و پرورش هم در ارتباط هستید؟

ما با آموزش و پرورش در ارتباط هستیم ولی حتما این ارتباط باید گسترده‌تر شود. این نیاز باید در سیستم آموزش و پرورش هم احساس شود تا منجر به همکاری ما با هم شود. باور ما این است که بحث ارتقا دانش و باور و تغییر نگرشی که در شهروندان باید اتفاق بیافتد، تنها با نصب بنر اتفاق نمی‌افتد. ما در بحث آموزش و فرهنگ‌سازی دانش‌آموزان با چند مشکل روبه‌رو هستیم. یکی این که بچه‌های دارای معلولیت و دارای سلامت جسمی-ذهنی در سیستم‌های جدا از هم آموزش می‌بینند و معمولا افراد دارای مشکلات جسمی در مدارس استثنایی درس می‌خوانند. بحث این است که این بچه‌ها کجا باید در کنار هم قرار بگیرند؟ ما در جشنواره‌ای شرکت کردیم به نام جشنواره "از کودکی" که مجموعه کاکتوس در کنار سمن‌های معلولین قرار گرفتند و بچه‌ها، فارغ از نوع نیازهای خاص و نوع معلولیتی که دارند، در کنار بچه‌های سالم قرار بگیرند و با هم بازی کنند. در این جشنواره مسابقاتی طراحی شد و همه بچه‌ها در کنار هم بازی کردند. خیلی از این بچه‌ها اولین بار بود که یک فرد نابینا یا فرد جسمی حرکتی هم سن خودشان را می‌دیدند و چنین تجربه‌ای برایشان خیلی جذاب بود. در فضای مجازی هم بسیاری از بچه‌ها شرکت کردند و تجربه و آثارشان را ارائه دادند. در واقع خود بچه‌ها تفاوتی میان خودشان با هم قائل نیستند، ما بزرگسالانیم که از همان اول نگرش غلط و تبعیض‌آمیز را در ذهن بچه‌ها ایجاد می‌کنیم. متأسفانه سیستم آموزش و پرورش ما قائل به ادغام نیست و این تفاوت و فاصله را از اول بین دانش‌آموزان تندرست و دارای معلولیت ایجاد می‌کند. وقتی من از کودکی یاد بگیرم که تفاوتی



شعار دکتر حناچی شهردار محترم
در سال جدید، "تهران شهری برای
همه" است. اعلام این شعار توسط
ایشان، اشاره بر این دارد که همه
تلاش خود را بر اصل دسترس پذیری
گذاشته‌اند

حوزه هنر، ظرفیت بازی، ظرفیت کارگاه‌های آموزشی و سایر ظرفیت‌های شهری در بحث دسترس‌پذیری شهری و مناسب‌سازی استفاده کنیم. امسال، توفیقاتی داشته‌ایم و امیدواریم در سال ۹۸ هم طرح‌هایی را که شروع کرده‌ایم را با موفقیت بیشتر دنبال کنیم. همچنین در حال تهیه کلیپ و انیمیشن‌های آموزشی در این زمینه هستیم تا بتوانیم هم از طریق صدا و سیما و هم شبکه‌های اجتماعی آنها را به نمایش درآوریم.

علاوه بر بحث آموزش شهروندان، آموزش‌هایی را هم برای گروه‌هایی از مجموعه شهرداری که ارتباط بیشتری با شهروندان دارند، پیش‌بینی کرده‌ایم. مثلاً در خط یک مترو یکی از حرفه‌ای‌ترین زمین‌کوب‌هایی که برای رفت و آمد نابینایان لازم است، نصب شده که مورد تایید خود افراد نابینا هم قرار گرفت. قبلاً مترو در جایی توقف می‌کرد که با زمین‌کوب‌ها جلوی در مترو فاصله داشت و افراد نابینا دچار سردرگمی می‌شدند. در واقع ما با صرف هزینه، زیرساخت شهری را اصلاح کرده‌ایم، ولی راهبر مترو از کاربرد این زمین‌کوب‌ها بی‌اطلاع بودند و جایی مترو را متوقف می‌کرد که یک نابینا نمی‌توانست وارد مترو شود. یعنی کاری انجام شده بود اما بی‌فایده بود! وقتی این موضوع را متوجه شدیم، به دوستان در حوزه حمل و نقل اطلاع دادیم و آنها هم با راهبرها صحبت کردند و مشکل حل شد. به همین دلیل قرار شد که یک سری دوره‌های آموزشی برای راهبران مترو در حوزه افراد دارای معلولیت و هم در حوزه حمل و نقل و ترافیک برای رانندگان اتوبوس پیش‌بینی شود تا در دوره‌های آموزشی که قرار است در سال ۹۸ برقرار شود، گنجانده شود. بخشی از این آموزش‌ها به کارگاه‌های آموزشی برمی‌گردد و بخشی هم به ارتباطی که ما با افراد دارای معلولیت داریم. چندی پیش تعدادی از دوستان دارای معلولیت گفتند که

از این پانزده درصد هم که به اطلاع‌رسانی در حوزه‌های اجتماعی فرهنگی، مثل حوزه حمل و نقل، آلودگی هوا، زیست محیطی، سلامت، افراد با نیازهای خاص تعلق دارد، سهم کمی در طول سال به موضوع معلولیت تعلق می‌گیرد. البته در یک سال اخیر، ظرفیت‌های مناسبی در اختیار ما قرار گرفته که امیدوارم بتوانیم در این حوزه گسترده‌تر عمل کنیم. در بحث آموزش‌های شهروندان، سعی کرده‌ایم از تکنیک‌های مختلف استفاده کنیم. یکی از آنها همان بحث گفت‌وگو در شهر بود که توضیح داده شد و یکی هم کارگاه‌های آموزشی است که در داخل سرای محلات برگزار می‌شود. بحث دیگری که امسال داشتیم، سینما سلامت بود. در سه نوبت فیلم‌های حوزه سلامت را در مکان‌هایی اکران نمودیم. نصب بنرهای تخصصی هم از دیگر فعالیت‌های ما بود. در طول هفته جهانی معلولان، شش فیلم در حوزه معلولیت را در ایوان شمس معاونت اجتماعی فرهنگی و نیز در مناطق مختلف شهر اکران کردیم که در هراکران، حدود پانصد نفر از شهروندان حضور داشتند. این فیلم‌ها در مورد کودکان اوتیسم، سندرم داون، افراد جسمی حرکتی و یکی هم در مورد نابینایان بود. سعی شده بود از گروه‌های مختلف معلولیتی فیلم داشته باشیم. بعد از پایان نمایش هر فیلم، کارگردان به همراه یک کارشناس متخصص به سوالات مردم پاسخ می‌دادند. در شبکه سلامت تلویزیون هم، فیلم‌های سینمایی و فیلم‌های مستند را اکران کردیم. در برنامه‌ریزی‌های سال ۹۸ هم پیش‌بینی کرده‌ایم که بحث هنر و معلولان را داشته باشیم. در سال ۹۸ دانشکده‌های هنر در کنار حوزه معلولان قرار خواهند گرفت و سعی می‌کنیم از طریق طرح‌های گرافیکی و عکس و سایر ظرفیت‌های هنری، ارتباط بین جامعه معلولان و شهر اتفاق بیافتد. تلاش می‌کنیم از همه ظرفیت‌ها، مثل ظرفیت در

بین فرد دارای معلولیت و تندرست نیست و شهر باید طوری باشد که برای همه افراد فرصت‌های برابر ایجاد کند، آنوقت است که شهر مهربانی خواهیم داشت که برای همه شهروندان قابل زندگی است. ما با شهری مواجه هستیم که بخش‌های مختلف آن متناسب با نیازها و تفاوت‌های افراد ساخته نشده‌است، چه در بخش آموزش، چه در بخش فرهنگ و چه در بخش اجتماعی‌اش. اگر می‌خواهیم این شهرها تغییر کند اول باید ذهن‌های ما تغییر کند، در غیراینصورت هرکدام از ما برای خود حق قائلیم که همه چیز شهر باید متناسب با نیازهای ما باشد، بدون توجه به نیازهای دیگران. هر چقدر سیستم آموزشی ما فارغ از ساختارش، از طریق معلمان و مدیران و اجزای دیگر آن اهمیت موضوع را درک کنند و کمک به ادغام دانش‌آموزان کنند، ما در امر فرهنگ‌سازی پیشرفت خواهیم کرد. باید همه تلاش خود را در راستای آموزش شهروندان به کار ببریم.

اداره کل سلامت در امر فرهنگ‌سازی در سطح عموم جامعه، چه فعالیت‌هایی داشته‌است؟

همان‌طور که گفتیم بخشی از فرهنگ‌سازی، به نمایش گذاشتن آموزش‌های عمومی در بنرهایی است که در سطح شهر نصب می‌شوند که شامل؛ بیلبوردها، عرشه‌های پل، و سیستم حمل و نقل عمومی مثل؛ مترو و اتوبوس و تاکسی است. در داخل سرای محلات، ظرفیت اطلاع‌رسانی وجود دارد که بخشی از آن انجام می‌شود و در بخشی هم در حال پیگیری هستیم که به صورت گسترده تر انجام شود. یکی از اشکالات جدی که وجود دارد، اختصاص تنها پانزده درصد از ظرفیت اطلاع‌رسانی در سطح شهر تهران به موضوعات اجتماعی و فرهنگی است.



در مترو‌هایی که آسانسور تعبیه شده، روی در آسانسور نوشته شده که بلیط خود را از طبقه پایین تهیه کنید! در نظر بگیرید یک فرد که با ویلچر یا عصا رفت و آمد می‌کند، چطور باید به طبقه پایین برود که بلیط بگیرد. شاید یک مدیر شهرداری هیچ‌وقت چنین موردی را نبیند چون درگیر آن نیست. خیلی از مشکلات به عدم گفت‌وگو بین مدیران و افراد دارای معلولیت برمی‌گردد. ما مدیران شهرداری، باید حواسمان باشد که غرق در کارهای خود نشویم و سعی کنیم این ارتباط و شبکه به‌صورت دائم برقرار باشد.

اداره سلامت چه ارتباطی با سمن‌های افراد دارای معلولیت دارد؟

در اداره سلامت ارتباط خوبی با سمن‌ها داریم. باور من این است که مهم‌ترین مجموعه در تغییرات اجتماعی فرهنگی، سمن‌ها هستند. نقشی که سمن‌ها می‌توانند در فرهنگ‌سازی ایفا کنند را هیچ مجموعه دیگری نمی‌تواند داشته‌باشد. جاهایی هم که ما در شهرداری تهران و یا هر بخش حاکمیتی دیگر می‌توانیم موثر باشیم، جایی است که سمن‌ها آن را مطرح می‌کنند و بعد ما اجرای آن را تسهیل می‌کنیم. در همه کارهایی که تا کنون انجام دادیم، بیشترین نقش را سمن‌ها داشتند. سمن‌ها باید طرح بیاورند، ایده‌پردازی و مطالبه‌گری کنند و نهادهای دولتی را مجبور به اجرای آن کنند. تقریباً هفتاد هشتاد درصد از اقداماتی که به سرانجام رسیده، یا از دل سمن‌های حوزه معلولان برآمده و یا از کانون‌های محلی که در مناطق داریم. اینها آمدند و پیشنهادی را مطرح کردند و ما هم اجرای آن را دنبال کردیم و اتفاقات خوبی افتاد. امیدواریم اتفاقات بهتری هم در آینده بیافتد. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان امسال در بهزیستی رونمایی شد که اتفاق خیلی خوبی بود و واقعا مایه افتخار کشور است، ولی واقعیت این است که ده سال پیش فعالان دارای معلولیت، تلاش کردند که مسئولان را به این نتیجه برسانند که باید چنین قانونی داشته باشیم. خوشبختانه امروز با تمام اشکالات تاریخی که در تعامل بین سمن‌ها و نهادهای حاکمیتی وجود داشته، تفاهمی بین این دو گروه بوجود آمده‌است. باور دارم که اگر قرار است کشور توسعه بیابد و مسیرهای بهتری را طی کنیم، حتما هم سمن‌ها باید خود

به نظرم، تغییرات اجتماعی و فرهنگی حتما باید از مدارس شروع شود.

را توانمندتر و جریان‌سازتر کنند و هم حاکمیت باید اعتماد بیشتری به سمن‌ها داشته‌باشد.

یکی از دیگر برنامه‌هایی که قرار است در سال ۹۸ بهتر جا بیفتد، بحث نقشه مناسب‌سازی شده تهران است. این مورد را هم با همکاری سمن‌ها دنبال می‌کنیم. اول از همه از خود ساختمان‌های اصلی شهرداری، سرای محلات، مراکز اجتماعی فرهنگی، پارک‌ها، میادین میوه و تره‌بار و درمانگاه‌های شهرداری تهران شروع کردیم که بینیم این امکان در چه وضعیتی از لحاظ مناسب‌سازی قرار دارند و فرد دارای معلولیت بداند کدام ایستگاه مترو مناسب‌سازی شده و کدام نیست؟ اگر می‌خواهد به بانک برود بداند که در بین بانک‌های تهران کدام بانک‌ها مناسب‌سازی شده هستند و برنامه‌اش را طوری تنظیم کند که به این شعب برود، یا مثلا بداند که از کدام میدان میوه و تره‌بار مناسب‌سازی شده خرید کند و یا مثلا به کدام فروشگاه شهروند برود. چند ماهی است که سمن‌هایی با هم نشست‌اند و شاخص‌های این امکان را احصا کرده‌اند و ما هم جلساتی را با سازمان فناوری اطلاعات شهرداری تهران برگزار کردیم. امیدواریم این شناسایی‌ها انجام شود و اطلاعات آن روی نقشه تهران بیاید. در گام اول مشخص می‌کنیم که وضعیت تهران چگونه است؟ وقتی شاخص‌ها معلوم شدند، کار سنگینی را باید شروع کنیم. چون ما با شهری مواجهیم که ساخته شده، نه با شهری که قرار است ساخته شود. ولی بالاخره باید شاخصی داشته‌باشیم که بتوانیم بگوییم مثلا از این تعداد فروشگاه شهروند، چند تایش مناسب‌سازی شده هستند و قرار است در سال اول برنامه، چه تعداد دیگر هم مناسب‌سازی شوند. همچنین در مورد سایر امکان مثل سرای محلات و غیره، این ارزیابی‌ها توسط خود افراد دارای معلولیت صورت می‌گیرد. امیدوارم این اطلاعات در سال آینده روی نقشه تهران بیاید. چون نگاهمان این است که بتوانیم دسترسی آزاد

اطلاعات را در حوزه مناسب‌سازی در اختیار همه قرار دهیم.

فعالیت‌هایی که توسط اداره سلامت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران در سال جاری انجام شده و شما از آنها نام بردید، بسیار قابل توجه و مهم هستند ولی به نظر می‌رسد اطلاع رسانی کافی در موردشان انجام نشده‌است و خیلی از افراد از آن بی‌خبرند. نقش رسانه‌های عمومی را در فرهنگ‌سازی در خصوص مناسب‌سازی‌های اجتماعی را چگونه می‌بینید؟

شهرداری، در مقابل سازمان صدا و سیما باید مطالبه‌گر باشد. البته یک سری شبکه‌ها مثل شبکه سلامت، حوزه کاری ما را خوب پوشش می‌دهد. با سایر بخش‌های صدا و سیما هم در ارتباط هستیم. ولی در کل مجموعه فعالیت‌های شهرداری تهران در صدا و سیما دیده نمی‌شود. تلاش داریم که از همه ظرفیت‌های رسانه‌های مکتوب و ظرفیت‌های صدا و سیما به مردم استفاده کنیم، ولی قطعاً با شرایط مطلوب بسیار فاصله داریم. خیلی اوقات حتی همکاران خود ما در مجموعه شهرداری تهران از فعالیت‌های ما در اداره سلامت مطلع نیستند که بخش عمده‌ای از آن برمی‌گردد به این که ما چه سهمی از ظرفیت اطلاع رسانی صدا و سیما در اختیار داریم. قطعاً سهم کمی است و بیشتر به اخبار محدود است. در صورتی که خیلی از ظرفیت‌های آموزشی و زیرنویس‌هایی که در سیما اتفاق می‌افتد اگر در اختیار کلان شهر تهران قرار بگیرد، تاثیر گسترده‌ای در فرهنگ‌سازی دارد.

آقای دکتر حناچی، شهردار تهران، سال ۹۸ را سال، شهری برای افراد دارای معلولیت اعلام کردند. درست است؟

شعار دکتر حناچی شهردار محترم، "تهران شهری برای همه" است. اعلام این شعار توسط ایشان، اشاره بر این دارد که همه تلاش خود را بر اصل دسترس‌پذیری گذاشته‌اند. یعنی قرار است فرصت‌های برابر برای دسترسی همه افراد، فارغ از هر نوع معلولیت یا نیاز خاصی که دارند، به امکانات و فضاهای شهری اضافه شود. دکتر حناچی دکترای شهرسازی دارند و نگاه اجتماعی بسیار خوبی به بحث دسترس‌پذیری شهری دارند. این هنر ماست که بتوانیم از رویکردی که ایشان دارند، استفاده کنیم.



سردار مهندس بنایی، جانباز بنیسته نیروی انتظامی

جانباز مهندس حیدر بنایی، سرتیپ بازنشسته نیروی انتظامی است. او که در آغاز دهه شصت، در اثر حادثه‌ای تروریستی دچار قطع نخاع شده‌است، یکی از پیگیرترین افراد در اجرای مناسب‌سازی‌های شهری و اماکن عمومی است. سرتیپ مهندس بنایی علاوه بر پربایی دوره‌های مختلف آموزشی در نهادهای مختلفی از جمله خطوط هوایی ملی ایران، در بسیاری از ستادهای مناسب‌سازی کشوری حضور فعال دارد. مهندس بنایی امیدوار است که شهردار جدید تهران، به دلیل تخصصی که در حوزه شهری دارد، بتواند در زمینه مناسب‌سازی شهری اقدامات موثر و ماندگاری داشته‌باشد.

اگر بپذیریم که همه انسان‌ها حق برخورداری از حقوق برابر را دارند، بسیاری از مشکلات حل می‌شوند

آقای مهندس، کشور ما از سال ۱۳۵۹، درگیر جنگی تحمیلی شد. جنگ هشت ساله‌ای که جانبازان بی‌شماری را برجای گذاشت. این در حالی بود که شهرها و روستاهای ما برای زیست مناسب این افراد اصلاً آمادگی نداشت. لزوم توجه به این مساله از چه زمانی مطرح و پیگیری شد؟

موضوع مناسب‌سازی شهری از سال‌های ۶۳-۶۴، در زمان شهرداری مرحوم نبی‌الله حبیبی و با پیگیری‌های ایشان شروع شد. من از همان زمان در خدمت این بزرگوار بودم. در آن زمان، شهر تهران پر از پستی و بلندی بود و لزوم مناسب‌سازی که ایشان مطرح کردند، انصافاً جای تقدیر داشت. تفکر ایشان این بود که اگر مناسب‌سازی محقق شود، اتفاق خوبی برای جامعه و به‌خصوص عزیزان جانباز و افراد دارای معلولیت و سالمندانی که از این امکانات برخوردار می‌شوند، خواهد افتاد. چون سالمندی هم به معنی داشتن ویلچر و واکر و عصا است و با خود نوعی از

با وجود تدوین انواع و اقسام ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی در مورد معلولان جسمی حرکتی در مراکز تحقیقات مسکن، در وزارت راه و شهرسازی، در سازمان‌های مختلف مثل شهرداری و شورای شهر، هنوز در خیابان‌ها اقدامات قابل لمسی دیده نمی‌شود که باعث تردد راحت این افراد در شهر شود

معلولیت را به همراه دارد. این توجهات از همان سال‌ها شکل گرفت اما با وجود دستورالعمل‌ها و قوانین مختلف و تدوین انواع و اقسام ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی در مورد معلولان جسمی حرکتی در مراکز تحقیقات مسکن، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری و شوراها، شهر،

هنوز در خیابان‌های شهر شاهد اقدامات قابل لمسی نیستیم. زمانی در خدمت یکی از عزیزان جانباز بودیم که از پایان نامه دکتریش دفاع می‌کرد و چندین استاد بزرگوار هم در دانشگاه حضور داشتند. یکی از اساتید که تازه از اروپا برگشته بود، می‌گفت خوشبختانه در ایران افراد دارای معلولیت کم داریم، ولی در اروپا تعداد این افراد بسیار زیاد است به طوری که در خیابان و فروشگاه‌ها و مترو و همه جا دیده می‌شوند. همان‌جا پاسخ دادم که متأسفانه در کشور ما، بستر مناسب برای حضور افراد دارای معلولیت آماده نیست و بیشتر آنها در خانه‌ها حبس شده‌اند. اگر شرایط و بستر آماده باشد و این افراد بیرون بیایند، می‌بینیم که تعداد افراد دارای معلولیت در کشور ما حتماً بیشتر است. هیچ فرد دارای معلولیتی قادر نیست که مستقلاً در شهر رفت و آمد کند و کارهایش را پیگیری کند. خود من اگر در اداره‌ای کاری داشته‌باشم، حداقل یک نفر باید با من همراهی کند تا بتوانم کارم



را انجام دهم. چون هیچ نقطه‌ای در شهر وجود ندارد که با خیال راحت بتوانم در آنجا تردد کنم. چه در خیابان و پیاده‌روها و چه در بحث حمل و نقل عمومی دچار گرفتاری هستیم.

شما می‌گویید موضوع مناسب‌سازی از سال ۶۳-۶۴ مطرح شده‌است. چرا تا کنون، یعنی بعد از بیش از سی سال هنوز مناسب‌سازی‌ها عملی نشده‌اند و به قول خودتان هنوز نمی‌توانید بدون کمک دیگران در شهر رفت و آمد کنید؟

قوانین مربوط به دسترس‌پذیری، سال‌هاست که تصویب شده و لازم اجرا هم هستند. در وزارت کشور ستاد مناسب‌سازی داریم، ستادی که به کل کشور احاطه دارد. همه استان‌ها و شهرستان‌ها و شهرداری‌ها زیر نظر وزیر کشور هستند و جلسات متعددی در این مورد برگزار می‌کنند. این ستاد سه کمیته دارد؛ یک کمیته حقوقی که مسئولش بنیاد شهید است، یک کمیته اطلاع‌رسانی و آموزش، که مسئولش صدا و سیما است و یک کمیته فنی هم دارد که وزارت کشور مسئولش است. از طرفی دبیرخانه خوبی هم در بهزیستی دارد. با این ساختار محکم، نباید الان شاهد ساختن ساختمان‌هایی باشیم که امثال من در تردد به آن دچار مشکل می‌شوند. بحث عمده‌ای که دنبال می‌شود این است که چرا اجازه می‌دهید که ساختمان‌ها از هم‌کف چند پله بالا بیایند؟ اگر ساختمان‌ها، هم سطح خیابان باشند، بسیاری از مشکلات حل می‌شوند. همیشه به افراد دارای معلولیت و جانبازان توصیه می‌کنیم که در جامعه حضور داشته‌باشند و خود را منزوی نکنند ولی با شهری که فقط افراد سالم و جوان می‌توانند در آن تردد کنند، آنها چگونه می‌توانند از خانه بیرون بیایند؟ مدتی پیش برای دیدن فیلمی که از من ساخته‌شده بود، به دعوت کارگردان در سینما فلسطین حاضر شدم. متوجه شدم این فیلم در سالن شماره سه و در طبقه سوم نمایش داده می‌شود و آسانسور هم ندارد و من حدود نود پله را باید بالا بروم. به هر حال، چهار پنج نفر مرا با ویلچر از این همه پله بالا بردند و پایین آوردند. اگر من بخواهم به سینما و تئاتر بروم یا حتی به مسجد محله‌ام بروم، در همه این موارد با مشکل روبه‌رو هستم. بسیاری از اماکن همین الان در

در جلساتی که با مسئولان برگزار می‌شود می‌گوییم، فکر نکنید که چون مسئول هستید اتفاقی برایتان نمی‌افتد. هیچ تضمینی برای سلامتی تا آخر عمر برای هیچ‌کس وجود ندارد

حال مجوز گرفتن از شهرداری‌ها هستند و بدون رعایت شرایط مناسب‌سازی، ساخته می‌شوند. سال‌هاست که با هواپیمایی‌های کشوری، جلسه می‌گذاریم. کلاس می‌گذاریم و آموزش می‌دهیم ولی هنوز در مسافرت با هواپیما مشکل داریم. در یکی از سفرهایی که به اصفهان برای کلاس‌های آموزشی می‌رفتم، در حین حمل و نقل پای من شکست. چون خدمات ویژه فرودگاه، آموزش لازم را ندیده‌اند. در جلسه‌ای با حضور رئیس هواپیمایی کشور که همه ایرلاین‌ها تحت نظر ایشان هستند، شرکت داشتم. ایشان در مورد قانون یا تا که مربوط به هواپیمایی و پروازها است صحبت کردند. بعد که نوبت من شد، گفتم من فقط به دنبال اجرای همین قانون یا تا هستم و بیشتر از رعایت این قانون بین‌المللی، چیزی از شما نمی‌خواهم. گفتم، شما این قانونی را که موظف به اجرای آن هستید اجرا نمی‌کنید، ماشین‌های خدمات ویژه شما مشکل دارند، نیروهایی که حمل و نقل را انجام می‌دهند، دوره ندیده‌اند. در کلاس‌هایی که برای نیروهای خدمات ویژه برگزار می‌شد، می‌گفتم شخصی که از شما خدمات می‌گیرد، نباید وضعیتش از این که هست بدتر شود! خودتان هم نباید دچار آسیب شوید. وقتی می‌خواهید مرا از روی صندلی‌ام بلند کنید، باید همه نکاتی را که باعث می‌شود خودتان هم صدمه نبینید را رعایت کنید. در غیر این صورت شما هم پس از مدتی دچار آسیب نخاعی، کمردرد و یک فرد آسیب دیده دیگر مثل من می‌شوید. گاهی با

نیروهای خدمات ویژه فرودگاهی صحبت می‌کنم و می‌گویم که من به عنوان یک انسان و یک شهروند حق و حقوقی دارم، شخصیتی دارم و انتظار ندارم مورد بی‌احترامی قرار گیرم. ولی بعد می‌بینم که کار از ریشه کار خراب است. چون در نظر نیروهای خدمات ویژه، این بخش یک تبعیدگاه است! یعنی پست خدمات ویژه برای این افراد به جای اینکه یک امتیاز کاری باشد، یک تبعیدگاه است. این افراد به جای این که از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار باشند و با اشتیاق در دوره‌های آموزشی شرکت کنند، بدون هیچ انگیزه‌ای در این بخش مشغول می‌شوند و با همین روحیه می‌خواهند به من خدمات ارائه کنند. در حالی که در سفر با خطوط هوایی اروپایی، بلافاصله یک مهماندار در کنار من، به عنوان کسی که معلولیت دارد، می‌نشیند و توضیح می‌دهد که چه کمک‌ها و خدماتی در این سفر می‌تواند به من ارائه دهد و اگر کاری داشتیم چگونه خبرش کنیم. در حالی که در سفرهای داخلی، این خدمات به هیچ‌وجه وجود ندارد. پس چگونه باید ما این فرد دارای معلولیت را از خانه‌اش بیرون بیاوریم و وارد اجتماع کنیم؟ مسلماً این شخص ترجیح می‌دهد در خانه بنشیند و بیرون نیاید. این‌ها مشکلاتی هستند که مرتب به مسئولان گوشزد می‌کنیم ولی متأسفانه تا خودشان یا نزدیکانشان به چنین مشکلی دچار نشوند، متوجه مشکلات بی‌شمار افراد دارای معلولیت نمی‌شوند. متوجه نمی‌شوند که مناسب‌سازی، نیاز جامعه ماست. وزیر کشور، رئیس ستاد مناسب‌سازی هستند ولی ایشان این مسئولیت را به معاونت عمرانی خود تفویض اختیار کردند و خودشان هم هیچوقت در این جلسات شرکت نداشتند. ما انتظار داریم ایشان برای یک بار هم که شده خودشان در این جلسات شرکت کنند. شهرداران نوک پیکان هستند. من از آقای دکتر حناچی که خودش استاد مباحث معماری هستند و در جلسات در مورد مباحث مناسب‌سازی مفصل صحبت کرده‌اند، انتظار دارم که به عنوان یک فرد آگاه به این مساله، روی این موضوع اهتمام بورزند. در لیستی که برای گرفتن مجوز به پیمانکار داده می‌شود، بحث مناسب‌سازی، به‌طور جدی پیگیری شود. اگر مناسب‌سازی انجام نشده به جای اینکه طبق ماده صد جریمه



شود، ساختمان را تخریب کنید. اگر چند بار این اتفاق بیافتد، مناسب‌سازی به‌طور صحیح دنبال می‌شود. سال قبل در کشور چین صدمین شهر بدون مانع افتتاح شد. من به یکی از دوستان چینی گفتم، چقدر نگاه شما انسانی است، او پاسخ داد، نگاه ما انسانی نیست، اقتصادی است. وقتی ما پاساژ و بازارها را مناسب‌سازی می‌کنیم، همه آحاد جامعه از جمله افراد دارای معلولیت هم برای خرید می‌آیند و اقتصاد رونق می‌گیرد. وقتی سینما پردیس پارک ملت ساخته‌شد، من از مهندس طراحش تشکر کردم و از او پرسیدم که چطور شد که چنین طراحی را انجام دادید؟ ایشان گفت، من به آدم‌ها نگاه کردم. در جامعه ما همان‌طور که آدم قد بلند، قد کوتاه، چاق و لاغر وجود دارد، عده‌ای هم دارای معلولیت هستند و با ویلچر یا واکر یا عصا حرکت می‌کنند. اگر بپذیریم که همه انسان‌ها از حقوق برابر برخوردارند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. من که معلولیت دارم، عوارض می‌دهم، مالیات می‌دهم، پول بیمه می‌دهم و تمام هزینه‌ها را پرداخت می‌کنم، پس چرا تمام حق و حقوق موجود، برای افراد تندرست است؟ چرا با عوارضی که از من گرفته می‌شود، اتوبوس‌هایی می‌خرید و ایستگاه‌هایی درست می‌کنید که فقط افراد تندرست می‌توانند از آنها استفاده کنند؟ چرا ایستگاه‌های مترو بگونه‌ای است که افراد دارای معلولیت، فقط از دو سه ایستگاه می‌توانند استفاده کنند؟ من از ایستگاه صادقیه که مناسب‌سازی شده‌است می‌توانم سوار مترو شوم، ولی از ایستگاه طالقانی نمی‌توانم خارج شوم! در مباحث شهری جامع‌نگری و نقشه‌های همه شمول، حرف اول را می‌زند.

به قول شما سال‌هاست که قانون برای مناسب‌سازی داریم و دائماً هم پیگیری‌هایی می‌شود پس چرا به نتیجه نمی‌رسیم؟

همان‌طور که گفتم، مسئولان حرف زیاد می‌زنند، ولی داشتن این توجهات، مسئله اصلی آنها نیست. من به یکی از بستگانم که نزدیک به شصت سال در آلمان زندگی می‌کند گفتم، چه خوب است که پس از جنگ جهانی دوم تمام ساختمان‌ها در آلمان با نگاه به افرادی که معلولیت دارند ساخته شده‌است. ایشان گفت: این‌طور نیست. مدت‌های زیادی

من از آقای دکتر حناچی که خودشان استاد مباحث معماری هستند و در جلسات در مورد مباحث مناسب‌سازی مفصل صحبت کرده‌اند، انتظار دارم که به عنوان یک فرد آگاه به مسئله نسبت به شهرداران قبلی، روی این موضوع اهتمام بورزند

به این موضوع توجهی نمی‌شد. ولی با ایجاد سمن‌های بسیار که دغدغه‌شان مناسب‌سازی بود، این موضوع به شدت پیگیری شد و به نتیجه مطلوب رسیدند. این سازمان‌ها نقش بسیار موثری در این رابطه داشتند. چون آنها وابسته به پست و مقام نبودند و به خاطر دست‌یابی به زندگی بهتر، کار را به جلو بردند. می‌خواهم بگویم علاوه بر مسئولین که باید احساس وظیفه کنند، سمن‌ها هم باید به نقش موثر خود واقف شوند و اگر دست به دست هم بدهند، مسیر هموار می‌شود.

یکی از فعالیت‌های شما آموزش به کارمندان هواپیمایی است. چه مدت است که چنین کاری را انجام می‌دهید؟

من همراه با مهندس برجیان و آقای اصرافیلی از انجمن جانبازان ضایعه نخاعی، دو سه سال در این زمینه خیلی فعال بودیم و برای کارمندان خطوط مختلف هوایی جلسات آموزشی متعددی برگزار کردیم. ولی نزدیک به دو سال است که این ارتباطها متوقف شده‌است.

چرا این ارتباط قطع شد و این آموزش‌ها ادامه پیدا نکرد؟

متأسفانه در مملکت ما کارها قائم به شخص هستند. وقتی مسئولی مشکلی را می‌فهمد، شروع به کار می‌کند. ولی وقتی این مسئول به هر دلیل عوض شد، همه کارهایش هم متوقف می‌شود و ادامه پیدا نمی‌کند. ما دوست خوبی از مسئولین هواپیمایی داشتیم که به موضوع آموزش

و مناسب‌سازی بسیار علاقمند بود. ایشان در جای جای فرودگاه، مشکلات راپیگیری و حل می‌کرد. ولی متأسفانه سال گذشته به رحمت خدا رفت و با فوت او تمام این خدمات متوقف شد. الان در پارکینگ فرودگاه محلی برای پارک توانیابان مشخص شده ولی معمولاً ماشین‌های افراد غیرمعلول در این مکان‌ها پارک می‌شوند و از هیچکس هم برای این تخلف بازخواست نمی‌شود. در زمینه ریلی هم مشکلاتی داریم. البته فردی به نام مهندس منادی را در شرکت راه آهن جمهوری اسلامی داریم که درد من جانباز دارای معلولیت را فهمیده‌است. ایشان سالن و همه فضاهای ایستگاه راه‌آهن را برای فردی مثل من که روی ویلچر است، مناسب‌سازی کرده‌است. تنها به تهران هم اکتفا نکرده و ایستگاه‌های راه‌آهن شهرستان‌ها را هم مورد توجه قرار داده‌است. مهندس منادی مسئولیت‌های مختلفی در راه‌آهن داشته ولی در هر مسئولیتی این مسئله را پیگیری کرده‌است. واگن‌های قطارهایمان هنوز مشکل دارند ولی سالن‌های راه‌آهن شرایط مناسبی دارند.

آیا واگن‌های قطارهای در کشور ما استاندارد هستند؟ در کشورهای پیشرفته هم قطارها به همین شکل هستند یا مناسب‌سازی شده‌اند؟

در کشورهای پیشرفته برای افراد دارای معلولیت که روی ویلچر هستند، یک واگن مناسب‌سازی شده به قطارها اضافه می‌کنند و مسافران دارای معلولیت را در این واگن سوار می‌کنند. البته بعضی از واگن‌های قطار، درهای بزرگ دارد و من با ویلچر می‌توانم وارد شوم و حتی در داخل کوپه بنشینم.

شاید دلیل این که مسئولان ما مشکلات افراد دارای معلولیت را احساس نمی‌کنند، این است که هیچ‌کدامشان معلولیت ندارند. چون شرط لازم برای احراز پست‌های مدیریتی، تندرست بودن است، به همین دلیل افراد دارای معلولیت کمتر در پست‌های این چنینی قرار می‌گیرند؟

این مورد وجود دارد ولی خیلی از جانبازان و افراد دارای معلولیت به عنوان نماینده در مجلس هستند، فراکسیون حمایت از معلولان دارند، افراد تحصیل کرده‌ای هم هستند، باید از آنها پرسید که چه کاری انجام داده‌اند؟ در سازمان هواپیمایی



هم چند فرد ویلچری داریم ولی وقتی می‌پرسیم که چراکاری نمی‌کنید، می‌گویند ما سیاستگذار نیستیم که بخواهیم تصمیم‌گیری کنیم ما فقط یک کارمند هستیم! یکی از دوستان ما که در دفتر فنی وزارت کشور کار می‌کردند، در مسیر رفتن به ماموریت تصادف می‌کند و قطع نخاع می‌شود. پس از این اتفاق، پیگیری و رسیدگی ایشان به مسائل افراد دارای معلولیت بیشتر شده‌است. چرا تا وقتی که حادثه‌ای برای یکی از ما پیش نیامده به فکر حل مشکل این افراد نباشیم؟ بسیاری از جانبازان و توانیابان افراد تحصیل کرده جامعه هستند که اگر وارد جامعه نشوند، این جامعه است که ضرر می‌کند و البته این ضرر دو جانبه است.

موضوع پرونده این شماره نشریه توانیاب، مناسب‌سازی اجتماعی و فرهنگی است که بخش نرم افزاری مناسب‌سازی است و به نگاه مردم و رفتاری که جامعه با افراد دارای معلولیت دارد، برمی‌گردد. نظر شما در این مورد چیست؟

در این مورد هم هنوز با شرایط مطلوب فاصله بسیاری داریم. اوایل معلولیتیم، ویلچر را در سبدهی در پشت ماشین می‌گذاشتم. ولی نیاز بود که در موقع سوار و پیاده شدن از ماشین، کسی ویلچر را برایم بیاورد و یا ببرد. گاهی مدت‌ها در خیابان می‌ماندم تا کسی رد شود و ویلچر را برایم بیاورد. بعضی اوقات افراد نگاهی می‌انداختند و می‌رفتند. بسیاری از آنها درکی نداشتند که من چه نیازی دارم و چه می‌خواهم؟ ولی وقتی که مناسب‌سازی فیزیکی وجود داشته‌باشد و من بتوانم با راحتی وارد اجتماع شوم، دیده می‌شوم و نیازهایم برجسته می‌شود. چرا افرادی مثل من از خانه کمتر بیرون می‌آیند؟ چون حضور ما در شهر برای دیگران زحمت ایجاد می‌کند و باری بر دوششان هستیم. بنابراین تا مجبور نباشم از خانه بیرون نمی‌آیم و سعی می‌کنم مطالعات خود را در خانه انجام دهم. در جلساتی که با مسئولان دارم، به آنها می‌گویم، فکر نکنید که چون مسئول هستید اتفاقی برایتان نمی‌افتد و افرادی که در اثر حوادث دچار معلولیت شده‌اند را برایشان نام می‌برم. هیچ تضمینی برای سلامتی تا آخر عمر برای هیچکس وجود ندارد. زمانی با چند نفر از دوستان سفری به

بسیاری از جانبازان و توانیابان افراد تحصیل کرده جامعه هستند که اگر وارد جامعه نشوند، این جامعه است که ضرر می‌کند و البته این ضرر دو جانبه است

دبی داشتیم و برای خرید به مرکز تجاری رفتیم. در بیرون صفی طولانی از مردم برای تاکسی ایستاده بودند. ما هم در صف ایستادیم. بلافاصله یکی از ماموران آن خط، سوار تاکسی درستی شد و مقابل پای ما ایستاد. بین ما چند نفر فقط من ویلچری بودم. این شخص به من گفت بفرمایید سوار شوید. من گفتم این دوستان هم با من هستند. گفت آنها هم سوار شوند. ما را خارج از صف سوار کرد و هیچکس هم اعتراض نکرد. در دبی همه خیابان‌ها مناسب‌سازی شده بود و برای اتصال پیاده رو به خیابان و سواره‌رو به پیاده‌رو رمپ زده بودند. همین که نوک ویلچر من وارد خیابان می‌شد، ماشین‌ها هفت - هشت متری من می‌ایستادند و نزدیک‌تر نمی‌شدند. ولی در ایران در هر جایی که می‌خواهم با ویلچر رد شوم، راننده ماشین سرعتش را افزایش می‌دهد و از جلوی من رد می‌شود تا مجبور نباشد که چند لحظه معطل شود. مناسب‌سازی اجتماعی اهمیت خاصی در جامعه ما دارد. اگر اجتماع پذیرای شرایط افراد دارای معلولیت باشد، با این همه ناملایمت و سختی رو به رو نبودیم. وقتی وارد جامعه می‌شویم، به جای این که مردم با نگاه و لبخند مرا یاری دهند، با رفتارشان من را آزرده می‌کنند. اینها نکاتی است که هم صدا و سیما، هم نشریات و هم روزنامه‌ها وظیفه دارند که با فرهنگ سازی، تغییرش دهند.

چه انتظاری از شهردار جدید تهران دکتر حناچی دارید؟

ما جانبازان و معلولان و مخصوصا

کسانی که در حوزه مناسب‌سازی فیزیکی و شهری کار می‌کنند، ایشان را به عنوان استاد خود و به عنوان کسی که دانش زیادی در معماری و شهرسازی دارد، می‌دانند. ایشان سال‌ها در وزارت مسکن کار کرده‌اند و از صاحب‌نظران در این حوزه هستند. بنابراین انتظار ما از ایشان خیلی بیشتر از بقیه است. نگاه به مباحث مناسب‌سازی از این وضعیتی که هست، باید تغییر کند. باید دستورالعملی صادر شود که ساختمان‌ها از همکف بالا نروند، همان‌طور که در بسیاری از کشورهای اروپایی ساختمان‌ها همکف هستند. یعنی شهر بدون پله. بحث مناسب‌سازی باید دستوری باشد و گرنه سازندگان و پیمانکاران ساختمان به دنبال استفاده حداقلی از مصالح، برای رسیدن به سود حداکثری هستند. یکی از مواردی که در مرکز تحقیقات مسکن پیگیری‌شده است، تنظیم دستورالعمل برای رعایت نکات حداقلی در سرویس‌های بهداشتی، درهای آشپزخانه و درهای اتاق‌ها است، بگونه‌ای که یک فرد ویلچری بتواند به راحتی واردش شود. آقای حناچی به عنوان فردی که به این موضوعات اشراف دارد، می‌تواند دستورالعملی را صادر کند که مثلاً به جای اینکه این درها شصت سانت باشند، هفتاد سانت باشند. انتظاری که از دکتر حناچی داریم را از شهرداران قبل نداشتیم. ایشان خودش استاد و صاحب‌نظر در امر مناسب‌سازی هستند. وقتی آقای کرپاسچی شهردار تهران بود و کلنگ طرح نواب را می‌زد، در جلسه‌ای به ایشان گفتم، سعی کنید در اجرای این پروژه، نگاه انسانی داشته باشید و من ویلچری را هم در این طرح ببینید که اگر این کار انجام شود، الگویی برای سراسر کشور می‌شود. اتوبان نواب ساخته شده و متأسفانه انسان سالم هم در آن مشکل دارد، چه برسد به افراد ویلچری! ولی دکتر حناچی به این موضوعات اشراف کامل دارد و کسی نمی‌تواند ایشان را دور بزند. در دوران آقای قالیباف، اتفاقات خوبی در شرف انجام بود. در جلسه‌ای من به ایشان پیشنهاد دادم که یک خیابان طولانی که چندین منطقه شهرداری درگیرش هستند را به عنوان یک پروژه تعریف کنید و از شهرداران هر منطقه بخواهید که دستور مناسب‌سازی را در طول این خیابان بدهند. خیابان ولیعصر که طولانی‌ترین خیابان خاورمیانه است انتخاب شد. ایشان مدیریت خوبی داشت

و توان جلو بردن این طرح را داشت. طرح اعلام شد و قرار بر این شد که معاونت عمرانی شهرداری آن را انجام دهد. ولی به دلایلی، طرح به جای معاونت عمرانی، به سازمان زیباسازی منتقل شد و به جای مناسب‌سازی، زیبا سازی صورت گرفت! یعنی رمپ‌هایی ساخته شد که مشکل دارند و قابل استفاده برای کسانی که با ویلچر رفت و آمد می‌کنند، نیستند. یا مثلا مسیر ویژه نابینایان در سطح پیاده‌رو، طوری ساخته شد که وقتی به دریچه مخابرات می‌رسید قطع می‌شد. به هر حال ما جانبازان و افرادی که معلولیت دارند، به دکتر حناچی بسیار امیدوار هستیم. من پای صحبت‌های ایشان نشسته‌ام و دیده‌ام که اطلاعاتشان بسیار جامع و کامل است و به مسائل دنیا کاملا آشنایی دارند. کلان شهر تهران، الگوی کشور است و هر کار مهمی که در این شهر انجام شود، سایر شهرها هم آن را انجام می‌دهند.

آیا استانداردی برای ماشین‌های مناسب‌سازی شده برای معلولان در کشور ما وجود دارد؟

در ستاد مناسب‌سازی وزارت کشور، چندین جلسه برگزار کردیم و از نماینده وزارت صنایع تقاضا کردیم که یک الگو و استاندارد برای خودروهای مناسب‌سازی شده ارائه دهند. از وزارت صنایع خواستیم که مشخص کند که ماشین مناسب برای یک فرد قطع نخاعی یا قطع دست چگونه باید باشد؟ متاسفانه این اتفاق نیفتاد و به نتیجه نرسیدیم. وقتی که

جانبازان و معلولین گرامی هرگونه شکایت از شرکت‌های هواپیمایی یا فرودگاهی داشتند را می‌توانند با سایت www.cao.ir و با مسوول پیگیری هواپیمایی آقای دکتر جعفرزاده تماس بگیرند

باشد که سایر نیازهای لازم مثل کنترل دستی، بالابریلچر و غلتک لقمه‌ای و ... را بر روی این ماشین اجرا کند. ما تولید کنندگان این قطعات را در ایران داریم و به خودروساز هم فشار نمی‌آید. این ماشین‌ها هم به فروش می‌رسد. متاسفانه هنوز خودروسازان و وزارت صنایع زیر بار این مسئله نرفته‌اند. متاسفانه به مناسب‌سازی هیچوقت به‌طور عمقی نگاه نشده و در همه جا فقط بحث پول مطرح است. زمانی من از هر شرکت هواپیمایی می‌توانستم با یک نامه، بلیط نیم بها تهیه کنم ولی حالا فقط هواپیمایی هما، بلیط نیم بها در اختیار من می‌گذارد. روز به روز شرایط برای افراد دارای معلولیت سخت‌تر می‌شود.

و سخن آخر شما؟

گاهی فکرمی‌کنم اگر من خودم هم روی این ویلچر نشسته بودم، اید در وادی دیگری بودم و نمی‌توانستم شرایط یک فرد دارای معلولیت را درک کنم. به مسئولان می‌گویم، نمی‌خواهم شما را متهم کنم ولی حداقل وقتی افرادی با شرایط خاص به شما مراجعه کرده و مشکلاتشان را مطرح می‌کنند، بدانید که موظف به رسیدگی هستید چون مسئولیت برگردن شما افتاده‌است. در ضمن جانبازان و معلولین گرامی هرگونه شکایت از شرکت‌های هواپیمایی یا فرودگاهی داشتند را می‌توانند با سایت www.cao.ir و با مسوول پیگیری هواپیمایی آقای دکتر جعفرزاده تماس بگیرند

با خودرو سازان هم مطرح می‌کنیم، می‌گویند ما بنگاه اقتصادی هستیم و انجام اینکار برای ما صرف نمی‌کند. می‌گویند، اگر یک میلیون دستگاه با این شرایط بخواهید، برایتان می‌سازیم. ولی ساختن تعداد محدودی خودرو با این شرایط برای ما صرف نمی‌کند. من می‌گویم چطور برای خودرو ساز ژاپنی و فرانسوی صرف می‌کند که برای هر شخص با هر شرایط فیزیکی، خودرو مناسبش را می‌سازد؟ من به خودروسازان روش کار را ارائه کرده‌ام و به آنها گفتم، لازم نیست که یک خط تولید برای این ماشین‌ها راه اندازی کنید. فقط تعدادی ماشین خام را به افراد دارای معلولیت اختصاص دهید و شرکت‌های اقماری هم در کنار این خودروساز وجود داشته



نشریه توانیاب قصد دارد از این شماره، به معرفی سازمان‌های جهانی مرتبط با معلولیت بپردازد. دکتر مجید میرخانی، متخصص حوزه توانبخشی مسئولیت تهیه مطالب این بخش را پذیرفته‌اند. در این شماره سازمان جهانی معلولین معرفی می‌شود.

سازمان جهانی معلولین^۱

سازمان جهانی معلولین، در سال ۱۹۸۱ همزمان با سال جهانی معلولان شکل گرفت. ۳۸ سال از عمر این سازمان جهانی مرتبط با افراد دارای معلولیت می‌گذرد و تا کنون ۱۶۰ کشور در آن عضویت دارند.

اهداف سازمان جهانی معلولین

۱ بهبود و ارتقای وضعیت حقوق بشر افراد دارای معلولیت

۲ تلاش در جهت تلفیق و یکپارچگی اجتماعی و اقتصادی افراد دارای معلولیت در جهان

۳ حمایت از سازمان‌های مرتبط با افراد دارای معلولیت در سراسر جهان

پس از شکل‌گیری این سازمان، در راستای هماهنگی و انسجام بیشتر در امور معلولان، دفاتر منطقه‌ای سازمان جهانی معلولین در حوزه‌های اروپا، آفریقا، آمریکای لاتین، آمریکای شمالی، آسیا و اقیانوسیه و همچنین کشورهای عربی ایجاد شد و جوامع معلولان در کشورهای مختلف، دفاتر منطقه‌ای را شکل دادند که در نتیجه آن، سازماندهی و هدایت امور افراد دارای معلولیت منطقه، توسط این نهاد انجام می‌شود. در واقع سازمان جهانی معلولین، فعالان در این حوزه را به تلاشی مضاعف در سطح جهان واداشت.

1 - Disabled People International (DPI)





تا اواخر دهه ۱۹۷۰ نظرات در خصوص افراد دارای معلولیت در سطح ملی و بین‌المللی از طریق تدارک دهندگان خدمات توانبخشی، کارشناسان و اعضای خانواده ارائه می‌گردید. « سازمان جهانی توانبخشی»^۱ در آن زمان، تنها سازمان تخصصی مرتبط با افراد دارای معلولیت بود که اعضای آن را متخصصان و کارشناسان توانبخشی در سطح جهانی شکل می‌دادند. سیاست این سازمان جهانی این بود که افراد دارای معلولیت، تنها به صورت ناظر می‌توانند در کنفرانس‌ها و سیاست‌گذاری‌های توانبخشی شرکت نمایند و اجازه اعلام‌نظر و سخنرانی را نداشتند. این رویکرد باعث شد تا در کنفرانس توانبخشی بین‌المللی که در سال ۱۹۸۰ در کشور کانادا برگزار شد، افراد دارای معلولیت که در این کنفرانس شرکت کرده بودند به نشانه اعتراض به این‌گونه تبعیض‌ها، سالن کنفرانس را ترک نمایند.

این اعتراض، زمینه را برای تشکیل یک سازمان جهانی معلولین که تمامی اعضای آن را افراد دارای معلولیت شکل می‌دهند، فراهم کرد. لذا در دهه ۱۹۸۰، انقلابی در زندگی افراد دارای معلولیت در سطح جهانی رخ داد و آنان مصمم شدند که خودشان روی مسائلی که در زندگی آنها اثرگذار است، تصمیم بگیرند و از قیمومیت متخصصان و مؤسساتی که برایشان تصمیم‌سازی می‌نمودند، خارج شوند. لذا شعار "هیچ اقدامی درباره ما بدون نظر و حضور ما نباید باشد"^۲ سرلوحه اقدامات این شکل قرار گرفت.

در واقع، دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی شاهد رشد تدریجی جوامع و انجمن‌های افراد دارای معلولیت، تحت نظارت سازمان جهانی معلولین بوده‌است. سازمانی که در تمامی بحث‌ها و مسائل مربوط به جایگاه و حقوق افراد دارای معلولیت پیشرو است و کنوانسیون حقوق معلولین، یکی از ثمرات و پی‌آمدهای این حرکت منسجم جوامع مرتبط با افراد دارای معلولیت و در رأس آن، سازمان جهانی معلولین است.

1. Rehabilitation International (RI)
2. Nothing About Us, Without Us



موضوع این شماره نشریه توان‌یاب، مناسب سازی اجتماعی و فرهنگی است. بهتر دیدیم که علاوه بر صحبت با مسئولان و فعالان مدنی در حوزه معلولیت، با تنی چند از کارآموزان رعد که هر کدامشان با نوعی از محدودیت فیزیکی، دست به گریبانند هم صحبت کنیم. چهار نفر از بچه‌ها به دعوت ما جواب مثبت دادند.

امیر همتیان، کارآموز و یکی از خوانندگان گروه موسیقی رعد، با مشکل فلج مغزی خفیف و لکتن زبان، فرزند پور محمد روحی، مهندس برق، مخترع و ناشنوا به همراه خواهرش شهرزاد، مسلط به زبان اشاره، عطااله دستوم، دانشجوی مترجمی زبان مرکز علمی کاربردی رعد و مشاور مالی شرکت آسان پرداخت با معلولیت از ناحیه پنج اندام و کم بینایی در اثر تصادف در سال ۸۰ و سید مهدی موسوی، کارآموز کلاس معرق رعد و دانشجوی کارشناسی مددکاری مرکز علمی کاربردی رعد و دارای معلولیت مادرزادی از ناحیه پا.



در میزگردی با کارآموزان رعد بررسی شد:

مناسب سازی های شهری مهم تر است یا مناسب سازی در نگاه مردم؟!

می‌خندی؟ این بنده خدا مشکل دارد. آن روز من خیلی شکستم و تا مدت‌ها به این موضوع فکر می‌کردم. ولی بعدها به این نتیجه رسیدم که چنین افرادی در جامعه بسیار زیاد هستند و من نباید ناراحت شوم و به هم بریزم. با وجودی که هر سال در دوازدهم آذر به مناسبت روز جهانی معلولان، افراد دارای معلولیت موفقیت مثل زهرا نعمتی و سیامند رحمان و بسیاری دیگر را در تلویزیون نشان می‌دهند، ولی هنوز این دیدگاه و نگرش نامناسب به توان‌یابان در جامعه وجود دارد. بچه‌های توان‌یاب و حتی خانواده‌هایشان از نگاه مردم می‌ترسند. دوستی دارم که قوزی در پشتش دارد و مادرش از نگاه کنجکاوانه مردم ناراحت می‌شود. همین باعث شده که او نتواند با پدر و مادرش بیرون برود و با آنها یک بستنی در بیرون از خانه بخورد. این ترس به این دلیل است که مردم نگاه می‌کنند و حتی سوال می‌کنند که چرا این فرد این جور شده‌است؟ ممکن است بعضی از دوستان به باوری

امیر همتیان: بسیاری از برخورد هایی که در جامعه نسبت به ما توان‌یابان صورت می‌گیرد، برایمان عادی شده و حتی گاهی در جمع با بچه‌ها در موردش می‌گوییم و می‌خندیم ولی این دید و نگرش به افراد دارای معلولیت بسیار تلخ و آزاردهنده است

مشکل جسمی‌ام خفیف است، ولی این نگاه‌های آزاردهنده از طرف مردم را به خوبی احساس می‌کنم. از خاطراتم می‌گویم: روزی در اتوبوس شهری سوار شدم و در اثر حرکت اتوبوس نتوانستم تعادل را حفظ کنم و به زمین افتادم. پسر بچه‌ای شروع به خندیدن کرد و پیرمردی به او نهیب زد که چرا

دوستان می‌خواهیم نظر شما را در مورد مناسب سازی اجتماعی و فرهنگی بدانیم.

امیر همتیان: به نظر من مناسب سازی فیزیکی و شهری بسیار مهم است، ولی مهم‌تر از آن، مناسب سازی در نگاه مردم و فرهنگ سازی است. من دوستان زیادی، چه در رعد و چه در خارج از رعد دارم که وقتی به آنها توصیه می‌شود که به داخل اجتماع بروند، آنها از ترس نگاه مردم، این کار را نمی‌کنند. البته هرکاری اولش سخت است و بعد از مدتی عادی می‌شود. الان بسیاری از برخوردهایی که در جامعه نسبت به ما توان‌یابان صورت می‌گیرد، برایمان عادی شده و حتی گاهی در جمع با بچه‌ها در موردش می‌گوییم و می‌خندیم. ولی به هر حال این دید و نگرش به افراد دارای معلولیت بسیار تلخ و آزاردهنده است. این نگرش در بسیاری از نزدیکان ما هم وجود دارد. هنوز واژه روشنندل یا توان‌یاب در جامعه جا نیفتاده‌است. هنوز کلماتی مثل معلول در بین مردم استفاده می‌شود. من با وجودی که



رسیده باشند که بتوانند به راحتی به این سوالات پاسخ دهند و مشکلشان را برای دیگران تشریح کنند، ولی عده‌ای هم به این باور نرسیده‌اند و ناراحت می‌شوند. ما توانیابان باید از خودمان شروع کنیم. من باید قبول کنم که من همین هستم. زمانی اگر می‌خواستیم از یک جوی آب بپریم، فکر می‌کردم که اگر بیفتم چه اتفاقی می‌افتد و نگران نگاه دیگران بودم. اما الان بارها شده که از جوی آب پریده‌ام و به زمین افتاده‌ام و خودم به این اتفاق خندیده‌ام.

آیا شرایطی پیش آمده که از دیگران کمک‌گیری و کمک گرفتن از دیگران برایت کسرشان نباشد؟

امیر همتیان: بیشتر سعی می‌کنم احتیاط کنم و اگر بتوانم کاری را خودم انجام دهم، از کسی کمک نگیرم. ولی بارها هم از مردم کمک گرفته‌ام. یکی از دوستان توان‌یاب ما به نام خانم پریا تشکری که هم شاعر هستند و هم بسیار خوش‌روحیه و فعال، با وجودی که خودشان مشکل شدید جسمی دارند، دوستان نابینا را به سفر می‌برند. من وقتی چنین افراد را می‌بینم، با خود می‌گویم چرا من نتوانم مثل این افراد باشم. باید خودمان به این باور برسیم و قبول کنیم که چنین تفکر اشتباهی در جامعه وجود دارد و شاید به راحتی نتوان تغییرش داد. مادر بزرگ من هم وقتی یک فرد ویلچری را می‌بیند، برایش دلسوزی می‌کند. من به او می‌گویم نیازی به ترحم و دلسوزی نیست، ممکن است این فرد یک پرفسور، یک دکتر یا مهندس باشد. به دید یک فرد ناتوان و نیازمند ترحم به او نگاه نکن. متأسفانه مردم ظاهربین هستند.

چه انتظاری از جامعه داری؟

امیر همتیان: من تمرین می‌کنم که از جامعه انتظاری نداشته باشم. ما چیزهایی را حق خودمان می‌دانیم و برای همین در جاهایی غر می‌زنیم؛ مثلاً چون سازمانی مثل بهزیستی، جاهایی توان‌یابان را نادیده می‌گیرد و فقط شعار می‌دهد، اعتراض می‌کنیم. در سازمان بهزیستی به مناسبت روز جهانی معلولان، برنامه داشتیم و رئیس سازمان هم آمد و

فرزاد روحی: زبان اشاره را هیچ‌کس بلد نیست، به همین دلیل برای برقراری ارتباط با دیگران باید حرف‌هایم را بنویسم که بیشتر افراد حوصله خواندن آن را ندارند

آرزوی بهترین‌ها را برای رعد داشته‌ام و امی دوارم فضای رفاقت و صمیمیت را در رعد ببینم. وقتی گروه ما روی سن می‌رود که برای مخاطبان برنامه اجرا کند، معمولاً پرده‌ها را نمی‌کشیم که بقیه ببینند که هرکدام از ما با چه سختی به روی صحنه می‌آیند. هرکدام از ما باید برای فرهنگ‌سازی از خودمان و خانواده‌هایمان و اطرافیانمان شروع کنیم. امی دوارم افراد دارای معلولیت با هم به وحدت برسند و آن وقت است که مشکلات ما، مشکلات موجود در بهزیستی و مسائل شهری حل می‌شود. دوستان زیادی در حال فعالیت در انجمن‌ها هستند، دوستان در رسانه‌ها مثل تلویزیون و رادیو حرف می‌زنند و در مسابقات فرمول یک و غیره شرکت می‌کنند. ولی باز هم کم است و باید کارهای بیشتری انجام داد.

فرزاد شما به عنوان یک فرد ناشنوا با چه مشکلاتی در جامعه رو به روهستی؟

فرزاد: من تا وقتی نخواهم با کسی ارتباط برقرار کنم، هیچ مشکلی ندارم چون ظاهر من نشان نمی‌دهد که مشکل دارم. ولی وقتی شروع به ارتباط برقرار کردن می‌کنم، دچار مشکل می‌شوم. زبان اشاره را که هیچ‌کس بلد نیست برای همین برای برقراری ارتباط با دیگران باید حرف‌هایم را بنویسم. ولی معمولاً افراد وقت و حوصله کافی برای این که با من ارتباط بگیرند و نوشته‌ام را بخوانند و جواب دهند را ندارند.

شهرزاد، خواهر فرزاد: وقتی بچه‌ها

وارد مدرسه می‌شوند، یکی از درس‌هایی که می‌خوانند، درس علوم اجتماعی است که در این درس راجع به معلولیت هیچ بحثی دیده نمی‌شود. در صورتی که در مورد پیشگیری از بسیاری از بیماری‌ها و حتی اعتیاد و بعضی آسیب‌های اجتماعی، آگاهی‌هایی به دانش‌آموزان در سال‌های راهنمایی و دبیرستان داده می‌شود. به نظرم از همان سال‌های اول تحصیل در مدارس باید آموزش‌هایی داده شود که معلولیت چیست و با افراد دارای معلولیت چگونه باید رفتار کرد؟ چه نگاهی باید به آنها داشت و آنها چه انتظاراتی از ما دارند؟ از طرفی برنامه‌هایی که در صدا و سیما از افراد دارای معلولیت پخش می‌شود، آنها را افرادی ضعیف و ناتوان و غمگین

از ما تعریف و تمجید کرد، ولی با هیچ‌کدام از ما حرف نزد که ببیند مشکلات ما چیست. متأسفانه گاهی این دید و نگرش را در مجتمع خودمان هم می‌بینم. مجتمع رعد برای من خیلی عزیز است. از بچگی من در رعد بودم و بارها رفته‌ام و برگشتم. می‌خواهم از دوستان خودم در رعد شروع کنم. گاهی ما خودمان را باور نمی‌کنیم. من از دیگران توقعی ندارم، حتی از افراد تندرستی که در رعد کار می‌کنند. ولی از دوستان خودم توقع دارم که همدیگر را حمایت کنیم و زیرآب همدیگر را نزنیم. هر کدام از ما در رعد در یک هنر و حرفه و یا در گروهی فعالیت می‌کنیم و اگر در کار و حرفه‌مان به توانایی رسیده‌ایم، با کوشش و تلاش و صرف وقت بوده‌است. پس چرا باید حرف‌هایی بزنیم که باعث آزدگی همدیگر شویم و چرا باید از پیشرفت یکدیگر ناراحت شویم؟ من در گروه موسیقی آواز می‌خوانم، یکی در کارگاه معرق تابلو می‌سازد و در بازارچه به فروش می‌رساند، یکی نقاشی می‌کشد و نمایشگاه می‌گذارد و آثارش را می‌فروشد. پس چرا اگر من پولی از کارم دریافت کنم، باید از دوستان خودم متلک بشنوم؟! اول باید نگرش خودمان را نسبت به هم درست کنیم، بعد از دیگران توقع داشته باشیم که با ما درست برخورد کنند. پایه‌ریزی مجتمع رعد، براساس نیت خیر بوده است ولی به نظرم شکاف و حفره‌ای بین بچه‌ها با هم و با مسئولین در حال بوجود آمدن است که بنظرم برای مکان مقدس و مطهری مثل رعد پسندیده نیست. من به عنوان یکی از فرزندان و خادم رعد، همیشه



سید مهدی موسوی: مناسب سازی اجتماعی نیاز به تغییر نگرش دارد که از خود خانواده‌ها باید شروع شود



او اهمیّت داده شود و مورد توجه قرار بگیرد. همان طور که هیچ یک از ما حق نداریم به کارمندان یک اداره یا سازمان توهین کنیم، دیگران هم حق بی‌توجهی و توهین به ما را ندارند. این حق شهروندی ماست که باید رعایت شود. برای افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی با ارائه مدارک، در مقابل محل زندگی آنها تابلوی پارک معلولان نصب می‌شود. در مقابل خانه ما هم این تابلو زده شد و من ماشینم را در این مکان پارک می‌کردم. وقتی افسر راهنمایی رانندگی می‌آمد، ماشین‌های همسایگان که در پشت یا جلو ماشین من پارک می‌کردند را جریمه می‌کرد و می‌رفت. همین باعث شد همسایگان بدون توجه به معلولیت من، تابلو را کنند و بردند. این در حالیست که ماشین‌هایی با پلاک عادی به راحتی زیر تابلوی پارک معلولان پارک می‌کنند. این بی‌نظمی‌ها در جامعه ما زیاد به چشم می‌خورد.

عطاءاله دستوم: من در سن هجده سالگی، در اثر تصادف دچار معلولیت شدم و از ابتدا با معلولیت روبه رو نبودم و به همین دلیل اعتماد به نفس گذشتهام را هنوز دارم. ولی بسیاری از دوستان از شرایط جسمی خود خجالت می‌کشند و یا اعتماد به نفس لازم را ندارند، به همین دلیل در بین مردم کمتر حاضر می‌شوند. ولی من اینطور نیستم و بارها و بارها با مسئولین رعد وارد بحث و گفت‌وگو رسمی شدم و سرمیز مذاکره رفتم و در بسیاری تصمیم‌گیری‌ها اثرگذار بودم. با این وجود در بسیاری از موارد از دیگران کمک می‌گیرم، چون قبول کرده‌ام

ناشنوایان در میان سایر معلولیت‌ها، درصد کمتری را تشکیل می‌دهند. بیشترین تعداد افراد دارای معلولیت، مربوط به افراد جسمی و حرکتی است. در دنیایی که حدود یک میلیارد فرد دارای معلولیت دارد و اگر جمعیت دنیا را هشت میلیارد در نظر بگیریم، یعنی تقریباً از هر هشت نفر یک نفر دارای معلولیت است، پس چرا دیدن فردی که معلولیت دارد، برای مردم جامعه عجیب است؟ این به خاطر آن تفکر و پیشینه‌ای است که از معلولیت در اذهان مردم جای گرفته‌است. برچسب ناتوانی، نقص و مشکل‌دار بودن به این افراد است که باعث این نگاه‌ها شده‌است. باید این برچسب‌ها برداشته شوند تا معلوم شود که این فرد کیست و چه توانایی‌هایی دارد؟

سید مهدی موسوی: یکی از دانشجویان مرکز علمی‌کاربردی رعد که در دوران کاردانی با فرزاد هم‌کلاس بوده می‌گوید: ناشنواست و به دلیل اینکه با استاد و دانشجویان نمی‌توانست ارتباط برقرار کند، برایش مشکلات زیادی ایجاد شد و حتی تا مرحله اخراج هم پیش رفت که با حمایت و پیگیری چند نفر از بچه‌ها درسش را ادامه داد. در این مرکز هیچ‌کس نبود که بتواند با زبان اشاره با این فرد صحبت کند و فقط یکی دو نفر از ما به زحمت با او ارتباط برقرار می‌کردیم. در صورتی که برخورداری از تحصیلات مرکزی، از نیازهای توانیابان و حق شهروندی آنان است و باید شرایط لازم در این زمینه برای آنها فراهم شود. حق شهروندی یک فرد دارای معلولیت این است که وقتی وارد یک اداره یا مرکز یا هر مکان عمومی می‌شود، به

نشان می‌دهد. کمتر دیده‌ایم که فرد دارای معلولیت را فردی شاد و توانا که در زندگی پیشرفت کرده و چیزی را به دست آورده را نشان دهند. وقتی در رسانه عمومی به معلولیت این‌گونه نگاه شود، چه انتظاری می‌توان از بقیه داشت. زمانی جامعه با بیماری طاعون به عنوان یک پدیده وحشتناک برخورد می‌کرد، ولی الان این ترس و نگرانی وجود ندارد، چون می‌دانیم که واکسن دارد. در جامعه هم لازم است که ترس از معلولیت وجود نداشته باشد و مردم بدانند که این افراد هم انسان‌هایی مانند بقیه و حتی تواناتر هم هستند. باید ترس از معلولیت و نگاه منفی موجود به افراد دارای معلولیت را کم کرد. فرزند تا وقتی حرف نزنند مشکلی ندارد چون ظاهرش چیزی را نشان نمی‌دهد، ناشنوایان افرادی هستند که با این مشکل بیشتر از سایر معلولیت‌ها روبه‌رو هستند. حتی در سیاست‌های سازمان بهزیستی هم به سایر معلولیت‌ها بیشتر بها داده می‌شود. در خود سازمان بهزیستی هم کمتر کسی پیدا می‌شود که با زبان اشاره آشنایی داشته باشد و بتواند با این افراد که قشری از جامعه هستند، ارتباط برقرار کند. چندین بار به عنوان انجمن خانواده ناشنوایان به بهزیستی مراجعه کردیم و اعلام کردیم که حاضریم به طور رایگان به کارمندان بهزیستی، زبان اشاره را آموزش دهیم، ولی توجه نکردند. این واقعاً برای ناشنوایان ناراحت‌کننده است. بهزیستی به عنوان جایی که محل مراجعه ناشنوایان است، اولین جایی است که کارمندانش باید بتوانند با این افراد ارتباط بگیرند و این همان به حاشیه رانده شدن این افراد است.



که من این‌گونه‌ام و گاهی به کمک نیاز دارم. یا جهان باید با من همراه شود و یا من باید با جهان همراه شوم و حال که جهان با من همراه نیست، من باید خواسته‌هایم را از جهان بخواهم. از سال ۸۷ که وارد مجتمع رعد شدم، در کلاس‌های زیادی شرکت کردم و در طول این مدت روحیه‌ام بهتر و اعتماد به نفسم بیشتر شد. به مرور هرچه آگاهی من بالاتر رفت و چشمم بازتر شد، با مشکلات افراد دارای معلولیت بیشتر آشنا شدم. مثلاً چرا فقط مرکز علمی کاربردی رعد باید مناسب‌سازی شده باشد؟ و خیلی چیزهای دیگر.

مدتی پیش با یک تیم بسیار حرفه‌ای به کویر مرکزی رفتیم. افرادی که برگزاری این تور را به عهده داشتند، با اینکه خودشان هم معلولیت داشتند، از قبل تمام مشکلات را پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کرده بودند؛ از لحاظ رفت و آمد، از لحاظ سکونت در چادر و از لحاظ سرویس بهداشتی مناسب برای افراد دارای معلولیت و غیره. ماشین‌ها به‌صورت آفرود و بسیار نرم و راحت بودند، به‌طوری‌که دوپست و هفتاد کیلومتر عرض کویر مرکزی ایران را بدون هیچ دغدغه و نگرانی طی کردیم. سفر بسیار جالب و بکری بود. این گروه شامل پنج نفر بودند که همگی معلولیت داشتند. دو نفر با ویلچر بودند، من با واکر بودم، یکی با عصا و دیگری که مشکل فلج مغزی داشت، بدون وسیله کمکی راه می‌رفت. گروه بسیار خوبی بودیم. با هدایت آقای سعید ضروری، سفری بسیار حرفه‌ای و صمیمی برگزار شد، به‌طوری‌که واقعا آب در دل ما تکان نخورد. سفر از هر لحاظ مناسب‌سازی شده بود و به همه نگرانی‌ها و دغدغه‌های ما در چنین سفری توجه شده بود. این سفر تجربه بسیار خوب و به یاد ماندنی برای همه ما بود. ولی وقتی از کویر برهوت بیرون آمدیم و وارد شهر و خیابان و سربیزی و آبادانی شدید، دوباره با جوی آب و پیاده‌روها و خیابان‌هایی که نمی‌توانستیم از آنها رد شویم، رو به‌رو شدید. نتیجه جالبی که من و سایر دوستان از این سفر گرفتیم و بازتاب آن را به‌صورت نوشته‌ای در روزنامه همشهری چاپ شد، این بود که ما توانستیم عرض کویر مرکزی

عطاءاله دستوم: معتقدم ما باید خودمان را باور کنیم تا جامعه هم ما را باور کند

ایران را تنها با یک برنامه‌ریزی دقیق و مناسب‌سازی که انجام شده‌بود بدون مشکل رد شویم، ولی از کوجه و خیابان محله خودمان نمی‌توانیم راحت رد شویم! دوستان می‌دانند وقتی من از درخانهام بیرون می‌آیم دو طرف پیاده‌رو پله است. این‌ها مشکلات مناسب‌سازی فیزیکی است که به چشم نمود پیدا می‌کند.

چه انتظاراتی از شهرداری دارید؟

عطاءاله: یکی از این مشکلات ما مترو است که برای افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی اصلاً مناسب نیست. من دوستانی دارم که از مترو استفاده می‌کنند، ولی مترو نه برای ویلچر و نه برای واکر مناسب‌سازی نشده‌است. پلاک مخصوص معلولان را به افرادی می‌دهند که یا باید آشنا داشته‌باشند و یا با مددکار به‌زیستی ارتباط خوبی داشته باشد. اتوبوس‌های سریع‌السير (BRT) هم که اصلاً برای معلولان مناسب نیست. توانیابان از مراکز عمومی مثل مراکز خرید، پارک‌ها، سرویس‌های بهداشتی در سطح شهر هم اصلاً نمی‌توانند استفاده کنند. در بعضی مناطق توالیت فرنگی تعبیه شده، ولی مقابل در ورودی آن یک یا دو پله وجود دارد و عرض در ورودی آن هم طوری نیست که با واکر یا ویلچر بتوان واردش شد. من اگر بخواهم از این سرویس‌ها استفاده کنم، باید واکر را بیرون در بگذارم! تمام این مشکلات باعث می‌شود که افراد دارای معلولیت، احساس استقلال و راحتی نکنند و نتوانند بدون دغدغه به بیرون از خانه بیایند. این مناسب‌سازی‌ها فقط به خاطر افراد دارای معلولیت نیست، برای استفاده

سالمندان و افرادی که کالسکه بچه به همراه دارند و خیلی‌های دیگر هم لازم است. الان برای پارک گفتگو رمپ تعبیه شده و انصافاً هم رمپ‌ها استاندارد هستند و افراد دارای معلولیت به راحتی می‌توانند از آن استفاده کنند. ولی بسیاری از پارک‌های شهر چنین امکاناتی ندارد. تهران چون پایتخت است این امکانات را دارد، در صورتی که در شهرستان‌ها وضع بسیار بد است. من خودم چون اعتماد به نفس لازم را دارم، اجازه نمی‌دهم کسی به من نگاه بد کند و یا با ترحم با من رفتار کند. به کسی اجازه نمی‌دهم به دلیل شرایط جسمانیم به من بی‌احترامی کند. عقیده دارم اگر کسی به عنوان یک انسان ناتوان به من نگاه کند، پس حتماً لایق آن ترحم هستم و از درون مشکل دارم. اگر قوی باشم و اعتماد به نفس لازم را داشته‌باشم، کسی جرات نمی‌کند به من نگاه بد یا ترحم کند. به قول امیرهمتیان، ما باید نگاهمان نسبت به خودمان را درست کنیم. من به عنوان یک فرد دارای معلولیت باید بپذیرم که اینگونه‌ام. حالا یا اینگونه متولد شده‌ام و یا در اثر حادثه اینگونه شده‌ام. در همین رعد دوستانی با اعتماد به نفس بالا می‌شناسم. خودم هم اعتماد به نفسم را مدیون رعد می‌دانم. وقتی به این مرکز آمدم و افراد دیگری همچون خودم را دیدم و در کلاس‌های مختلف شرکت کردم، روحیه‌ام بهتر شد. می‌خواهم بگویم ما باید خودمان را باور کنیم تا جامعه هم ما را باور کند.

سید مهدی موسوی: مناسب‌سازی اجتماعی نیاز به تغییرنگرش دارد که از خود خانواده‌ها باید شروع شود. وقتی من توانیاب به خودم "معلول" می‌گویم و می‌گویم "نمی‌توانم"، انتظاری از سایرین نیست که مرا به عنوان یک فرد توانمند قبول کنند. مناسب‌سازی فیزیکی و شهری در کشور و شهر ما با مشکلات و ایرادهای متعددی روبه‌روست و مانع حضور ما در جامعه می‌شود. از طرفی خانواده هم ما را ناتوان می‌بیند. اگر من کاری انجام دهم که خانواده ببیند توانایی‌اش را دارم، آنها هم به توانایی ما ایمان پیدا می‌کنند، گرچه گاهی



خودمان نمی‌خواهیم کاری انجام دهیم. تغییرنگرش کار سختی است. همانطور که هنوز جامعه نتوانسته بپذیرد که یک معتاد بیمار است. او فردی است که مشکل فکری دارد و احتیاج به روانشناس و احتیاج به حمایت خانواده دارد. همانطور ما هم در خانواده‌هایمان باید شروع به تغییر نگرش کنیم. اگر ما از خانه‌ها بیرون نیاییم و با وجود همه سختی‌هایی که برای رفت و آمد داریم، نخواهیم که در جامعه حضور داشته باشیم، این تغییر نگرش ایجاد نمی‌شود. الان نابینایان از اعتماد به نفس بیشتری نسبت به افراد جسمی حرکتی برخوردارند و در بسیاری از ادارات مشغول به کار هستند. وقتی وارد کانون نابینایان و کم بینایان می‌شویم، شور و اشتیاق بیشتری نسبت به سایر انجمن‌ها می‌بینیم. مثلاً آذرماه سال پیش مکانی را در جوادیه تهران جهت خوداشتغالی در اختیار کارآموزان رعد قرار دادند و طبقه بالای آن ساختمان را هم به دوستان روشنند داده بودند. بچه‌های رعد که نتوانستند در این پروژه موفق باشند ولی اگر شما به این مکان سربریزید، می‌بینید که دوستان روشنند چه فعالیت‌هایی می‌کنند. در آنجا عده‌ای نشسته‌اند و بازاربایی می‌کنند، عده‌ای بسته‌بندی می‌کنند. در صورتی که ما نتوانستیم ادامه دهیم. بچه‌های جسمی حرکتی کمی لوس هستند. من خودم تا یازده دوازده سالگی و تا قبل از جدایی پدر و مادرم بچه لوسی بودم ولی بعد که مجبور شدم با نامادری‌ام زندگی کنم، مجبور شدم روی پای خودم بایستم. چون مادر و مادر بزرگ همیشه می‌گفتند این بچه نمی‌تواند کاری انجام دهد. شاید این اتفاقات با همه تلخی‌هایش باعث شد که امروز بتوانم مستقل زندگی کنم و روی پای خودم بایستم. وقتی خانواده قبول نمی‌کند که فرزند دارای معلولیتش توانایی‌هایی هم دارد، چطور می‌توان از جامعه توقع داشت. بسیاری از دوستانی که در اثر حادثه دچار معلولیت شده‌اند، خودشان حاضر به پذیرفتن شرایط خود نیستند و همین باعث شده دچار مشکلات روانی شوند. تغییر نگرش نیاز به برنامه‌ریزی دارد و این وظیفه رسانه‌ها مثل صدا و سیماست. چندی پیش در رادیو

درباره سالمندآوری در خانواده صحبت می‌کرد. ما نیاز به فرهنگ‌سازی در بسیاری از زمینه‌ها داریم.

عطاءاله دستوم: همان‌طور که صدا و سیما در دهه هفتاد با تنها سه کانال موجود برای صرفه‌جویی در مصرف برق و گاز و آموزش‌های راهنمایی رانندگی مثل بستن کمربند ایمنی، فرهنگ‌سازی می‌کرد، اکنون هم با این تعداد زیاد کانال استانی و غیراستانی، می‌تواند در مورد معلولیت و تغییرنگرش در مورد افراد دارای معلولیت فرهنگ‌سازی کند که این افراد هم بخشی از جامعه هستند. از طرفی ما کلی افراد توانیاب توانمند در همین مجتمع رعد داریم که می‌توانند در همین مجتمع فعالیت کنند و درآمد داشته‌باشند. مثلاً به عنوان تلفنچی، مسئول روابط عمومی، حسابدار، مسئول تعمیرات، مسئول آملی تئاتر و غیره. ولی این اتفاق نمی‌افتد. وقتی این نگاه در خود رعد ایجاد نشده‌است، چگونه می‌توان از جامعه انتظار داشت که این فرد دارای معلولیت را استخدام کند؟ در سازمان بهزیستی و سازمان تأمین اجتماعی هم به همین شکل است و افراد دارای معلولیت را استخدام نمی‌کنند. در حالی که طبق قانون جامع حمایت از حقوق معلولان قرار بر این است که سه درصد از استخدام‌های سازمان‌های دولتی از افراد دارای معلولیت باشد، ولی این اتفاق نمی‌افتد.

سید مهدی موسوی: فرهنگ‌سازی باید از طریق صدا و سیما صورت بگیرد. وقتی فیلمی بسازند که ماشین پارک شده در محل پارک معلولان راپلیس با جرثقیل بلند می‌کند و می‌برد، مردم متوجه می‌شوند که نباید چنین کاری کنند. همانطور که اگر ماشینی جلوی شیرآتش نشانی پارک شود، پلیس آن را بلااستثناء با جرثقیل می‌برد و به جریمه بسنده نمی‌کند، اگر این کار را در مورد پارک ماشین بدون پلاک معلولیت در زیر تابلوی مخصوص معلولان می‌کرد، خیلی خوب بود.

چه انتظاری از شهردار تهران دارید؟

سید مهدی موسوی: من به شهرک‌های در حال ساخت اطراف تهران مثل پردیس و پرنده و هشتگرد رفته‌ام و دیدم که در مقابل بسیاری از ساختمان‌های عمومی و غیرعمومی تازه‌ساز پله ساخته شده و رمپی هم تعبیه نشده‌است. در صورتی

که رعایت این موارد جزء قوانین ساخت و ساز است. بسیاری از بچه‌های توانیاب در شهرک‌های اطراف تهران زندگی می‌کنند. در داخل شهر تهران خصوصاً دریافت قدیمی‌شهر مثل بازار و منیریه که مناسب‌سازی حتی برای عبور یک کالسکه وجود ندارد پس کاش در ساخت و سازهای جدید این مسایل رعایت شوند. من بارها با دوستان ویلچری برای خرید یا کار به این نقاط رفته‌ام و ما مجبور شده‌ایم از مردم کوچ‌خیز و خیابان بخوایم سر ویلچر دوستان را بگیرند و از روی جوی آب و پله و پیاده‌رو رد کنند. بسیاری از بچه‌ها وقتی با این شرایط روبه‌رو می‌شوند، ترجیح می‌دهند که اصلاً از خانه بیرون نیایند. حداقل کاری که شهرداری می‌تواند انجام دهد این است که شهرک‌های اطراف تهران و مناطق جدید که اکنون در حال ساخت است را طبق اصول شهری و برطبق استانداردهای خود شهرداری و مسکن و شهرسازی بسازند. به مناسبت روز جهانی معلولان از طرف شهرداری و شورا یاری به من زنگ زدند که چیزی نمی‌خواهید و آیا به مناسب‌سازی در محل خود نیاز ندارید؟ ولی بعد از هفته معلولان همه چیز تمام می‌شود. از طرفی هر کدام از ما نسبت به خانواده‌های خود مسئول هستیم. من به پسر خردسالم از حالا روش برخورد با توانیابان را آموزش می‌دهم که به فرد نابینا به جای کور بگویند روشنند و به جای کلمه معلول از توانیاب و به جای کرولال از ناشنوا استفاده کند و به آنها احترام بگذارد. چون خودم در متن جامعه هستم و این بد رفتاری‌ها را حس کرده‌ام. هر کدام از ما توانیابان با مشکلاتی در جامعه رو به رو هستیم و می‌توانیم آنچه را حس می‌کنیم را به اطرافیان خود آموزش بدهیم. ولی کار اساسی برعهده رسانه‌ها خصوصاً صدا و سیماست.

عطاءاله دستوم: اگر محل زندگی و شهر و خیابان‌های ما مناسب‌سازی شوند، فرد دارای معلولیت از خانه بیرون می‌آید، منزوی نمی‌شود و بدون کمک دیگران می‌تواند در شهر رفت و آمد کند و زندگی مستقلی داشته‌باشد. اگر مناسب‌سازی فیزیکی صورت بگیرد، به دنبال آن فرهنگ‌سازی و مناسب‌سازی اجتماعی هم صورت می‌گیرد.



منصوره پناهی، مدیر عامل موسسه رعد

طراحی همگانه و فن آوری رفاه

روش‌های مختلفی برای رضایت و استفاده از لوازم کمکی برای افراد دارای معلولیت وجود آمده اما چرا بعضی از آن‌ها بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند؟

طراحی لوازم کمکی، در راستای حل مشکلاتی که فرد دارای معلولیت با آن مواجه می‌شود، بوجود آمده‌است. این لوازم کمکی، برای افراد دارای معلولیت و همچنین برای افراد معمولی که زندگی روزانه آنها را راحت‌تر کند، طراحی شده‌اند. هدف اصلی، مشارکت

این افراد در جامعه و در دسترس قرار دادن امکانات اجتماعی برای آنها است. متأسفانه شرکت‌های تولید لوازم کمکی بدون در نظر گرفتن این که هر فرد دارای معلولیت نیازها و خواسته‌های منحصر به فردی دارد، شروع به تولید محصولات خود کرده‌اند و همین امر باعث شده که نتوانند روی کیفیت محصولات آن طور که انتظار می‌رفت، پیشرفت داشته‌باشند. در این راه نیاز به کارهای تحقیقاتی گسترده‌ای است تا در راه رشد و گسترش لوازم

کمکی مناسب به جامعه کمک کنند. اغلب شاهد استفاده از لوازم کمکی در زمان گذشته، برای گروهی خاصی از متخصصین جامعه هستیم که در حال حاضر همان لوازم، برای افراد دارای معلولیت به عنوان لوازم کمکی، ارائه می‌شود. برای مثال ضبط کردن صدا، قبلاً برای گروه پزشکان، وکلا و یا منشی‌ها استفاده می‌شد، که بعداً گزارش را بشنوند و از آن یادداشت بردارند، اما حالا جزو لوازم کمکی برای افراد دارای معلولیت از جمله



جسمی - حرکتی‌ها است که پیام خود را به جای نوشتاری، در قالب صوت بفرستند. در راه گسترش لوازم کمکی، شاهد گسترش و رشد بسیار خوبی در زمینه طراحی هستیم که به آن، طراحی صنعتی می‌گویند.

با این نوع طراحی جدید، روش‌های مختلفی بوجود آمد که هدف آن فقط پیدا کردن راه حل و حل مشکل نیست، بلکه تشویق و ایجاد خلاقیت برای داشتن تفکر نو و جدید است. در واقع با این طرز تفکر، فرد سازنده محصول، بر روی ایده و خلاقیت‌های جدید تمرکز می‌کند که در آینده وقتی جامعه و تکنیک تغییر کند، نیاز فرد را در آن زمان طراحی و بررسی کند. طراحی لوازم کمکی با توجه به فلسفه حقوق بشر و حقوق جامعه معلولان، جزو حقوق شهروندی فرد دارای معلولیت است. بنابراین حق استفاده از اینترنت و دسترس‌پذیری به اطلاعات، شرکت‌های کامپیوتری را مجبور کرده که طوری محصول خود را طراحی و ارائه دهند که تمام اقشار جامعه از جمله افراد دارای معلولیت که اقلیت کثیری از جامعه را شامل می‌شوند را نیز مورد توجه قرار دهد.

لوازم کمکی در حوزه تکنولوژی اطلاعات نه تنها تمرکز خود را بر اطلاع‌رسانی و فراگیری تکنولوژی فرد گذاشته است، بلکه نیازها و حقوق دیگران از جمله بخش اجتماعی - فرهنگی او را

نیز پوشش می‌دهد. بنابراین طراحی لوازم، طبق تعاریف جدید دیگر پیدا کردن راه‌حل‌های مشکلات رایج نیست، بلکه این طراحی شامل بررسی و آینده‌نگری برای پوشش تمام ابعاد و نیازهای يك انسان است.

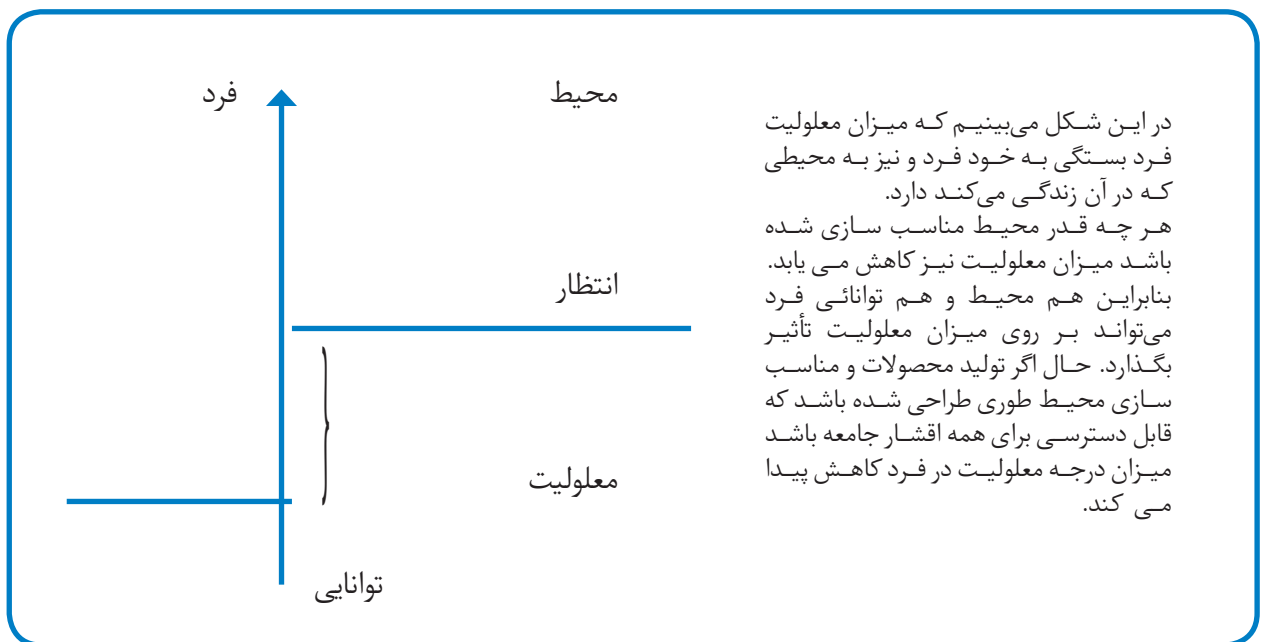
Design در زبان فارسی به معنی طراحی و در انگلیسی نیز به معنای درست کردن - خلق کردن است. طراحی برای مثال؛ به معنای ظاهر و شکل یک محصول، مورد مصرف محصول، و مزیت استفاده از این محصول برای فرد مصرف‌کننده را شامل می‌شود.

طراحی در بخش تولید، جدیداً نقش بسزایی را ایفا می‌کند و بسیار گسترش پیدا کرده‌است. طراحی شامل ارگونومی، محیط زیستی، اخلاق و وجدان، قیمت، ظاهر محصول و... است که همه این‌ها به معنای طراحی به حساب می‌آید، برای مثال هدفون سونی، در سال ۱۹۷۸ تحول بزرگی را برای مصرف‌کننده به‌وجود آورد؛ امکان گوش دادن به موزیک در همه‌جا، راحت و کوچک بودن آن مورد توجه مصرف‌کنندگان قرار گرفت. این یک نمونه از اولین محصولات بود که هم موفقیت‌آمیز بود و هم مدرن و شیک بود و هم‌زمان محصولی بود که کارها را راحت‌تر کرد و به همین خاطر مورد استقبال عموم مردم قرار گرفت. لوازم کمکی با طراحی شیک و

تکنیک‌های مدرن، می‌بایست در بخش لوازم حمایتی برای افراد دارای معلولیت نیز به روز شوند. لوازم کمکی در درجه اول باید به ایجاد امنیت جانی، راحت‌تر شدن فعالیت روزانه و مستقل شدن فرد کمک کند. در زمانی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، لوازم کمکی باید بتواند همانند دیگر محصولات عادی قابل ارائه باشند، یعنی مانند دیگر محصولات، شیک، با کیفیت، راحت و از نظر قیمت قابل رقابت باشند.

لوازم کمکی نباید وسیله‌ای باشد که شما را بیشتر از قبل از جامعه و دیگران جدا کند. تولیدکنندگان باید نگرش جدیدی برای تولید محصولات خود داشته‌باشند. نگرش جدیدی که تمام نیازهای فرد را از قبل پیش‌بینی کرده‌باشد.

وسیله کمکی باید امکان این را داشته‌باشد که بتوان تفاوت در محصول را نزد افراد مختلف دید. برای مثال میزان طول و بلندی هر عصار طراحی‌های جدید، طوری طراحی شده که انعطاف‌پذیری بیشتری را به هر اندازه قد دارد. برای مثال بلندی عصار با استفاده از لوله آلومینیومی تلسکوپی، قابل تغییر و سبک است. بنابراین برای هر قدی مناسب می‌شود، در قسمت پائین آن هم می‌توان چرخ کوچکی اضافه کرد تا افراد نابینا / کم بینا بتوانند به راحتی از آن نیز استفاده کنند.



در این شکل می‌بینیم که میزان معلولیت فرد بستگی به خود فرد و نیز به محیطی که در آن زندگی می‌کند دارد. هر چه قدر محیط مناسب‌سازی شده باشد میزان معلولیت نیز کاهش می‌یابد. بنابراین هم محیط و هم توانایی فرد می‌تواند بر روی میزان معلولیت تأثیر بگذارد. حال اگر تولید محصولات و مناسب‌سازی محیط طوری طراحی شده باشد که قابل دسترسی برای همه اقشار جامعه باشد میزان درجه معلولیت در فرد کاهش پیدا می‌کند.



شماره ۱۸ - بهار ۱۳۹۸

با توجه به این که تمام مردم دنیا روز به روز سالمندتر می‌شوند (تا سال ۲۰۳۰ اولین بار در طول تاریخ بشر تعداد سالمندان بیشتر از کودکان بین سن ۹-۵ ساله خواهد شد)، بنابراین دسترس پذیری برای طراحی محصولات می‌تواند برای همه اقشار جامعه استفاده شود و فقط مخصوص افراد دارای معلولیت نباشد. برای مثال ارتفاع کم لبه‌های پیاده رو هم برای فرد روی ویلچر مناسب است و هم برای مادری که کالسکه فرزندش را می‌برد.

برای یک ناشنوا یا کم شنوا، مهم فقط این نیست که محصول دارای صدا باشد، بلکه باید اطلاعات تصویری و یا از طریق عکس هم صورت گیرد. برای مثال صدای زنگ و یا آژیر آتش‌نشانی در مجتمع مسکونی می‌تواند به ساعت مچی فرد کم شنوا، ناشنوا وصل باشد تا در صورت نیاز روی لرزش/ ویبره برود تا فرد را از شنیدن آژیر/ زنگ مطلع کند و یا می‌توان رو صفحه ساعت مچی وقتی آژیر آتش‌نشانی به صدا در بیاید، عکس شمع روشن نمایان شود.

روش طراحی سنتی

در این روش ابتدا مشکلی وجود دارد که برای حل آن به یک راه‌حل نیاز است. باید توجه داشته باشیم می‌بایست برای شروع حل یک مشکل بدون در نظر گرفتن وجود مشکل یا نیاز، آن را تحلیل و آنالیز کرد. که در اینجا از طریق دیدن و احتمالات به وجود آمدن مشکل، پیشنهادها برای حل مسئله شکل می‌گیرد. در روش‌های سنتی معمولاً از نقشه یا کشیدن الگوی نمونه یک مدل استفاده می‌شود. در این مرحله، آزمایش‌ها و امتحان‌ها انجام می‌شود که انتظار از نتیجه مطلوب هم بالا است چون محصول باید جوابگوی نتایجی که در مرحله آنالیز مشکل، به دست آمده است؛ برآورده کند.

از نظر محققان دیگر طراحی سنتی شامل سه مرحله است:

- آنالیز
- ترکیب
- ارزیابی

امروزه نسبت به سال‌های قبل در تولید محصولات، تغییرات و تحولات بسیاری حتی در متریال و مواد مورد نیاز ایجاد شده است. برای نمونه در گذشته از موادی از قبیل چوب، گل و سفال استفاده می‌شد اما امروز از پلاستیک و پارچه استفاده می‌شود.

روش طراحی مدرن

با پیشرفت تولید محصولات، امکانات جدیدتری در اختیار بشر گذاشته شده است، از جمله؛ امکاناتی چون ارتباط برقرار کردن، فعال بودن، مستقل‌تر شدن، مشارکت در جامعه و بهبودی کیفیت زندگی.

در روش جدید حوزه تکنولوژی اطلاعات در حال حاضر شاهد آن هستیم که اطلاعاتی که در فضای مجازی است دائماً در حال تغییر است. یکی از ویژگی‌های لوازم کمکی تکنولوژی اطلاعات در دسترس بودن و تطبیق دادن وسیله با مصرف‌کننده و مخاطب است. فضای مجازی مرتب نیازهای مخاطب را بررسی می‌کند و خود را با نیاز مصرف‌کننده هماهنگ می‌کند. در سال‌های آینده تعداد سالمندانی که نیاز به نگهداری در منزل دارند، به مراتب بیشتر از قبل خواهد بود که تأثیرات لوازم کمکی در کیفیت زندگی آنها نقش بسزایی خواهد داشت.

طراحی همگانی^۱ به معنای این است که هر شخصی بتواند از بخشی از محیط خود، ساختمان و یا محصولی بدون توجه به میزان توانایی خود استفاده کند.

فن آوری رفاه^۲، دانشی است که از تکنیک، برای راحت‌تر زندگی کردن و مشارکت هر چه بیشتر، داشتن امنیت، فعال‌تر شدن و مستقل شدن فرد دارای معلولیت و خانواده آنها را در جامعه استفاده می‌کند. از این رو به این پیشرفت علمی، هم گفته می‌شود.

فن آوری رفاه، مانند چتری است برای دانش و استفاده از تکنیک در زمینه‌های:

- لوازم کمکی طبق نیاز فرد
- محصولات خدمات کامپیوتری^۳ که باعث راحت‌تر کردن زندگی روزانه فرد دارای معلولیت است.
- مناسب‌سازی محیط با استفاده از محصولات خدمات کامپیوتری
- لوازم آموزشی و تدریس با استفاده از محصولات خدمات کامپیوتری
- لوازم و ابزاری که در محیط کار استفاده می‌شود از طریق استفاده از محصولات خدمات کامپیوتری
- فن آوری رفاه، بهزیستی، می‌تواند باعث:
- ارتقاء امنیت شود، مانند:
- ساعت مچی آلامی، تلفن همراه، GPS، تلفن‌های تصویری، تلفن با دوربین عکاسی.
- ارتقاء فعالیت و میزان مشارکت فرد در جامعه، مانند:

واکر، ویلچر برقی، سمعک، ذره بین، خدمات اینترنتی، ارتباط با صدا/ تصویر از طریق تلفن هوشمند، تقویم دیجیتالی برای آدرس و برنامه‌ریزی. ارتقاء زندگی با استقلال شود، مانند:

لوازم کمکی برای جابه‌جایی فرد، جعبه مخصوص تقسیم و یادآوری دارو، نور و روشنایی قوی‌تر، درهائی که اتوماتیک باز می‌شوند، دسترسی به اطلاعات و ارتباطات خرید اینترنتی و آپ‌های بانکی.

خوشبختانه امروزه در رشته‌های دانشگاهی، با ترکیب کردن رشته‌های توانبخشی، مهندسی، فلسفه، روانشناسی، مددکاری و کارآفرینی و تشکیل یک رشته جداگانه، باعث پیشرفت لوازم کمکی برای افراد دارای معلولیت هستیم زیرا علم اکنون تمام جوانب مختلف نیاز فرد را مورد توجه قرار می‌دهد و برای فرد و آینده او، راهکارهای مناسب جهت تضمین زندگی بهتر فراهم می‌کند.

1 - Universell design
2- Welfare Technology
3- Information - communication-technology



نقش کاردرمانی

در زندگی روزمره افراد

دکتر نرگس شفاوردی، استادیار دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران

کاردرمانی به‌عنوان یکی از رشته‌های توانبخشی در علوم پزشکی به ارزیابی تأثیر اختلالات و بیماری‌های جسمانی، روانی و اجتماعی بر نحوه انجام فعالیت‌های روزمره زندگی افراد آسیب دیده می‌پردازد و با به‌کارگیری مداخلاتی در چارچوب مدل‌های کاردرمانی به یادگیری مهارت‌های لازم در اجرای مستقل فعالیت‌های روزمره کمک می‌کند. فعالیت‌های روزمره زندگی از وظائف و تکالیف اساسی است که هر فرد متناسب با شرایط سنی، نقش‌ها، عادات و فرهنگ در تعامل با محیط خود انجام می‌دهد. در این راستا فعالیت‌های روزمره به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

فعالیت‌های روزمره پایه^۱

گروهی از فعالیت‌های روزمره است که برای انجام آنها نیاز به مهارت‌های اساسی و ساده‌تری است. مانند:

✦ **بهداشت شخصی:** حمام کردن، رسیدگی به ظاهر، بهداشت دهان، ناخن و مو.

✦ **مدیریت کنترل ادرار و مدفوع:** توانایی فیزیکی و ذهنی برای استفاده از دستشویی.

✦ **پوشیدن لباس:** توانایی فرد برای انتخاب لباس و پوشیدن لباس‌های مناسب برای شرایط متفاوت.

✦ **تغذیه:** توانایی فرد برای خوردن غذا به تنهایی یا با کمک دیگران.

✦ **تحرک عملکردی:** افزایش توانایی فرد برای تغییر از یک موقعیت به موقعیت دیگر و راه رفتن به‌طور مستقل

✦ **فعالیت‌های جنسی:** انجام فعالیت‌هایی که منجر به رضایت جنسی یا بارداری شود.

✦ **فعالیت‌های خود حفاظتی (فیزیکی و شخصی):** استفاده و مراقبت از وسایل کمکی مانند عینک، سمعک و به‌طور کلی ارتزها و پروتزها، نگهداری دارو، اندازه‌گیری قند خون.

فعالیت‌های روزمره کارساز^۲

فعالیت‌های کارساز تاحدی پیچیده‌تر هستند اما با این وجود، انعکاس‌دهنده توانایی فرد برای زندگی مستقل می‌باشند. این گروه از فعالیت‌ها کمک‌رسانی امن را نیز شامل می‌شوند:

✦ **همراهی و حمایت ذهنی:** برای فعالیت‌های روزمره کارساز است و بر کمکی تأکید دارد که ممکن است برای حفظ فرد در یک چارچوب ذهنی مثبت مورد نیاز باشد.

✦ **نقل و انتقال و خریدن کردن:** تا چه اندازه فرد می‌تواند به اطراف محل سکونت رفته یا خواربار و داروی مورد نیاز خود را بدون کمک خریداری کند.

✦ **برنامه‌ریزی و آماده‌سازی وعده‌های غذایی:** آماده‌سازی انواع متنوع وعده‌های غذایی شامل خرید و ذخیره خواربار.

✦ **مدیریت خانه:** تمیز کردن، نظافت، بیرون انداختن آشغال و زباله‌ها، شستن و تا کردن لباس‌ها.

✦ **مدیریت دارو:** تا چه اندازه نیاز به کمک برای اجرای برنامه دارویی تجویز شده توسط پزشک وجود دارد. به روز کردن داروها، مصرف به موقع آنها و استفاده درست مقدار دارو.

✦ **ارتباط با دیگران:** مدیریت تلفن و نامه‌نگاری و به‌طور کلی خوش‌آمدگویی و پذیرایی از ملاقات‌کننده‌ها.

✦ **مدیریت مالی:** تا چه اندازه فرد برای مدیریت پس‌انداز، پرداخت به‌موقع صورت حساب و واریسی حساب‌های خود نیاز به کمک دارد.



1- Basic Activities of Daily Living (BADL)
2- Instrumental Activities of Daily Living (IADL)



کاردرمانگر، در فرایند توانبخشی با در نظر داشتن نیازها، علائق و اولویت افراد و مراقبین، برنامه‌های درمانی را با هدف ایجاد، ارتقا، بهبود، تعدیل یا حفظ مهارت‌های حرکتی، ظرفیت‌های شناختی و ارتباطی و توانایی تعامل اجتماعی و امکانات محیطی سازمان می‌دهد. برای مثال در بعضی از موارد لازم است بخش‌هایی در زندگی حذف، تغییر یا تعدیل شوند. به افراد و مراقبین، آموزش داده می‌شود که به‌طور موثر و با امنیت، تکنیک‌های انتقال از سطحی به سطحی دیگر (تخت به صندلی...) را انجام دهند. تعدیلات مانند اصلاح کردن ریش، آرایش صورت یا تغییر لباس‌ها با یک دست یا دستان ضعیف شده، شیوه‌های آماده‌سازی غذا بدون استفاده از حرکات ضروری توسط کاردرمانگر آموزش داده می‌شود. وسایل کمکی برای پوشیدن لباس مثل چفت و بست‌هایی که به پوشیدن لباس و کفش کمک می‌کند، تجویز می‌شود. کاردرمانگر به افرادی که با مشکلات شناختی مواجه هستند یاد می‌دهد چگونه با استفاده از وسایل و ابزار و ثبت چیزهای مهم از حافظه باقیمانده خود کمک بگیرند یا چگونه از توانایی‌های شناختی موجود و با ایجاد تغییرات لازم در محیط زندگی به حل مسئله در انجام فعالیت‌های روزمره خود دست یابند. مهارت‌های ارتباطی کاردرمانگر در کنار سایر مداخلات درمانی، انگیزه افراد آسیب‌دیده را در اجرای فعالیت و تشویق برای کسب زندگی فعال‌تر در خانه و جامعه تحت تاثیر قرار می‌دهد.

کاردرمانی بخش مهمی از فرایند توانبخشی است. کاردرمانگران هدایت‌کننده این فرایند می‌باشند. هدف کاردرمانگر توانمندسازی افراد آسیب‌دیده در کسب مجدد توانایی انجام وظائف شخصی و اجتماعی در فعالیت‌های روزمره همراه با رضایت‌مندی است.



معلول

چالشگر (مبارز)

دکتر کامران عاروان^۱



شماره ۱۸ - بهار ۱۳۹۸

به‌طور طبیعی جوانانی که در عنفوان جوانی به سر می‌برند، از لحاظ جسمانی در اوج قدرت، توان و نیروی جسمی هستند. آنها دارای سلامت کامل‌اند و کمتر به بیماری‌های شدید، مبتلا می‌شوند. آنها ممکن است از لحاظ جسمانی سالم باشند و از عزت نفس، احساس موثر و شایسته متناسب با قدرت جسمانی‌شان برخوردار باشند. اما در خصوص جوانانی که دارای معلولیت جسمی، حرکتی هستند، وضع چگونه است؟ آنها از جهت روانی چگونه خویش را با معلول بودن، سازش می‌دهند، در حالی که همسالانشان در بهترین شرایط زندگی می‌کنند؟

سازگاری با معلولیت جسمی و حرکتی، همواره با دشواری همراه است. به هر حال برای آنها آخر نوجوانی و اوایل بزرگسالی، می‌تواند دوره ویژه و دشواری باشد (رایت ۱۹۸۳). در این مرحله از زندگی، تصمیم‌های مهمی چون انتخاب شغل و گسترش روابط دوستانه اتخاذ می‌شود. برخی از افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی، ممکن است به سبب محدودیت‌هایشان، در طول این دوره سرنوشت‌ساز، از پا درآیند. حداقل سه عامل تاثیرگذار برای سازگاری افراد با معلولیت جسمی، حرکتی وجود دارد (رایت ۱۹۸۳).

اول: فهم معلولیت و درک محدودیت‌های آن که دارای اهمیت بسیاری است. هر فرد دارای معلولیت، طبق تاثیر متقابل توانایی‌های فردی و وظایف محیطی تعریف می‌شود. اگر شما نتوانید ژاپنی صحبت کنید، در کلاس ژاپنی دارای معلولیت به شمار می‌آیید.

دوم: سازگاری با معلولیت جسمی، حرکتی مستلزم برتری بر نگرش‌ها و ارزش‌های دیگران و توقعات اجتماعی آنهاست که بر این اساس درباره معلولیت می‌اندیشند. افراد درباره فرد دارای معلولیت جسمی حرکتی، اغلب کلیشه‌ای فکر می‌کنند و باید در مورد تبعیض‌ها و پیشداوری‌های موجود درباره معلولیت اقدام جدی به عمل آید. آنها ممکن است مورد تحقیر واقع شوند و به عنوان افرادی بی‌اراده و بی‌کفایت نگریسته شوند. به عبارت دیگر، اغلب مجموعه گسترده‌ای از تعمیم‌ها وجود دارد که هر فرد دارای معلولیت جسمی، حرکتی را بی توجه به معلولیت خاص آن، در بر می‌گیرد.

سوم: برتری بر معلولیت جسمی، حرکتی مستلزم برتری بر مجموعه‌ای از آرزوها، بیم‌ها، خیال‌ها، یاس‌ها، فرصت‌های از دست رفته و تصورهای خشم‌هاست. در دوره بحران‌های درونی، ممکن است غصه‌ها و غم‌های بسیار جدی در فرد بروز یابد که مانند شوک و بی‌ایمانی است. در آنها به طور مشخصی دورانی از خشم و ناامیدی وجود دارد که فرد در امور و کارهای روزمره خود، آنها تحمل می‌کند، در حالی که برای افراد سالم، انجام این وظایف سهل و آسان است، اما برای فردی که معلولیت دارد، امری پیچیده و مشکل است. برای این افراد، نارسایی‌های اجتماعی غیرضروری و مواجهه با موانع، خشم و ناامیدی بیشتری را موجب می‌شود.

در این مراحل، برخی افراد خود را با تعریف دیگری به عنوان "معلول چالشگر" به جای تعریف معلول جسمی، حرکتی سازش داده‌اند (رایت ۱۹۸۳). این تعریف بویژه میان ورزشکاران و قهرمانان معلول متداول است. در حقیقت با تغییر تعریف و اصطلاح، گاهی رفع موانع جسمانی خاصی میسر می‌شود، در نتیجه مبارز و چالشگر، پیروز خواهد شد، شاید هم با یاری دیگران البته نه با برچسب زنی یا طبقه بندی که شخصیت فرد دارای معلولیت را محدود کند. این مطلب در ضمیمه همشهری محله چاپ شده است، که با ویرایش مختصری مجدداً چاپ می‌شود.

1- human development .grace j .craig . university



دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر، سخنران و مدرس کارگاه‌های آموزشی در حوزه معلولیت، مولف کتاب برتر سال در حوزه معلولیت، سرپرست خانواده، فعال در حوزه‌های اجتماعی و... او جوانی متولد سال ۶۴ است که با برخوردی بسیار دوستانه، محترم و پرانرژی، پذیرای ما در خانه‌اش شد. او تا سن یازده سالگی به همراه خانواده در روستایی از توابع استان مرکزی زندگی کرده‌است. از یازده تا هجده سالگی در مدارس شبانه‌روزی درس خواند و از هجده سالگی وارد دانشگاه شد، هم اکنون نیز ساکن تهران است.

غلامرضا زرین کفشیان، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

امیدوارم بتوانم رشته مطالعات معلولیت را در دانشگاه‌های ایران راه‌اندازی کنم

مشکل جسمی شما چیست و چگونه شروع شد؟

من مبتلا به بیماری دیستروفی عضلانی هستم. تعریف عامیانه دیستروفی عضلانی این است که: عضلات بدن آرام آرام از بین می‌روند. این بیماری پیش‌رونده است و انواع مختلفی دارد و بسته به نوع، عملکردش متفاوت است. بنده از بیست سالگی متوجه ابتلا به این بیماری شدم. در آن زمان، هم در دانشگاه درس می‌خواندم و هم به باشگاه بدنسازی می‌رفتم و ورزش می‌کردم. ولی از مقطعی به بعد با وجودی که ورزشکار بودم، احساس می‌کردم که قدرت عضلانی‌ام به جای قوی‌تر شدن، به مرور ضعیف‌تر می‌شود. بعد از مراجعه به پزشک و گرفتن آزمایشات و نوار عصب و عضله و... مشخص شد که مبتلا به دیستروفی هستم و عضلاتم به مرور تحلیل می‌روند و لاغر می‌شوند.

بیماری شما از طریق ژن به شما منتقل شده‌است؟

رابطه‌ای متقابل و محکمی بین تحصیلات و ناتوان‌کنندگی معلولیت وجود دارد. به هر میزان که به تحصیلات فرد دارای معلولیت اضافه می‌شود، از ناتوانی او کاسته می‌شود

که پس از انتخاب ترامپ با مشکلاتی روبه‌رو شد. خواهر کوچک من هم دچار همین بیماری است که البته به مقتضای سنش اکنون در وضعیت بهتری نسبت به من قرار دارد. این بیماری با بالا رفتن سن شتاب می‌گیرد. از طرفی یک رابطه متقابل بین وضعیت زندگی و این بیماری، بین اعصاب و این بیماری، بین سن و این بیماری، بین تحصیلات و این بیماری وجود دارد. در واقع یک سری متغیرها، بر روند کند شدن یا تشدید آن تاثیر می‌گذارند. ورزش یکی از متغیرهایی است که بر روند بیماری موثر است و باعث کند شدنش می‌شود. ورزش به معنای کاردرمانی، فیزیو تراپی و شنا کردن و استفاده از وسایل کمکی است که تهیه همه این موارد برای اکثر مبتلایان و البته ما بسیار بسیار سخت است.

چگونه با بیماری خود کنار آمدید؟

هنوز مردد هستم که آیا توانسته‌ام با بیماری کنار بیایم یا نه؟ بخش اعظم کنار آمدن با بیماری مربوط به

بله. علت اصلی بیماری دیستروفی، بیشتر به خاطر ازدواج فامیلی است. پدر و مادرم دخترعمو و پسرعمو هستند و براساس یک گفته بی‌پایه، عقدشان را در آسمان‌ها بسته‌اند. متأسفانه این سنت نادرست در بسیاری از شهرها و بلاخص در روستاهای ما رایج است. برای درمان این بیماری، کار با موسسه‌ای در آمریکا خیلی خوب پیش می‌رفت



جامعه است. اگر جامعه فرصت‌ها را برابر کند و شرایط حضور مبتلایان را فراهم نماید، کنار آمدن با بیماری و معلولیت به مراتب آسان‌تر می‌شود. به هر حال فکر می‌کنم که من و یا هر فرد دیگری، بتواند با مطالعه و تحصیلات با این بیماری کنار بیاید. یعنی تحصیلات عامل مهمی برای هضم بیماری و معلولیت به شمار می‌رود. البته در شروع، دوران بسیار سختی برای همه افرادی که دچار دیستروفی عضلانی می‌شوند، طی می‌شود. وقتی انسان با یک بیماری ناشناخته رو به‌رو می‌شود و پزشک به او می‌گوید که چنین مشکلی دارد، مخصوصا اگر در سن جوانی باشد و آینده بیماری را هم بداند که محکوم به محدودیت جسمانی است، به شدت دچار یاس و سرخوردگی می‌شود و زمان می‌برد تا با این موضوع کنار بیاید. در این مرحله پایگاه اقتصادی و اجتماعی (که شامل درآمد، تحصیلات و شغل می‌شود) خود فرد، اطرافیان و خانواده بسیار مهم است. اگر بخوایم از دید یک جامعه‌شناس نگاه کنیم، در این مورد خانواده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ خانواده‌های با پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا و با سواد و تحصیل کرده و در مقابل، خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین و کم‌سواد و بی‌سواد. در ابتدا، رسیدگی و البته دلسوزی خانواده‌های کم‌سواد و بی‌سواد به فرد مبتلا بیشتر است و گاهی از روی محبت نگاه‌های ترحم‌آمیزی به فرزند دارای معلولیت خود دارند؛ درست مثل نگاهی که خانواده خود من به من داشتند و شکافها درست از همان جا شروع می‌شود، اینکه حتی می‌خواستند تمام کارهای شخصی مرا انجام دهند و بار هر مسئولیتی را از شانهم بردارند، مبادا آسیب ببینم یا توان انجام نداشته‌باشم. در حالی که نقش توانبخشی، به رسمیت شناختن استقلال فردی کسی است که دچار معلولیت شده‌است. یعنی تا جایی که می‌تواند در خانه و جامعه مسئولیت بپذیرد. این یعنی توان‌بخشی، در حالی که خانواده‌های ما بعضا عکس این هستند؛ خواهر من هم مبتلا به دیستروفی است اما حتی کارهای خانه را هم انجام می‌دهد چون باید مثل

وقتی مطالعاتم را افزایش دادم ناخودآگاه متوجه شدم که انسان، به روح و روان و به "ماهو انسان" تعریف می‌شود نه انسان بماهو تن سالم‌تر. آن موقع نگاهم نسبت به خودم نیز تغییر کرد

فردی عادی به او نگاه شود و تا جایی که در توان اوست، مسئولیت بپذیرد. این مسئله از بُعد روانی بسیار کمک کننده‌است. بیماران دیستروفی، هرچه سطح تحرکشان پایین‌تر باشد، آسیب بیشتر و سریع‌تر پیش می‌رود. هرچه نگاه اطرافیان بیش از حد دلسوزانه و ترحم‌انگیز باشد، او به تدریج کنار گذاشته می‌شود. جامعه تنها از خانه بیرون آمدن نیست، خانواده هم بخشی از جامعه است. این نگرش خانواده در آغاز است که می‌تواند راه آینده او را هموار و روشن کند یا نخستین ضربات را به وی بزند. من به تمام افراد دارای معلولیت به طور عام و مبتلایان به دیستروفی به طور خاص، پیشنهاد می‌کنم که به تحصیلات رجوع کنند و ادامه تحصیل دهند. چرا که به نظر من یکی از عوامل مهمی که می‌تواند از ناتوان‌کنندگی معلولیت بکاهد، سطح سواد و تحصیلات است. رابطه‌ای متقابل و محکمی بین تحصیلات و ناتوان‌کنندگی معلولیت وجود دارد. به هر میزان که به تحصیلات فرد توان‌یاب اضافه شود، از ناتوانی او کاسته می‌شود. البته شرایط جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند، نقش مهمی را دارد.

شما دانشجوی رشته جامعه‌شناسی هستید. چطور به رشته جامعه‌شناسی علاقه‌مند شدید و این رشته را برای تحصیل در دانشگاه انتخاب کردید؟ در اول باید بگویم که بیشتر از اینکه انتخاب کرده باشم، محکوم به انتخاب شدم. یکسری شرایط محتوم و مکنون دست به دست هم دادند و من این حوزه مطالعاتی را انتخاب کردم. البته

فشار و اصرار زیادی بر من بود که رشته حقوق بخوانم. ولی الان خیلی خوشحال هستم که حقوق نخواندم. در واقع من از همان دوران دبیرستان و قبل از ابتلا به بیماری، دغدغه مسائل اجتماعی را داشتم و از همان موقع با دبیران جامعه‌شناسی و مطالعات اجتماعی در چالش بودم. در کلاس، خیلی بحث و سوال می‌کردم. دبیران به من می‌گفتند، سوالات تو خاص هستند. با مشورت یکی از دبیران این رشته را انتخاب کردم.

شما به دلیل دغدغه‌های اجتماعی که داشتید، رشته جامعه‌شناسی را انتخاب کردید. این رشته به شما برای گذر از این دوره سخت کمکی کرد؟

بله. حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی بسیار کمک کننده بود. کتاب‌های زیادی خواندم، و وارد موضوع تعریف از انسان شدم. دو نوع تعریف از انسان وجود دارد. تعریف اول انسان بماهو دو دست و دو پا و تن سالم است. و تعریف دوم انسان بماهو انسان است. در ایران تعریف اول یعنی انسان بماهو تن سالم از شمولیت بسیار بیشتری برخوردار است. یعنی رابطه مستقیمی بین انسانیت و تن سالم وجود دارد. به عبارتی: به هر میزان که از تن سالم انسان کاسته می‌شود، ولی واقعا این تعریف نادرست است. انسان باید به روح و روان و به "ماهو انسان" تعریف شود. آن موقع نگاهم نسبت به خودم تغییر کرد و اگر کسی به من ترحم می‌کرد و برای من گریه و زاری می‌کرد، به او اعتراض می‌کردم و می‌گفتم که من نیاز به دلسوزی ندارم، چون از توانایی‌های بسیاری برخوردارم. شاید من در دویدن مقام نیاورم، ولی در حوزه‌های دیگر توانایی‌های بسیاری دارم. باید بگویم که حتی نگاه برخی تحصیل کرده‌ها هم همین‌گونه است. چون نمی‌توانیم این نگرش، فرهنگ و عادت واره را به راحتی عوض کنیم. برای تغییر نگرش نیاز به این است که اول نگرش سازمان‌های متولی امر در حوزه معلولیت، عوض شود. متأسفانه در ایران پزشکان، گفتار درمانگرها، کاردرمانگرها و فیزیوتراپیست‌ها بر

سازمان‌های متولی امور معلولان سلطه دارند و با نگاه اجتماعی به معلول و معلولیت آشنا نیستند. این افراد کسانی هستند که غالباً از دانشکده‌های توان‌بخشی می‌آیند، در صورتی که در کشورهای پیشرفته، سیاست‌گذاران این حوزه از دانشکده‌های مطالعات معلولیت هستند. یعنی نگاه اجتماعی به معلولیت دارند. در اینجا مسئولان، فقط به فکر دادن ویلچر و بریس و سمک و ... هستند چون نگاه آنها به معلولیت، نگاه به یک فرد ناتوان و درمانده است. ولی در کشورهای پیشرفته، تمرکز بر جامعه‌ای است که همه با هر گونه تفاوت بتوانند در آن راحت زندگی کنند. این جامعه مخصوص گروه خاصی نیست. متأسفانه هنوز در کشور ما فاکتورهای اجتماعی مثل؛ نگرش منفی نسبت به معلولیت، نبودن اعتماد اجتماعی، احساس محرومیت اجتماعی، نبودن حمایت‌های نهادی جامع و مکفی، مثل عدم تناسب امکانات فیزیکی با شرایط افراد دارای معلولیت وجود دارد. گاهی گفته می‌شود که نبودن مناسب‌سازی فیزیکی، مهم‌ترین مانع بر سر راه افراد دارای معلولیت است، در حالی که این فقط یکی از فاکتورهاست.

برگردیم به سوال شما. بله به نظر من جامعه‌شناسی یا هر حوزه مطالعاتی دیگر می‌تواند از ناتوان‌کنندگی معلولیت بکاهد و نوع نگاه و جهان‌بینی فرد توانیاب را نسبت به همه چیز تغییر دهد و جهان‌بینی او را منطقی‌تر کند.

شما کتاب و مقالات متعددی را نوشته و ترجمه کرده‌اید. از آخرین کتابتان بگویید که موضوعش چیست؟

کتابی با عنوان " ناتوان‌شدگان، رویکردی جامعه‌شناختی به طرد اجتماعی افراد دارای معلولیت" نوشته‌ام و در کتاب توضیح داده‌ام که به چه عللی افراد دارای معلولیت ناتوان شده‌اند؟ یعنی در ابتدا خواستم به مخاطب بگویم که معلولیت ذاتاً ملازم با ناتوانی نیست و طرد فردی که معلولیت دارد، در ذات آنان نهفته نیست، بلکه علت ناتوان شدن آنها؛ نگرش منفی جامعه، عدم حمایت درون و برون‌گروهی، عدم اعتماد، احساس محرومیت اجتماعی و غیره است. توانیابان در کشور ما اکثراً

متأسفانه در ایران گفتمان پزشکی و پزشکان، گفتار درمانگرها، کاردرمانگرها و فیزیوتراپیست‌ها بر سازمان‌های متولی امور افراد دارای معلولیت سلطه دارند. آنها با نگاه و گفتمان اجتماعی به معلول و معلولیت آشنا نیستند

بی‌کار، بی‌سواد و دارای روابط اجتماعی بسیار اندکی هستند. در ایران، شصت درصد افراد دارای معلولیت بی‌کار و چهل درصد شاغل هستند. که البته بیشتر شاغلین هم در کارهای کاذب و غیر رسمی مشغولند. خیلی‌ها عقیده دارند که اگر مناسب‌سازی‌های فیزیکی انجام شود، مشکل اشتغال افراد دارای معلولیت حل می‌شود. من در این کتاب با مفاهیم دقیق آماری و با رگرسیون‌های چند خطی و معادله‌ای، ثابت کردم که نگرش منفی جامعه، به مراتب تاثیر بیشتری از مناسب‌سازی‌های فیزیکی دارد. ولی در جامعه ما مناسب‌سازی‌های شهری و فیزیکی درالویت قرار داده شده‌است. الویتی که حتی پایه‌های علمی هم ندارند. به عنوان مثال، موزاییک‌هایی که برای عبور نابینایان در پیاده‌روها تعبیه شده، به‌گونه‌ای است که اگر فردی با مشکل دیستروفی، پایش به آن گیر کند، حتماً زمین می‌خورد! در صورتی که باید طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که مناسب‌سازی برای افراد نابینا با مناسب‌سازی برای فرد دارای مشکل حرکتی، تزاخم نداشته‌باشد.

این کتاب نگاهی نو به موضوع معلولیت و طرد توانیابان دارد و بر تعریف‌پذیری معلولیت در پارادایم اجتماعی به لحاظ توجه به فاکتورهای اجتماعی طرد معلولان و پویایی آنها تاکید دارد و بر این اساس مسیری را در مقوله توانمندسازی آنها می‌گشاید. بنابراین بخش کلیدی این کتاب، تلاش برای تغییر دیدگاه صرفاً پزشکی و فردگرایانه به معلولیت است. عناصر مد نظر در این مجال، فاکتورهای

اجتماعی‌ای هستند که شکل دهنده ناتوانی‌های تحمیل شده بر افراد دارای معلولیت و الگوهای پاسخ به آن است که از جامعه متبادر شده و یا ملازم با آن هستند. همچنین این کتاب با الهام از جنبش معلولیت توجه خود را به ظلم و ستم اجتماعی، گفتمان فرهنگی و موانع زیست‌محیطی معطوف ساخته‌است. و ابعاد رنج معلولیت را در اقتصاد سیاسی و نظام جهان، آگاهی کاذب و از خود بیگانگی، قدرت و ایدئولوژی و موانع جسمی و ارتباطی مورد بررسی قرار می‌دهد.

همچنین این کتاب فرضیه‌های بنیادی مربوط به تجربیات افرادی که "معلول" تلقی می‌شوند را به طور صریح بررسی می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب، دادن جایگاه به افرادی که فرد دارای معلولیت دارند، در محیط‌های دانشگاهی است. این مطالعه تلاشی مستمر را برای تعریف دقیق و درست از زبان و روش و هدف کار مرتبط با تجربه شخصی و اجتماعی معلولیت پایه‌ریزی می‌کند.

کتاب دیگری در دست ترجمه دارم که مطالعاتی درحوزه معلولیت است. وقتی این کتاب را ترجمه می‌کنم می‌بینم چقدر از نظر بار فلسفی و نظری در این حوزه عقب هستیم.

موضوع این شماره نشریه توان‌یاب، مناسب‌سازی اجتماعی و فرهنگی است. شما در این مورد چه نظراتی دارید؟

بحث مقداری تخصصی‌تر شد و من برای اینکه به سوال شما جواب داده‌باشم، لازم است که مختصراً در مورد مدل اجتماعی معلولیت نکاتی رو عرض کنم.

در ساده‌ترین حالت، مدل اجتماعی مدعی است که، این "اجتماع" است که افراد دارای نقص جسمی را ناتوان می‌سازد. معلولیت چیزی است که بر افراد دارای نقص جسمی، تحمیل می‌شود. ما از حضور کامل در اجتماع منع می‌شویم. بنابراین افراد دارای معلولیت، یک گروه سرکوب‌شده در اجتماع هستند. عناصر کلیدی مدل اجتماعی عبارتند از: تمایز قائل شدن میان معلولیت و نقص جسمی و این ادعا که افراد دارای معلولیت، گروهی سرکوب‌شده هستند. معلولیت



نه از نظر عملکردی، بلکه به این صورت تعریف شد: نقطه‌ی ضعف و یا محدودیت در فعالیت که از طریق یک سازمان اجتماعی معاصر که به افراد دارای نقص جسمی توجه بسیار کمی می‌کند ایجاد می‌شود و بنابراین، این افراد را از مشارکت در فعالیت‌های مهم اجتماعی محروم می‌کند.

در تفکر مدل اجتماعی، یک سری ویژگی وجود دارد:

۱- نقص جسمی از معلولیت متمایز می‌شود. نقص جسمی، مساله‌ای شخصی و خصوصی است و معلولیت، مساله‌ای ساختاری و عمومی است. در حالی که پزشکان و متخصصان درمان و دارو، تلاش زیادی برای درمان اختلالات جسمی انجام می‌دهند، اولویت نخست برای آنها، پذیرش اختلال و زدودن معلولیت است.

۲- مدل اجتماعی، متمایز از مدل دارویی یا شخصی است. مدل اجتماعی، معلولیت را ساخته‌ی دست اجتماع می‌داند (رابطه‌ی بین افراد دارای اختلال جسمی و یک اجتماع ناتوان کننده). ولی مدل درمانی یا شخصی، معلولیت را از منظر نقص فردی تعریف می‌کند.

در تفکر مدل پزشکی، رویکردهایی وجود دارد که به دنبال سرشماری افراد دارای اختلال جسمی هستند و می‌خواهند مشکلات پیچیده‌ی افراد دارای معلولیت را محدود به پیشگیری پزشکی، درمان یا توانبخشی کنند. ولی تفکر مدل اجتماعی به دنبال رفع موانع، تصویب قوانین ضد تبعیض، زندگی مستقل و سایر واکنش‌ها به سرکوب اجتماعی است. از منظر حقوق معلولیت، رویکردهای مدل اجتماعی، ترقی‌خواه، و رویکردهای مدل پزشکی، واکنشی هستند.

۳- افرادی که معلولیت دارند، از افراد سالم متمایز هستند. آنها یک گروه سرکوب شده هستند و غالباً افراد غیر معلول و سازمان‌هایی مانند متخصص‌ها و موسسات خیریه، مسئول این سرکوب هستند. راه حل مشکل معلولیت، رعایت حقوق مدنی است و نه دلسوزی و کارهای خیریه‌ای. سازمان‌ها و خدماتی که تحت نظارت افراد دارای معلولیت اداره می‌شوند، بهترین و مناسب‌ترین راه حل‌ها را مطرح کرده و بهترین بینش‌ها را ارائه

آرزو داریم که شکاف بین معلولان و غیرمعلولان برداشته شود و من نیز در این مهم تاثیرگذار باشم. مصمم هستم مطالعات جامعه‌شناختی معلولیت را ادامه دهم و امیدوارم بتوانم رشته مطالعات معلولیت را در دو سه دانشگاه ایران راه‌اندازی کنم

می‌دهند.

مدل اجتماعی تصریح می‌کند که مشکلات گریبان‌گیر افراد ناتوان شده، نتیجه‌ی سرکوب اجتماعی و انزوا است، نه نتیجه‌ی نقص‌های فردی آنها. این رویکرد باعث می‌شود، بار مسئولیت اخلاقی بر دوش مردم گذاشته شود تا آنها موانع تحمیلی را از میان بردارند و زمینه‌ی حضور افراد ناتوان شده را در اجتماع فراهم سازند. مدل اجتماعی، این قدرت را دارد تا تصور غالب مردم نسبت به افرادی که معلولیت دارند را تغییر دهد. مشکل معلولیت از توجه به فرد به سمت توجه به موانع و رفتارهایی که او را ناتوان ساخته‌اند، تغییر می‌یابد. فرد دارای معلولیت مقصر نیست، بلکه اجتماع مقصر است. او نباید تغییر کند، اجتماع باید تغییر کند. فرد فرد دارای معلولیت به جای حس ترحم به خود، باید احساس خشم و غرور کند.

بنابراین به عنوان مثال، تا زمانی که کتاب‌ها به صورت بریل منتشر نمی‌شوند، نمی‌توانیم از مناسب‌سازی، حرف بزنیم. مناسب‌سازی محدود به اقدامات سخت‌افزاری نیست. هفت سال قبل یک تحقیق میدانی در حوزه معلولیت انجام دادم و با ششصد فرد دارای معلولیت مصاحبه کردم. هنوز هم با آنها در ارتباط هستم و متأسفانه باید بگویم که وضعیت این افراد به مراتب بدتر از هفت سال پیش است. پس سازمان‌های متولی امر کجا هستند؟ چه اتفاق مثبتی در این سال‌ها افتاده‌است؟ مرتب آمار می‌دهند که چه کردیم و چه می‌کنیم؟ من یک محقق و پژوهشگر هستم و آنچه

می‌گویم نظر خودم نیست از روی نتیجه پژوهش‌های من است. ما حتی آمار دقیقی از معلولان نداریم! وقتی یک مسئول سیاست‌گذار، آمار جامعه هدف خود را ندارد، چطور می‌تواند برنامه‌ریزی کند؟ ما از پایه دچار مشکل هستیم. متأسفانه نگاه به معلولیت، یک نگاه پزشکی و درمانگرانه است و این نگاه به افراد دارای معلولیت هم سرایت کرده‌است. وقتی از یک فرد دارای معلولیت می‌پرسیم که چرا دانشگاه نمی‌روی؟ می‌گوید چون پاهایم مشکل دارد، نمی‌گوید چون اتوبوس مناسب‌سازی شده در دسترس نیست. یعنی به او القا شده که ناتوان است و همیشه باید دنبال درمان باشد. تمام بیماران دیستروفی عضلانی منتظرند تا روزی درمانی بیاید، تا انسان شوند و زندگی را شروع کنند. هیچ‌کس نمی‌خواهد بپذیرد که در همین شرایط هم می‌توان موفق شد. وقتی نگاه تکدی‌گرایانه به معلولیت وجود دارد، همین نگاه حاکم می‌شود. نگاه منفی همسایه من به افراد دارای معلولیت، از رسانه می‌آید، از آموزش و پرورش می‌آید. رسانه یک نگاه تکدی‌گرایانه به فرد دارای معلولیت دارد و او را یک فرد بدبخت مفلوک و ناتوان نشان می‌دهد و بعد وزیر و سایرین رژه می‌گویند پول بدهید تا به این فرد کمک کنیم. نگرش منفی به معلولیت، اینگونه بوجود می‌آید. این نگرش وقتی ایجاد می‌شود که وزیر آموزش و پرورش می‌گوید، دانش‌آموزان دارای معلولیت را باید از افراد تندرست جدا کنیم تا باعث کسالت آنها نشوند. این فرد حتی یک مقاله در این حوزه نخوانده‌است، وگرنه می‌دانست که همنشینی افراد با توانایی‌های مختلف در کنار هم، انگیزه همه آنها را افزایش می‌دهد. به افراد دارای معلولیت خشونت نمادین اعمال می‌شود، یعنی آنها وضعیتی را که در آن قرار دارند را حق طبیعی خود می‌دانند. طبیعی می‌دانند که بی‌سواد باشند. طبیعی می‌دانند که مطرود باشند. وقتی نوشته‌های برخی از افراد دارای معلولیت را در سایت‌ها می‌خوانم، خیلی ناراحت می‌شوم. اگر کسی این نوشته‌ها را تحلیل محتوا کند، متوجه می‌شود که خود این افراد پذیرفته‌اند



که ناتوان و شهروند درجه دو هستند! تا زمانی که نگاه ذات‌گرایانه به افراد دارای معلولیت وجود دارد، پس فقط به فکر کمک‌های حمایتی و دولتی هستند. دادن یارانه، ویلچر، سمعک و هم منبعث از نگاه ذات‌گرایانه و پزشکی است که در کشور ما برقرار است. چون قرار نیست کسی که معلولیت دارد وارد رده‌های بالای کاری شود. در صورتی که توانیابان توانایی داریم که شرایط احراز پست‌های بالا و میانی نهادهای متولی امر معلولان را دارند ولی همه بی‌کارند. نمی‌گوییم افراد دارای معلولیت باید بهزیستی را در دست بگیرند، ولی انتظار دارم کسی که این مسئولیت را برعهده دارد، چه معلول و چه غیر معلول، نسبت به این حوزه علم و آگاهی کافی داشته باشد. در کشورهای پیشرفته، دست‌اندرکاران و متولیان امور معلولیت، از فارغ‌التحصیلان رشته مطالعات معلولیت هستند، رشته مطالعات معلولیت یک رشته میان رشته‌ای است. نه گفتار درمان، نه کاردرمان و یا سازنده کمربند ستون

فقرات. این افراد فقط و فقط در زمینه تخصص خود می‌توانند در این سازمان خدمت ارائه دهند، ولی نباید سیاست‌گذار در حوزه معلولیت باشند. این افراد در جلساتی که برگزار می‌شود در مقابل خیرین مطرح می‌کنند که برای توانبخشی توان‌یابان، نیازمند پول هستیم، ولی من می‌گویم که توانمندسازی بدون پول هم شدنی است. بخش‌های زیادی از توانبخشی مبتنی بر جامعه که مرتب از آن صحبت می‌شود، بدون پول امکان‌پذیر است. در قانون آمده که سی درصد کار ابرتوری تلفن باید به افراد دارای معلولیت تعلق بگیرد، در صورتی که فردی که تحصیلات دانشگاهی دارد، دلیلی ندارد که تلفنچی یک سازمان شود. این یک نگرش حقارت‌بار است. اگر فرصت‌های برابر وجود داشته باشد و شرایط جامعه برای حضور همه افراد مناسب باشد، افرادی که معلولیت دارند عقب نمی‌مانند. اگر عقب ماندند، می‌توانید بگویید که او تلفنچی شود. بنابراین مادامی که رویکرد ما و سازمان‌های متولی امر درباره توانیابان

منبعث از رویکرد مردود پزشکی است، نمی‌توانیم از مناسب‌سازی اجتماعی و فرهنگی صحبت کنیم. مناسب‌سازی اجتماعی و فرهنگی زیر مجموعه رویکرد و گفتمان اجتماعی است. پس اول باید گفتمانمان را عوض کنیم تا بعد بتوانیم در مورد مناسب‌سازی اجتماعی و فرهنگی صحبت کنیم.

بنابراین مخلص کلام من در اینجا این است که مناسب‌سازی اجتماعی و فرهنگی یعنی تغییر نگرش نسبت به توانیابان. در جامعه ما نگرش منفی بسیار زیادی نسبت به افراد دارای معلولیت وجود دارد. باید از طریق نهادهای فرهنگ‌ساز مثل آموزش و پرورش و رسانه‌های عمومی هرچه سریع‌تر و به‌صورت علمی، سعی در تغییر نگرش منفی جامعه نسبت به توانیابان باشیم.

چگونه با رعد آشنا شدید؟

اگر نگفنه باشم رعد بهترین انجمن در حوزه معلولان است، دست کم یکی از بهترین‌هاست. آشنایی اولیه‌ام این بود که در دوران کارشناسی ارشد،



برای تدریس به دانشگاه علمی کاربردی رعد سرزدم. متأسفانه در آن زمان همکاری ادامه پیدا نکرد. اخیراً یکی از کارشناسان بهزیستی مرا برای اشتغال به رعد معرفی کردند و اکنون با دفتر کارآفرینی و اشتغال رعد در تماس هستم. اولویت سنجی‌هایی از طرف این دفتر انجام گرفت و با شعبه‌هایی از دانشگاه‌های پیام نور و دانشگاه آزاد که در این منطقه قرار دارند، تماس برقرار شد تا بتوانم هفته‌ای چند ساعت تدریس داشته باشم.

ایا بیماران مبتلا به دیستروفی، انجمن دارند؟

بله. انجمن حمایت از مبتلایان به دیستروفی وجود دارد. اما متأسفانه باید بگویم که دیستروفی هنوز به عنوان بیماری خاص شناخته نشده است. در حالی که این بیماری، خاص‌ترین بیماری به معنای واقعی کلمه است. کمیسیون بهداشت مجلس می‌گوید اگر این بیماری را بیماری خاص قلمداد کنیم، باید هزینه درمان و داروهای مکمل را هم تقبل کنیم! هر آنکس که قدرت دارد، بی‌شک حق با اوست.

از انجمن چه انتظاری دارید؟

هر انجمنی واسط بین دولت و جامعه و جامعه هدف خودش است. فارغ از اساسنامه، از انجمن انتظار می‌رود که این وساطت را به خوبی انجام دهند. مثلاً انتظار می‌رود که آمار دقیق‌تری از مبتلایان به دیستروفی داشته باشد. ولی فکر می‌کنم انجمن هم مثل بهزیستی، آمار جامعه هدف خود را ندارد و انجمنی که آمار ندارد، نمی‌تواند خدمات برساند. من بیش از ده سال است که عضو این انجمن هستم و تنها یک ویلچر از این انجمن دریافت کرده‌ام. نکته دوم اینکه، از انجمن انتظار می‌رود که به

عنوان یک نهاد موثر، درمورد بیماری دیستروفی بتواند اطلاع‌رسانی کند. توقع دارم که این بیماری را در اذهان عمومی جا بیاندازد که وقتی کسی اسم آن را می‌شنود بدانند که این افراد با تحلیل عضلات روبه‌رو هستند. من از انجمن انتظار دارم که بیماری را به جامعه بشناساند. فرهنگ‌سازی از همین جا شروع می‌شود. طبق یکی از مواد قانون حمایت از معلولان، قرار بر این است که هفته‌ای پنج ساعت در تلویزیون برنامه‌های مرتبط با معلولان پخش شود. ولی رسانه‌ها نگرش منفی به معلولان را باز تولید می‌کنند، یعنی درست عکس کاری را که باید، انجام می‌دهد! انجمن‌ها می‌توانند در تغییر نگرش تاثیرگذارتر باشند.

شما دانشجوی دکتری هستید. با وجود این بیماری، چطور رفت و آمد می‌کنید؟

توانیابان با چالش‌های بسیار زیادی در حوزه‌های تردد، اشتغال و غیره... مواجهند و من هم جزئی از همان افراد هستم که مشکلات تردد، هزینه‌های ایاب و ذهاب و بی‌کاری بر من نیز مستولی گشته و رفته رفته سعی دارند مرا نیز گوشه نشین کنند. من سرپرست یک خانواده چند معلولیتی هستم، تحصیلات عالی دارم ولی جامعه امکان و انگیزه ادامه دادن را از من گرفته است. امیدوارم بتوانم تاثیرگذار باشم ولی جامعه با من قهر است.

در شرایط مطلوب، چه آرزویی دارید؟

البته زیاد آرزوهایم را جدی نمی‌گیرم. آرزو دارم شکاف بین افراد دارای معلولیت و غیرمعلولان برداشته شود و من نیز در این مهم تاثیرگذار باشم. مصمم هستم مطالعات جامعه‌شناختی معلولیت

را ادامه دهم. امیدوارم بتوانم رشته مطالعات معلولیت را در دو سه دانشگاه ایران راه‌اندازی کنم تا افرادی که به عنوان مسئول و رئیس سازمان‌های متولی امور معلولان منصوب می‌شوند، از فارغ‌التحصیلان این رشته باشند. تا وقتی این اتفاق در کشور ما نیفتد چیزی عوض نمی‌شود. تا زمانی که گفتمان در مورد معلولیت، به گفتمان اجتماعی تبدیل نشود، کشتی به خشکی می‌رانیم.

چه انتظاری از شهردار تهران دارید؟

شهرداری بازوی مهمی برای مناسب‌سازی‌های فیزیکی و همچنین مناسب‌سازی اجتماعی و فرهنگی است. من به شهردار محترم تهران می‌گویم که فقط به بُعد مناسب‌سازی فیزیکی و اماکن شهری نپردازد، در بعد فرهنگی هم کار کنید. مثلاً در تابلوهای شهری، می‌توان چند خطی هم درمورد افراد دارای معلولیت نوشت. باشد که نگرش منفی تغییر یابد. نیاز است شهرداری افراد متخصص در حوزه معلولیت را به کار گیرد. شهردار تهران باید مشاورین شایسته‌ای در این حوزه داشته‌باشد. توصیه‌ام به آقای شهردار این است که یک گروه شورایی و مشورتی از افراد دارای معلولیت تحصیل کرده و متخصص داشته‌باشد که مشکلات معلولان را بررسی کنند و به ایشان بازنمایی نمایند. وقتی از مناسب‌سازی فیزیکی هم صحبت می‌شود، باید از زبان فرد دارای معلولیت مشکلات را بشنویم تا مناسب‌سازی‌ها موثر باشند. در حوزه فرهنگ‌سازی نیز همین‌طور. برخی فرهنگ‌سازی‌ها در رسانه‌ها مسبب شرمساری فرد دارای معلولیت می‌شوند.

البته شائقم آقای شهردار را زیارت کنم و از نزدیک با ایشان صحبت کنم.

ماجرای جویی با معلولیت

گزارشی از سعید ضروری



می‌کند. این گروه هیچ‌گونه فعالیت سیاسی ندارد و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند. بعد از فراخوان بر روی صفحه اینستاگرام و کانال مربوط به این گروه با آدرس @iadt_adventure، افراد با مشخصات هر برنامه آشنا می‌شوند و در صورت داشتن شرایط لازم می‌توانند در فعالیت و یا سفر اعلام شده، حضور پیدا کنند.

قایقرانی در آب‌های خروشان

در حال حاضر این گروه فعالیت‌های آبی و ورزش‌های آبی را از طریق کمیته افراد دارای معلولیت در انجمن رفتینگ ایران و زیر نظر کیانوش محرابی (عضو هیئت‌مدیره فدراسیون جهانی رفتینگ) انجام می‌دهد و در سال آینده برنامه‌های کایاک سواری در روگاهای اطراف تالاب انزلی و رفتینگ (قایقرانی در آب‌های خروشان) را برگزار خواهد کرد.

افراد دارای معلولیت خلبان می‌شوند

سعید ضروری از طرف انجمن ورزش‌های هوایی کشور، مسئول تشکیل کمیته پرواز افراد دارای معلولیت در این نهاد شده است. او در این رابطه می‌گوید: «از طریق کمیته ورزش‌های هوایی استان گیلان و با هماهنگی انجمن ورزش‌های هوایی کشور در حال تلاش هستیم تا شرایط قانونی برای خلبان شدن افراد دارای معلولیت فراهم شود و همچنین سایر استانداردهای پروازهای تفریحی دو نفره، برای افراد دارای معلولیت تدوین و به مربی‌ها و باشگاه‌های

سفر و گردش یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که همواره به دلیل موانع متعدد فیزیکی و اقتصادی خارج از دسترس بخش قابل توجهی از افراد دارای معلولیت قرار دارد. در این میان گروه ماجراجویان معلول ایرانی از اردیبهشت سال ۹۳ تعریف جدیدی در حوزه گردشگری افراد دارای معلولیت را معرفی کرده است. گردشگری ماجراجویانه افراد دارای معلولیت، موضوع جذاب و پرهیجانی است که با وجود تمام سختی‌ها در کشور ما در حال انجام است.

سعید ضروری مؤسس این گروه این‌طور می‌گوید: «گروه ماجراجویان معلول ایرانی متشکل از افراد دارای معلولیت و افراد غیرمعلولی است که فراتر از موانع فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی به ماجراجویی می‌پردازند. هدف از تشکیل این گروه نشان دادن توانایی‌های افراد دارای معلولیت در انجام فعالیت‌های پرهیجان است. ما معتقدیم فعالیت‌های این گروه در نشان دادن روحیه و نشاط افراد دارای معلولیت با وجود مشکلات و فقر فرهنگی جامعه، تأثیری چشمگیری در فرهنگ‌سازی برای حضور اجتماعی افراد دارای معلولیت در جامعه‌ای فراگیر خواهد داشت. ما تلاش خواهیم کرد با انعکاس تجربیات و معرفی فعالیت‌های پرهیجان و مختلف راه را برای تجربه سایر افرادی که به نوعی دارای معلولیت هستند هموار کنیم. این گروه به دنبال این خواهد بود که افراد با معلولیت‌های شدید بتوانند فعالیت‌های مختلفی از قبیل پرواز با انواع وسایل پرنده فوق سبک (وزن پرنده زیر ۳۰۰ کیلوگرم) مانند هواپیماهای آموزشی (سسنا و...)، پاراموتور، پاراگلایدر، جابرو کوپتر، کایت موتوردار و رفتینگ، سقوط آزاد از هواپیما و هلیکوپتر و ورزش‌های پرهیجان آبی را تجربه کنند.»

نحوه فعالیت

شرکت در برنامه‌های گروه ماجراجویان معلول ایرانی، برای تمام افراد آزاد است و این گروه در تلاش هستند تا گردشگری تلفیقی (افراد دارای معلولیت در کنار سایر افراد جامعه) را نهادینه کنند. این گروه از طریق همکاری با سایر مراکز که در حوزه مورد نظر دارای مجوز هستند، فعالیت



در سفر ماجراجویانه اعلام آمادگی کرده بودند، بیش از ۲۵۰ کیلومتر کویرنوردی و آفرود را تجربه کردند. تیم حرفه‌ای و تجهیزات و تجربه و اراده دوستانم در این سفر، انجام آن را ممکن کرد.

تجربه حرف اول را می‌زند

سعید ضروری که در میان اهالی سفر و ماجراجویی، چهره‌ای کاملاً شناخته شده‌است، نقش تجربیات شخصی خودش را بسیار پررنگ می‌داند و می‌گوید: من با وجود معلولیت، از اوج آسمان تا اعماق دریا و زمین ماجراجویی و سفر می‌کنم و نه تنها تجربه می‌کنم بلکه تلاش می‌کنم با تئوری تمام این ورزش‌ها آشنا شوم تا بتوانم برای افرادی که تمایل دارند این کارها را تجربه کنند، شرایط را فراهم کنم. من برای اینکه اطمینان داشته باشم تمام موارد ایمنی و ملاحظات لازم انجام می‌شود، با بهترین گروه‌ها و افراد برنامه‌ها را برگزار می‌کنم. هیچ نهاد و سازمانی تا به امروز از گروه من حمایت نکرده‌است. حمایت‌ها توسط گروه‌های متخصص صورت گرفته است و همواره نهایت همکاری را برای خلق لحظات ناب انجام داده‌اند. من سه برابر سقوط آزاد از هواپیما و هلیکوپتر، از ارتفاع ۴ هزار متری را تجربه کرده‌ام و در جاهای مختلف ایران پرواز و غواصی کرده‌ام و با وجود معلولیت جسمی حرکتی بسیار شدید، سفرهای طولانی را در طبیعت‌های بکر ایران انجام داده‌ام. تجربه این سفرها و برنامه‌ها باعث شده تا به حوزه ماجراجویی، تسلط پیدا کنم.

ماجراجویی درمانی

در حال حاضر سعید ضروری، تنها ایرانی عضو کمیته بین‌المللی ماجراجویی درمانی (ادونچر تراپی) در استرالیا است. او در این رابطه می‌گوید: «در حال تلاش هشتم تا سفرها و ماجراجویی‌ها اثرات مثبت و ملموسی بر روی ذهن و فکر دوستان ماجراجو و دارای معلولیتم بگذارد. در ماجراجویی درمانی، افراد با روی دیگری از سفر آشنا شده و با کمک استعاره و نمادها، به درک‌های متفاوتی از زندگی و هدفمندبودن آن می‌رسند. در اینجا درمان، به معنای بهبود طرز فکر و درمان روحیه‌های منفی و احساسات منفی است. در ماجراجویی، افراد از دایره امن خود خارج می‌شوند و آماده دریافت اطلاعات و تأثیرپذیری می‌شوند که ابعاد مختلف روانشناسانه و عمیقی در روح و روان دارد.»

برنامه‌های آینده گروه ماجراجویان معلول ایرانی

سعید ضروری در رابطه با برنامه‌های آینده این گروه می‌گوید: «با توجه به اتمام فصل سرما، در صدد هستیم برنامه‌های متعددی برای آینده تدارک بینیم که بسیار هیجان‌انگیز و ماجراجویانه خواهد بود. قایقرانی در آب‌های خروشان، کایاک سواری، کمپ در جنگل و قله‌های کوه از جمله این موارد هستند. البته در فصل سرما هم، از عرض کویر ریگ‌جن رد شدیم و همچنین به جزایر قشم و هنگام و هرمز هم سفر کردیم. با کمک خلبان عباس اکبری به‌صورت رایگان، همسفران پرواز با پاراگلایدر را در ساحل ناز جزیره قشم تجربه کردند.»



هوایی ابلاغ شود. کار بسیار سختی و حساسی است که با کمک مربی‌های مطرح کشور انجام خواهد شد. در تلاش هشتم این روند به‌صورت قانونی و با امکان دریافت گواهینامه پرواز معتبر انجام شود.»

عبور از کویر ریگ‌جن

سعید ضروری در طی سال‌ها، با کمک تیم‌های تخصصی و حرفه‌ای، برنامه‌های متعددی را در حوزه ماجراجویی انجام داده‌است. در این رابطه سعید اظهار داشت: بعد از اینکه از جنوب تا شمال کویر مرکزی ایران و ریگ‌جن را به‌صورت سافاری طی کردم، پیشنهاد دادم این برنامه به شکلی سبک‌تر برای گروهم برگزار شود. ما ۵۵۰ کیلومتر در میان کوه‌ها و بیابان‌ها و رمل‌ها را طی کردیم و سه روز در راه بودیم. هیچ جاده و آبادی و انسانی در این مسیر وجود نداشت. بعد از این تجربه با کمک علیرضا مظلومیان، احسان مظلومیان و عماد مظلومیان این بار از شرق تا غرب ریگ‌جن را طی کردیم. در این سفر افرادی که برای حضور



نازنین فاطمه جمشیدی

زمین
آسمان
شکوفه‌های صورتی
هوای بهاری
نسترن‌های تازه شکفته
را باید دید

باید
از درختِ جوانه زده‌ی زمستان
از استغنائی بی‌دریغ آفتاب
ستاره‌های امید را چید ...
باید
مجذوبِ لحظه‌های خوشِ صبح
پس از سیاهی شب
رو به طبیعت سبز
رو به صبر بی حد باران
به شوق خندید

غصه را
باید سپرد
به فراموشی روزگار سخت
باید تازه شد
و در سایه‌ی
احساس
گل کرد
و باز گل کرد



نگار دوستی، مدرس کلاس چرم‌دوزی در مرکز رعد است. او کارشناسی خود را در رشته علوم نساجی و الیاف گرفته و کارشناسی ارشدش، مدیریت صنایع نساجی است. آشنایی او با مرکز رعد خیلی اتفاقی شکل گرفت و به همکاری او در آموزش چرم‌دوزی به هنرجویان علاقمند انجامید. کارهای این هنرمند چرم‌دوز سال قبل در جشنواره فجر کد «شیما» گرفت و امسال هم در جشنواره ملی سیپال به نمایش درآمد.



نگار دوستی، مدرس کلاس چرم:

درآمدزایی در این رشته به همت و تلاش افراد بستگی دارد

از رعد با من تماس گرفته شد که برای آموزش بیایم. خیلی خوشحال شدم و از همان تابستان، کارم را شروع کردم. بعد متوجه شدم که این تاخیر، به این دلیل بوده که قبلاً استاد چرم‌دوزی در رعد وجود داشته‌است. من آموزش دادن را خیلی دوست دارم و این کار، حس خوبی به من می‌دهد. در این دو سال، تمام آنچه خودم به‌صورت تجربی یاد گرفتم، یعنی آنچه هیچ استادی و هیچ کتابی آموزش نمی‌دهد را به بچه‌ها آموزش داده‌ام. چرم‌دوزی، هنریست که در اثر تجربه به‌دست می‌آید و من تجارب خود را در این کلاس به هنرجویان منتقل می‌کنم. خیلی از کارهای را مثل نحوه برش زدن و سمباده زدن را به آنها آموزش می‌دهم. این مهارت‌ها فقط با تجربه به‌دست می‌آید، حتی استاد من بسیاری از این موارد را به من آموزش نداده‌بود. خدا را شکر می‌کنم که این کلاس تا به حال خیلی خوب پیش رفته‌است. بسیاری از هنرجویان که وارد کلاس

در این دو سال، تمام آنچه خودم به‌صورت تجربی یاد گرفتم، یعنی آنچه هیچ استادی و هیچ کتابی آموزش نمی‌دهد را به بچه‌ها آموزش داده‌ام. چرم‌دوزی، هنریست که در اثر تجربه به‌دست می‌آید و من تجارب خود را در این کلاس به هنرجویان منتقل می‌کنم

برای آموزش چرم‌دوزی پیدا کنم. با جستجو در اینترنت چندین محل را پیدا کردم، ولی در نهایت به رعد آمدم و با مدیر دفتر آموزش (خانم لاله)، صحبت نمودم. قرار شد که با من تماس بگیرند. مدتی گذشت و تماسی دریافت نکردم. یک سال بعد در تابستان ۹۵،

لطفا خودتان را معرفی کنید و بگویید که از چه زمانی با موسسه رعد شروع به همکاری کردید؟

نگار دوستی، بیست و نه ساله و مدرس کلاس چرم‌دوزی در مرکز رعد هستم. کارشناسی را در رشته علوم نساجی و الیاف گرفتم و کارشناسی ارشد، مدیریت صنایع نساجی است. چرم‌دوزی را در سال ۹۳، نزد استاد هدی قاصدی که مدرس صدا و سیما و از زنان کارآفرین و قدرتمند است، به مدت یک‌سال آموزش دیدم و بعد در منزل، کیف دوزی را شروع کردم. آنقدر کیف دوختم و خراب کردم و دوباره دوختم تا در این حرفه مهارت پیدا کردم. از سال ۹۵، با مرکز رعد همکاری را شروع کردم. کاملاً اتفاقی با رعد آشنا شدم. من دفتر یادداشتی دارم به نام دفتر آرزوها که آرزوهایم را در آن می‌نویسم. یکی از آرزوهایم همیشه این بود که بتوانم کار خیری انجام دهم. به همین دلیل، به فکر افتادم که در منطقه غرب که در نزدیکی منزم است، جایی را



شماره ۱۸ - بهار ۱۳۹۸

شدند، هیچ پیش زمینه‌ای از چرم‌دوزی نداشتند، ولی علاقمند شدند و این حرفه را یاد گرفتند و حالا می‌توانند برای خودشان انواع کیف و چیزهای دیگر را با چرم بدوزند.

آیا شما کار چرم‌دوزی را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنید و از این راه به درآمد هم رسیده‌اید؟

بله. من بعد از پنج سال، به جایی رسیده‌ام که می‌توانم بگویم از این حرفه کاملاً راضی هستم و درآمد خوبی هم دارم. من در زیرزمین خانهم، کارگاهی راه انداخته‌ام و با چند نفر دیگر مشغول به کار هستیم. تولیدات خوبی داریم و با مزون‌هایی هم در تهران و هم شهرستان‌ها قرارداد بسته‌ایم و برایشان کار می‌فرستیم.

کارهایتان با دست است یا با ماشین هم کار می‌کنید؟

کارهای ما همه با دست دوخته می‌شود. دوستان زیادی توصیه کرده‌اند که برای این که کار سریع‌تر انجام شود، از چرخ استفاده کنم، ولی من قبول نکرده‌ام. می‌خواهم لیبل هنر سراجی سنتی روی کار من باشد. مشتریان من دوخت ضربدری کیف را شناسنامه کار من می‌دانند و می‌دانند اگر روی کیفی دوخت ضربدری باشد، مربوط به کارگاه ماست. ما نام بازرگانی داریم و در سال آینده انشا... حتما این نام را به ثبت می‌رسانم. در آینده به جز دوخت کیف زنانه، خط تولید کیف مردانه و کفش و لوازم جانبی را هم راه می‌اندازیم.

یک دوره آموزش چرم‌دوزی در این کلاس، چقدر طول می‌کشد؟

هر دوره حدود چهار ترم یا دو سال طول می‌کشد. در رعد یک دوره آموزشی را تمام کرده‌ایم و حالا در حال برگزاری دوره دوم آموزش هستیم. البته یک سری از کارآموزان، یکی دو ترم بیشتر نیامدند، چون در همان یک یا دو ترم هر چه نیاز داشتند را یاد گرفتند.

تاکنون چند نفر از هنرجویان رعد در این کلاس دوره دیدند؟

در دوره اول حدود چهارده نفر آموزش دیدند و رفتند. بچه‌های این کلاس،

بعد از چهار ترم، باید این فرصت به هنرجویان داده شود که برای خودشان کار کنند. چون در طول این مدت، استاد روند کار را آموزش داده و تمام نکات را گفته‌است. از اینجا به بعد به همت و تلاش و خلاقیت خودشان برمی‌گردند

در ترم سوم از دوره جدید هستند که شش نفرند.

آیا بچه‌هایی که در دوره اول آموزش دیدند، به درآمدزایی هم رسیده‌اند؟

درآمدزایی در این رشته به همت و تلاش افراد بستگی دارد. افراد حرفه‌ای زیادی به این کار مشغولند. زمانی که می‌خواستیم افرادی را برای کارگاه خودم استخدام کنم، در کلاس اعلام کردم و خواستم که نمونه کارشان را برایم بفرستند. بیش از بیست نفر برای من کار فرستادند که من از بین آنها فقط توانستم یک نفر را انتخاب کنم، چون کارها در سطح پایینی بودند. بسیاری از این افراد هنر را یاد گرفته بودند، ولی کار را ادامه نداده بودند. تنها یک خانم از این میان انتخاب شد. او فردی بود که کار را دنبال کرده‌بود و همه نکات را به صورت حرفه‌ای یاد گرفته بود. بعد از چهار ترم که کارآموزان به این کلاس می‌آیند، باید این فرصت به آنها داده شود که بروند و برای خودشان کار کنند. چون در طول این چهار ترم، استاد روند کار را آموزش داده و تمام نکات را گفته‌است. از اینجا به بعد به همت و تلاش و خلاقیت خودشان برمی‌گردد. من هنرجوهایی دارم که بسیار خلاق هستند و فروش اینترنتی دارند. آنها به راحتی از فضای مجازی و اینستاگرام پول در می‌آورند. ولی بعضی از کارآموزان هم پیگیر کار نیستند.

آیا هنرجوهای این کلاس، با علاقه و آگاهی به این هنر رو آورده‌اند یا شاید بعضی‌ها برای گذراندن وقت؟

به نظرم داشتن علاقه و داشتن یک پیش زمینه هنری در یادگیری این هنر بسیار مهم است. بعضی از بچه‌ها با آگاهی و برنامه‌ریزی به کلاس می‌آیند. یعنی چون می‌دانند که قرار است کلاس چرم‌دوزی تشکیل شود، از قبل ثبت‌نام می‌کنند و پیگیر تشکیل کلاس هستند. البته تعداد این افراد کمتر از گروه دیگری است که صرفاً برای آمدن به مجتمع رعد و یاد گرفتن هنری در اوقات فراغت خود به کلاس می‌آیند. هنرجویانی هم داشته‌ایم که قبلاً این هنر را بلد بوده و فقط یک ترم برای رفع اشکال به کلاس آمده است. هنرجویی هم داشته‌ام که با وجود مشکل جسمی، به سختی قیچی به دست می‌گرفت ولی چون علاقه داشت، دو سال در کلاس شرکت کرد. البته مواردی هم داشته‌ام که به دلیل مشکل جسمی نمی‌توانست با کاتر و سمبه و قیچی کار کند و تمرکز کافی برای سمبه زدن نداشت و ممکن بود به خودش صدمه بزند که من با هماهنگی با آموزش و توانبخشی مجتمع از او خواستم که دیگر به این کلاس نیاید. من خودم به‌طور تخصصی در حرفه سراجی کار می‌کنم، چون اگر کسی بخواهد در کاری موفق باشد باید تخصصی در آن زمینه کار کند. من به هنرهای دیگر هم علاقمندم ولی ترجیح دادم که فقط در همین زمینه کار کنم.

مواد اولیه این کار را از کجا تامین می‌کنید و این مواد به چه شکلی خریداری می‌شوند؟

مواد اولیه را از بازار تهران تهیه می‌کنیم. قبلاً یکی از هنرجویان کلاس لطف می‌کرد، سفارش بچه‌ها را می‌گرفت و برایشان خریداری می‌کرد. خود من هم چند بار مواد مورد نیاز را از بازار یا اینترنتی خریده‌ام. چرم مانند پارچه نیست که متری تهیه شود. چرم به صورت طاقه‌ای عرضه می‌شود و واحد اندازه‌گیری آن "پا" است. هر یک "پا" حدود سی سانت در سی سانت است. انواع چرم وجود دارد، چرم بز، چرم گاوی و چرم مصنوعی. چرم در رنگ‌های مختلف رنگ‌آمیزی می‌شود. اغلب افراد فکر



صد هزار تومان بیشتر خریدار دارند.

توصیه شما به کارآموزانتان در مرکز رعد چیست؟

من همیشه به بچه‌ها گفته‌ام که به استاد و موسسه و آموزشگاه، اکتفا نکنند و منتظر نباشند که کسی برایشان کاری بکند، باید به خودشان تکیه کنند. من از صفر تا صد کارم را خودم انجام دادم. از خرید مواد اولیه تا طراحی کیف تا طراحی لگو و بازاریابی و غیره ولی متأسفانه می‌بینم بچه‌ها خیلی وابسته به کلاس هستند و فکر می‌کنند که خودشان نمی‌توانند مستقلاً کاری را انجام دهند. بچه‌ها باید وارد اجتماع شوند، انواع کارها را ببینند، ایده بگیرند و روی پای خود بایستند. باید وابستگی خود را به استاد و کلاس کم کنند و به خود متکی باشند. من هرچه از سال ۹۳ تا کنون یاد گرفته‌ام را به‌صورت دفترچه، فیلم و عکس نگه‌داری کرده‌ام. ولی در طول این سال‌ها آنقدر کارهای متفاوت و متنوع انجام داده‌ام که سوالات و اشکالاتی که داشته‌ام، به تدریج برطرف شده‌است. در اثر تکرار و تمرین اشکالات برطرف می‌شوند. مهم داشتن علاقه و پشتکار در هرکاری است. پیشنهادم به کسانی که کار چرم انجام می‌دهند، این است که حتماً از تولیداتشان استفاده کنند تا بقیه کارشان را ببینند. حتی اگر خیلی هم کار باکیفیتی نباشد، این کار را انجام دهند. استفاده از این محصولات علاوه بر بالا بردن اعتماد به نفس، باعث می‌شود که به اشکالات کار خود پی ببرند. هنر چرم‌دوزی هم مثل هر هنری حال انسان را خوب می‌کند. من دیده‌ام که وقتی بچه‌ها کاری را به پایان می‌رسانند، چقدر روحیه و احساس خوبی دارند. ولی متأسفانه ندیده‌ام که خودشان از آن استفاده کنند.

پیشنهادم به کسانی که کار چرم انجام می‌دهند، این است که حتماً از تولیداتشان استفاده کنند تا بقیه کارشان را ببینند. استفاده از این محصولات علاوه بر بالا بردن اعتماد به نفس، باعث می‌شود که به اشکالات کار خود پی ببرند

برای یاد گرفتن این هنر می‌آیند و نگاه درآمدزایی به آن ندارند.

آیا با توجه به بالای بودن قیمت مواد اولیه این کار و بالا بودن قیمت تمام شده، بازار کار خوبی برای این هنر وجود دارد؟

بله. بازار این هنر هنوز گرم است. من مشتریانی دارم که نهصد هزار تومان برای خرید یک کیف می‌پردازند و حتی سفارش می‌دهند و از قبل پول آن را پرداخت می‌کنند. کم‌کم در بین بسیاری از مردم جا افتاده که باید جنس ایرانی بخرند و برای هنر ایرانی ارزش قائل شوند. در این گرانی‌های اخیر کوچک‌ترین تغییری در کیفیت کارمان ندادیم، چون مشتریان ما همین کیفیت را از ما انتظار دارند و کیفیت کار ما اعتبار ماست.

آیا کارآموزان کلاس شما توانسته‌اند، تولیداتشان را در نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های خیریه بفروشند؟

بله. کارآموزان کیف‌هایشان را در بازارهای خیریه عرضه کرده و به فروش هم رسانده‌اند. البته معمولاً در بازارچه‌های خیریه‌ای، کیف گران قیمت به فروش نمی‌رود. کیف‌های زیر

می‌کنند که چرم طبیعی، یا مشکی است یا قهوه‌ای. در صورتی که چرم با رنگ‌های متفاوتی حتی سبز و صورتی و بنفش هم وجود دارد. رنگ‌آمیزی چرم در سیستم تکمیل چرم با رنگ دانه‌های مخصوص انجام می‌شود. چرم‌های مصنوعی هم در رنگ‌های مختلف وجود دارند. در این کلاس، هم با چرم طبیعی کار می‌کنیم و هم مصنوعی. قیمت چرم مصنوعی پایین است به همین دلیل اول کار برای این که بچه‌ها تمرین کنند و کار را یاد بگیرند، از چرم مصنوعی استفاده می‌کنیم. وقتی بچه‌ها دستشان راه افتاد و کار را یاد گرفتند، از چرم طبیعی هم می‌توانند استفاده کنند. من به بچه‌ها در ترم بالاتر یک تکه چرم طبیعی می‌دهم و از آنها می‌خواهم که یک مجموعه کامل تهیه کنند. چون نحوه کار با چرم طبیعی با چرم مصنوعی فرق دارد. وقتی بچه‌ها روی چرم مصنوعی کار را یاد بگیرند، بعد می‌توانند روی چرم طبیعی کار کنند.

شما در خارج از رعد هم کلاس آموزشی داشته‌اید؟ آیا کارآموزان رعد در مقایسه با هنرجویان دیگر تفاوتی دارند؟

قبل از رعد، یک سال در آموزشگاهی بیرون از رعد آموزش می‌دادم. ولی در حال حاضر فقط در رعد کلاس آموزشی دارم. اگر بخواهم مقایسه‌ای انجام دهم، می‌توانم بگویم کارآموزان رعد واقعا می‌خواهند کار را بگیرند و وقت بیشتری برای یاد گرفتن می‌گذارند. من یک کلاس پنج نفره از خانم‌هایی که در سنین سی، چهل و پنجاه ساله بودند، داشتم. این افراد به دنبال یادگیری حرفه‌ای نبودند، فقط می‌خواستند من تند تند مباحث را بگویم و بروم. ولی کارآموزان این کلاس یا برای درآمدزایی و اشتغال، چرم‌دوزی را دنبال می‌کنند و یا فقط





در ادامه این گفت و گو با سه نفر از کار آموزان کلاس چرم هم صحبت کردیم.



در صفحات مجازی تبلیغ می‌کنم و سفارش کار می‌گیرم
بهنام حسین‌پور، از سال ۹۲ و پس از فارغ‌التحصیلی از رشته کارشناسی کشاورزی، به مرکز رعد آمده‌است. او کلاس کامپیوتر و کلاس معرق را هم در این مرکز گذرانده است و اولین ترمی است که به کلاس چرم‌دوزی می‌آید. بهنام در نمایشگاه‌ها، با کار چرم آشنا شده و متوجه شده که بازار فروش خوبی دارد و چون سابقه کار در زمینه معرق و کارهای هنری داشته، به چرم‌دوزی هم علاقه‌مند شد. او میدوار است که بتواند از این طریق به درآمد مناسب برسد و حتی در آینده این هنر را به بقیه هم آموزش دهد. او می‌تواند کیف پول مردانه و زنانه بدوزد و در بازارچه‌ای که در آذرماه در رعد برگزار شد، توانست چندتا از کارهایش را بفروش برساند. البته به گفته خودش، رشته اصلی او معرق است و در معرق کاملاً حرفه‌ای کار می‌کند ولی او میدوار است که در چرم‌دوزی هم بتواند مانند معرق، موفق باشد. بهنام، وسایل و ابزار مورد نیاز کار معرق و چرم‌دوزی را در منزل دارد و در خانه هم کار می‌کند. او در صفحات مجازی تبلیغ می‌کند و سفارش کار می‌گیرد.

امیدوارم در این کار موفق شوم و به درآمد مناسبی برسم
خدیدجه کوهی، کارآموز مجتمع رعد است. او یکسال است که پس از وقفه‌ای، دوباره به رعد آمده و در کلاس چرم‌دوزی و خیاطی شرکت می‌کند. او از طریق یکی از دوستانش، با این هنر آشنا شد و با کمک او کیف پول هم دوخته‌بود. ولی وقتی فهمید که در این مرکز هم کلاس آموزشی چرم‌دوزی برگزار می‌شود، تصمیم گرفت به‌طور دقیق این کار را از استاد یاد بگیرد.

خدیدجه سومین ترم است که در کلاس چرم شرکت می‌کند و دوختن کیف پول و کارهای کوچک، مثل جا کارتی و جای دستمالی و جاسوئیچی را یاد گرفته و در حال آموزش کیف‌های بزرگ رودوشی و دوره پیشرفته کار است. او تولید دو کیف را سفارش گرفته و در حال انجام آن است. خدیجه بعضی از کارهایش را به دوستان و اعضای فامیل فروخته و سفارش هم می‌گیرد. او به این کار بسیار علاقه‌مند است و امیدوار است که در این کار موفق شود و به درآمد مناسبی برسد.

دوست دارم در خانه سفارش بگیرم و با چرخ کار کنم

علیرضا قلی‌خانی، از سال ۹۵ به رعد آمده‌است. او قبلاً در کلاس معرق شرکت کرده و از تابستان امسال در کلاس چرم‌دوزی شرکت می‌کند. علیرضا از شرکت در این کلاس بسیار راضی است و در این رشته به پیشرفت خوبی رسیده‌است. او خودش طراحی چرم را هم انجام می‌دهد و امیدوار است که بتواند به‌صورت تولیدی این کار را ادامه دهد. علیرضا به‌صورت دست‌دوز کار می‌کند و توانسته از طریق فضای مجازی کارهایش را به فروش برساند. او مشتریانی دارد که سفارش کارهای بزرگ دارند ولی چون کار او با دست است، وقت زیادی از او می‌برد. او معتقد است که کار با چرم طبیعی و دست‌دوزی به صرفه نیست. این هنرجوی کلاس چرم، مایل است که بتواند در یک کارگاه تولیدی، کار با چرخ را هم یاد بگیرد تا بتواند در خانه سفارش بگیرد و با چرخ کار کند.





ناهید کلوشانی، موسس بنیاد خیریه معلولین ایرانیان است. او که از کودکی مبتلا به فلج اطفال شد، یکی از فعال‌ترین افراد در حوزه معلولیت است. کلوشانی در طول عمر پرثمرش، دو نهاد مدنی را به همراه دوستانش پایه‌ریزی کرده‌است؛ جامعه معلولین ایران و بنیاد خیریه معلولین ایرانیان. او از کودکی یاد گرفت که چگونه با فراز و نشیب‌های زندگی کنار بیاید و با تکیه بر توانایی‌های بی‌شمارش، در پی گشودن راه‌های تازه باشد.

ناهید کلوشانی، موسس بنیاد خیریه معلولین ایرانیان

در بنیاد دو موضوع را دنبال می‌کنیم، یکی خدمات رفاهی و دیگری اشتغال‌زایی

دچار فلج اطفال بودیم. این همنشینی باعث دوستی زیادی میان ما شد. بعد از ترخیص از بیمارستان با چند نفر از بچه‌ها که ساکن تهران بودیم، تصمیم گرفتیم هر دوشنبه دربخش کاردرمانی بیمارستان شفا، دور هم جمع شده و همدیگر را ببینیم. داستان زندگی من از همین‌جا شروع شد. روزی یکی از کارمندان بیمارستان، به نام آقای داوود مطیعی به من پیشنهاد جالبی داد. به من گفت که با او به وزارت بهداشت بروم و با مهندس کلهر که مدیرکل توانبخشی وزارت بهداشت آن دوران بود، دیدار کنم و از او بخواهم که جایی را برای ورزش به من و دوستانم بدهد. آن زمان چهارده ساله بودم. با او به وزارت بهداشت و درمان، درخیابان انقلاب رفتم. او مرا سوار آسانسور کرد و خودش پایین ماند. بالا رفتم و اتاق مهندس کلهر را پیدا کردم و از منشی درخواست ملاقات نمودم. وقتی با ویلچر وارد اتاقش شدم، با تعجب از من پرسید، چه می‌خواهی؟ گفتم، ما چند نفر دوست هستیم که همگی مبتلا به فلج اطفال

یکی از کارهای مهم ما، نامه‌نگاری به مراکز مختلف برای استخدام افراد دارای معلولیت بود. ما به وزارت بازرگانی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت ارشاد، اطلاعات صد و هجده، شرکت پرسی گاز و جاهای دیگر نامه می‌نوشتیم و بچه‌ها را برای کار معرفی می‌کردیم

رانندگی‌ام را گرفتم.

شما ورزشکار هم بودید، با وجود مشکلات جسمانی، چگونه به این حوزه علاقمند شدید؟

داستان علاقمند شدنم به ورزش، بر اثر یک اتفاق بود. در سال ۱۳۵۳ به مدت یک‌سال در بیمارستان شفا یحیایان بستری بودم. در بیمارستان تعدادی دختر و پسر بودیم که همگی

لطفا در ابتدا خودتان را معرفی کنید:

ناهید کلوشانی هستم، متولد سال ۱۳۴۰. سه سال و نیمه بودم که به‌علت ابتلا به فلج اطفال از گردن به پائین، سال‌های زیادی درگیر درمان بودم. مدتی پاهایم کج بودند، ولی پس از عمل‌های جراحی متعدد و درمان‌های بسیار، به تدریج بهتر شدم و الان می‌توانم با بریس و عصا راه بروم. البته گاهی برای برگزاری مراسم روی ویلچر می‌نشیم. در خانواده‌ای شلوغ به‌دنیا آمدم که وقت دلسوزی برای من را نداشتند؛ خانه بزرگی که از ورودی، پله می‌خورد تا به حیاط برسد و باز هم پله می‌خورد تا وارد ساختمان شود. هیچ‌کس هم تلاش نمی‌کرد که شرایط را برای من مناسب کند. بنابراین از کودکی یاد گرفتم که چگونه با فراز و نشیب‌های زندگی کنار بیایم. من مادر فکوری داشتم که با صحبت‌های دلنشین مرا ترغیب به استقامت و شکیبایی می‌کرد و اینکه باید کارمند شوم تا محتاج کسی نباشم. به محض اینکه هجده ساله شدم گواهی‌نامه



شماره ۱۸ - بهار ۱۳۹۸



یک شرکت تعاونی مسکن هم با
بیش از ششصد عضو تشکیل دادیم،
که هنوز هم به قوت خود باقی است.
با هماهنگی سازمان بهزیستی،
بنیاد مستضعفان و وزارت مسکن،
توانستیم تسهیلات خوبی برای
اعضای تعاونی بگیریم و در شهر
جدید هشتگرد منازل بسازیم و
تحویل بدهیم

معلولین برای همه ما مثل دانشگاهی بود که به رشد و بلوغ ما کمک کرد. به یاد دارم که بعد از انقلاب مطرح شد که ماشین‌های پیکان دولوکس، اتوماتیک و تجملاتی هستند و نباید تولید شوند. با این تصمیم مخالفت کردیم و با نامه‌نگاری‌های فراوان جلوی توقف تولید پیکان دولوکس را گرفتیم. مطرح کردیم که اگر ماشین اتوماتیک نباشد، افرادی که معلولیت دارند، نمی‌توانند رانندگی کنند. بعد سهمیه ماشین گرفتیم و در هر ماه، چهل پنجاه حواله ماشین اتوماتیک که به جامعه معلولین تعلق می‌گرفت را میان متقاضیان دارای معلولیت سراسر کشور پخش می‌کردیم.

زمانی که جامعه معلولین برقرار بود، چه کارهایی می‌کرد؟ یکی از کارهای مهم، نامه‌نگاری به مراکز مختلف برای استخدام افراد دارای معلولیت بود. ما به وزارت بازرگانی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت فرهنگ، اطلاعات صد و هجده، شرکت پرسی‌گاز و جاهای دیگر نامه می‌نوشتیم و بچه‌ها را برای کار معرفی می‌کردیم. با هر نامه‌ای که جامعه معلولین به این سازمان‌ها می‌داد، تعدادی از بچه‌ها استخدام می‌شدند.

برگزاری نمایشگاه‌های صنایع دستی و فروش برای افراد دارای معلولیت در سالن ساختمان جامعه یکی از کارهای مهم آن زمان بود. تاسیس شرکت تعاون و توتا برای کارهای توانبخشی و تعلیم رانندگی، تاسیس تعاونی مسکن که در شهر جدید هشتگرد با تعداد ۶۸۰ نفر عضو، که

شانزده، هفده ساله بودم و اصلاً از این چیزها سر در نمی‌آوردم. بالاخره با خود مهندس برجیان، شش نفر شدیم و جلساتمان را شروع کردیم. بعد از دو ماه، اساسنامه تهیه شد. در اساسنامه درخواست‌هایی که داشتیم مثل؛ بیمه و تسهیلات و مسکن و چیزهای دیگر را مطرح کردیم. اینگونه بود که جامعه معلولین ایران راه‌اندازی شد. بعد از انقلاب به پیشنهاد مهندس برجیان به مدرسه رفاه، که نزدیک منزل ما بود رفتیم تا وقت ملاقات از امام خمینی بگیریم. آقای طالقانی را آنجا دیدم. به ایشان گفتم که ما یک گروه از افراد دارای معلولیت هستیم و می‌خواهیم با امام خمینی دیدار داشته باشیم. قرار شد که روز بعد، پس از نماز مغرب و عشا نزد امام برویم. من و آقای برجیان و چند نفر دیگر از بچه‌ها جمع شدیم و به ملاقات امام رفتیم. سخنگوی ما آقای مهندس برجیان بود و مطالب را یک به یک توضیح داد.

بعد ما را به آقای مهدوی کنی سپردند که کمکمان کند. ایشان هم مبلغی پول نقد و یک دسته کلید که مربوط به ساختمانی در سه راه مجاهدین بود را به ما داد.

عضو گیری پس از رسمیت یافتن است. جامعه معلولین ایران را در چه تاریخی تاسیس کردید؟

جامعه معلولین ایران در آبان ۵۷ تاسیس شد. ما اولین انجمن مربوط به افراد دارای معلولیت در ایران بودیم. در ابتدا فقط ده نفر بودیم و بعد کم‌کم تعدادمان اضافه شد. جامعه

هستیم. ما مکانی را می‌خواهیم که بتوانیم در آنجا ورزش کنیم. مهندس از جسارت من خوشش آمد و گفت، قبول می‌کنم ولی به یک شرط. او ادامه داد، من تو را به آقایی در ورزشگاه امجدیه معرفی می‌کنم تا بسکتبال روی ویلچر را به تو آموزش دهد. تو هم باید یک گواهی از ایشان برای من بیاوری که این ورزش را یاد گرفته‌ای. با آقای مطیعی از همان‌جا به ورزشگاه امجدیه رفتیم. قرار شد هفته‌ای سه روز و هر روز به مدت یک‌ساعت به امجدیه بروم و بسکتبال روی ویلچر را از او یاد بگیرم. پس از شش جلسه، نرمش و درپ زدن و پرتاب توپ بسکتبال را یاد گرفتم. ایشان هم گواهی داد که این خانم می‌تواند به بچه‌های مثل خودش، آموزش بسکتبال روی ویلچر را بدهد. من گواهی را پیش مهندس کلهر بردم. ایشان همان موقع به باشگاهی در خیابان ژاله (هفده شهریور کنونی) به نام باشگاه گوته، که ناشنوایان در آنجا ورزش می‌کردند، تلفن زد و قرار شد سه روز در هفته، در این باشگاه ورزش کنیم. یک روز در میان بعد از تعطیل شدن از مدرسه، با ویلچر به باشگاه می‌رفتم و با سایر بچه‌ها ورزش می‌کردیم. تنها دختر گروه، من بودم. در اواخر سال ۵۶ بود که با مهندس برجیان آشنا شدیم. ایشان به ورزشگاه آمده بودند و وقتی ما را دیدند، خواستند در سالن جمع شویم تا بیشتر با هم آشنا شویم. همانجا ایشان پیشنهاد تاسیس یک انجمن غیردولتی را برای پیگیری مشکلاتمان را دادند، جامعه معلولین ایران.





به تازگی در حال تحویل منازل این افراد هستیم و ارائه آرم طرح ترافیک برای اعضاء از فعالیت‌های ما بود. در همین ایام با خانم دکتر فاطمه میرفتاح آشنا شدم. خانم دکتر یک روز به ساختمان جامعه معلولین آمد و عضو شد. ایشان دکتری تربیت بدنی داشتند. خانم دکتر در زمان دانشجویی در امریکا تصادف کرده و قطع نخاع می‌شوند. با ورود خانم دکتر به جامعه معلولین، تحولی شکل گرفت. ایشان اطلاعات علمی خوبی در مورد معلولیت و آسیب‌های نخاعی و ورزش داشتند و کتاب‌هایی هم ترجمه کرده بودند. همیشه در منزل ایشان باز بود و افراد آسیب نخاعی بدون قرار قبلی، به خانه ایشان رفته و روحیه می‌گرفتند. یک روز خانم دکتر مرا با خود به فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان که آقای خسروی وفا مسئول آن بود، برد. به توصیه ایشان من مسئول ورزش بانوان معلول ایران شدم. بعد از آن، کمیته‌های فنی برای ورزش بانوان تشکیل دادیم و کارهایی در زمینه ورزش بانوان را شروع کردیم. با وجود اختلاف سنی بین من و خانم میرفتاح، ارتباط بسیار خوبی با هم داشتیم. هر زمانی که از وضعیت جسمی خودم خسته و اندوهگین می‌شدم، به خانه او می‌رفتم و انرژی می‌گرفتم. پس از پایان دبیرستان به مدت ۱۷ ماه، در فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین فعالیت داشتم و بعد از آن با کمک خانم دکتر میرفتاح در آزمایشگاه بیمارستان پارس و آزمایشگاه دانش از ۶۴ تا ۹۳ خدمت کردم.

چه شد که به فکر راه اندازی بنیاد معلولین افتادید؟

در سال ۹۲ آقای دکتر هاشمی رئیس سابق سازمان بهزیستی، از من خواستند تا بنیاد را تاسیس کنم و من هم با کمک چند دوست خوب اینکار را با هدف حمایت از افراد دارای معلولیت، اشتغال‌زایی، ارائه خدمات توانبخشی، فرهنگ‌سازی، خدمات رفاهی و مشاوره خانواده راه‌اندازی کردم.

پس در بنیاد هدف اصلی شما، اشتغال افراد دارای معلولیت است؟ بله، در بنیاد دو موضوع را دنبال

اگر بتوانیم صدا و سیما را مجاب کنیم که هفته‌ای چند ساعت راجع به مشکلات افراد دارای معلولیت به صورت میدانی برنامه پخش کند، خیلی خوب است

می‌کنیم. یکی خدمات رفاهی و دیگری اشتغال‌زایی. من با شهرداری ارتباط خوبی برقرار کردم و توانستم چند باب مغازه برای یک سال در بوستان مجیدیه بگیرم. در میدان ملت هم یک مغازه پنجاه متری گرفتیم و در خلیج فارس هم حدود هشت ماه غرفه داشتیم که بچه‌ها توانستند تولیدات و کارهایشان را در این غرفه‌ها به فروش برسانند. برگزاری بازارچه‌های خیریه متعدد و در اختیار گرفتن غرفه‌های متعدد از شهرداری جهت ارائه و فروش صنایع دستی افراد دارای معلولیت، از فعالیت‌های بنیاد است. به تازگی با کمک خیری گرمی، مکانی را در خیابان پاسداران برای کارهای حرفه‌آموزی و اشتغال‌زایی تاسیس نمودیم که تعدادی از مددجویان در آنجا مشغول به کار هستند.

بنیاد خیریه چگونه اداره می‌شود و چند نفر کارمند دارد؟

بنیانگذار، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل خودم هستیم. اعضاء هیئت امنا هفت نفر و اعضای هیئت مدیره سه نفر هستند. یک بازرس و ۱۲ کارمندان هم از افراد دارای معلولیت داریم.

شما علاوه بر خیابان خواجه عبدالله، کارگاهی هم در خیابان پاسداران دارید. در این کارگاه چند نفر مشغول به کار هستند؟

در این محل هم ۳۰ نفر افراد دارای معلولیت مشغول به حرفه‌آموزی و درآمدزایی هستند.

آیا به دنبال این هستید که بچه‌هایی که در این مراکز آموزش‌هایی می‌بینند، بتوانند وارد جامعه شوند؟ بله تلاش ما در جهت ایجاد خودکفائی و استقلال مالی این افراد است.

پرونده این شماره نشریه توان‌یاب، مناسب‌سازی اجتماعی و نقشی که بر توانمندی افراد دارای معلولیت می‌تواند ایفا کند، است. نظر شما در این مورد چیست؟

یکی از فاکتورهای مهم در این بحث، نقش رسانه‌ها است. اگر بتوانیم صدا و سیما را مجاب کنیم که هفته‌ای چند ساعت راجع به مشکلات افراد دارای معلولیت به صورت میدانی برنامه پخش کند، خیلی خوب است. یعنی از من ویلچری بپرسد که وقتی در خانه را باز می‌کنی و می‌خواهی بیرون بیایی با چه مشکلاتی رو به رو می‌شوی؟ پیاده‌روهای شهر ما پراز دست‌انداز هستند که قسمتی پهن و قسمتی باریک است. دو تا میله یو شکل هم سر راه وجود دارد، پس چگونه می‌شود رفت و آمد کرد؟ هرچقدر که تحصیل کرده باشی، هرچقدر هنرمند باشی، هرچقدر شوق بیرون رفتن از خانه داشته باشی، وقتی با مشکلات این چنینی روبه رو می‌شوی، چه باید بکنی؟ هنوز فرهنگ تابلو پارک معلولان، برای مردم جا نیفتاده است. ما نیاز به حمایت شهرداری‌ها داریم. امسال برای اولین بار چند بیلبورد در سطح شهر تهران به فرهنگ‌سازی در مورد معلولان اختصاص داده شد. نگاه مردم هنوز به افراد دارای معلولیت، چه ویلچری، چه نابینا و ناشنوا، نگاه به فردی غیرعادی است که نباید از خانه بیرون بیاید.

مردم باید ببینند که فردی که روی ویلچر است، حق دارد وارد بانک شود، حق دارد ازدواج کند، حق دارد کار و تحصیل کند. مناسب‌سازی اجتماعی با حرف درست نمی‌شود. مردم باید بدانند که هرکدام از آنها ممکن است در اثر یک حادثه کوچک، از زمین‌خوردن گرفته تا تصادف رانندگی، دچار قطع نخاع و معلولیت شوند. معلولیت فقط مربوط به گروه خاصی نیست.

مناسب‌سازی، چه فیزیکی و شهری و چه مناسب‌سازی اجتماعی و فرهنگی از دغدغه‌های افراد دارای معلولیت است. من معتقدم روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و به خصوص صدا و سیما، نقش اصلی را در این حوزه باید ایفا کنند. به امید روزی که همه شهروندان، بتوانند بدون هیچ تبعیضی زندگی کنند و از مواهب زندگی اجتماعی بهره‌مند بگردند.

نازنین فاطمه جمشیدی و کامبیز زمانی در سال ۱۳۹۴ و بعد از گذراندن دوران نامزدی، با هم ازدواج کردند. نازنین نویسنده است و آشنایی همسرش با او، به واسطه خواندن کتابی که نوشته بود شکل گرفت. نازنین، به طور مادرزادی از ناحیه راست بدن، معلولیت دارد و کامبیز بر اثر تصادف در سن بیست و هفت سالگی، دچار معلولیت شد. آشنایی آنها با هم بر اثر یک اتفاق ساده شکل گرفت. اتفاقی که هر دو از آن به عنوان یک شانس یاد می‌کنند. با آنها گفت‌وگویی کردیم که می‌خوانید.



در گفت‌وگو با نازنین و کامبیز، مطرح شد:

هماهنگی روانی و فکری، مهم‌تر از شباهت‌های جسمی در زندگی است

بزرگ‌تر که شدم، نگاهم کاملاً تغییر کرد، چون متوجه شدم که معلولیت اتفاقی است که برای هرکسی امکان‌پذیر وجود دارد. از طرفی وقتی همه کارهایم را خودم انجام می‌دهم، مستقل هستم و روی پای خودم ایستاده‌ام، پس معلولیت برایم محدودیت نیست، بلکه محبوبیت هم به همراه دارد. از کودکی، به جای اینکه احساساتم را با کسی مطرح کنم، آنها را روی کاغذ می‌آوردم و می‌نوشتیم. اولین کتابم را در جواب به افرادی که فکر می‌کردند فردی که معلولیت دارد، یک انسان محدود است و یا کسی است که والدینش گناه بزرگی مرتکب شده‌اند را نوشتم. کتاب "رها" را در جواب تمام حرف‌هایی که از بچگی شنیده‌بودم و رفتارهایی که از اطرافیان و افراد غریبه دیده‌بودم، نوشتم. من در مدرسه عادی درس خواندم، مثل ی فرد عادی بزرگ شدم، مثل یک فرد عادی با من رفتار شد و مثل یک انسان عادی روی من حساب شد. برخوردایم با اطرافیان، باعث شد که همه به این

نازنین: وقتی همه کارهایم را خودم انجام می‌دهم، مستقل هستم و روی پای خودم ایستاده‌ام، پس معلولیت برایم محدودیت نیست، بلکه محبوبیت هم هست

طرز فکر را در من القا کردند که فرقی با دیگران ندارم. از کودکی هر کاری که دوست داشتم را انجام داده‌ام، چون همیشه دو پشتیبان مقتدر چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ عاطفی، داشتم. به همین دلیل، هیچ کمبودی را احساس نکردم و هیچ‌وقت هم برای این که سلامتی‌ام را به دست بیاورم، به درگاه خداوند دعا نکردم. چون خودم را با افراد دیگر متفاوت نمی‌دیدم. البته گاهی نگاه مردم مخصوصاً در دوران بچگی، اذیت‌م می‌کرد و باعث می‌شد، دستم را پشت‌پنهان کنم. ولی

لطفاً در شروع خودتان را معرفی کنید:

نازنین فاطمه جمشیدی هستم، متولد سال ۶۱. به دلیل ابتلای مادرم در زمان بارداری به بیماری زردی پیرقان، طرف راست بدنم دچار ناتوانی شد. پزشکان قبل از به دنیا آمدنم، توصیه به سقط جنین کردند، ولی پدر و مادرم راضی به این کار نشدند ولی از اول زندگی تاکنون، همیشه از حمایت‌های مالی و عاطفی آنها برخوردار بودم.

کامبیز زمانی هستم، متولد ۵۶. من در سن بیست و هفت سالگی در تصادف با موتور سیکلت، ضربه مغزی شدم و مدتی در کما بودم. بعد از به‌هوش آمدن، طرف راست بدنم بی‌حس بود و کارآیی‌اش را کاملاً از دست داده‌بود که با فیزیوتراپی و ورزش وضعیتم به تدریج بهتر شد.

هر کدام از شما چطور با معلولیت خود کنار آمدید؟

نازنین: من هرگز به معلولیت‌م فکر نکردم و هیچ‌وقت خودم را معلول ندیدم. چون خانواده از کودکی این



باور برسند که فرقی با آنها ندارم. کامبیز: چون من از ابتدا سالم بودم و در اثر حادثه دچار مشکل جسمی شدم، تا چند سال با این وضعیت کنار نیامدم و همیشه از خدا می‌پرسیدم، چرا من باید دچار چنین حادثه‌ای می‌شدم؟ مگر چه کرده بودم؟ وقتی جلوتر آمدم به این نتیجه رسیدم که ممکن بود، در این حادثه جانم را از دست می‌دادم و خدا را شکر کردم که زنده ماندم. کم‌کم سعی کردم با شرایط کنار بیایم و توانایی‌هایم را بالا ببرم. من قبل از تصادف با دست راست نقاشی می‌کشیدم و در یک شرکت تبلیغاتی هم کار می‌کردم. ولی با از کار افتادن دست راستم، دست چپم را تقویت کردم و حالا با دست چپ به‌طور حرفه‌ای نقاشی می‌کنم، چهره می‌کشم و نقاشی رنگ و روغن کار می‌کنم. بعد از تصادف نزد استادی برای آموزش نقاشی می‌رفتم و او به من می‌گفت که این معجزه است که کسی بتواند دستش را عوض کند و حرفه‌ای نقاشی کند. شاید این تصادف، اتفاق خوبی هم برای من بود چون باعث آشنایی من با همسرم شد که به ازدواجمان منجر شد. همسرم شانس بزرگ زندگی من است.

تحصیلات شما چیست و از چه زمانی شروع به نوشتن کردید؟

نازنین: من بعد از دیپلم در دانشگاه، رشته کامپیوتر درس خواندم و فارغ‌التحصیل شدم. مدتی در شرکت بیمه کار کردم. ولی این رشته با روحیه من سازگار نبود چون من فردی احساساتی هستم و با قلب و احساسم زندگی می‌کنم. بنابراین تصمیم گرفتم به دنبال علاقه‌ام بروم. الان در رشته فیلم‌نامه نویسی در دانشگاه سروش تحصیل می‌کنم. دوست دارم هم رمان بنویسم و هم این رمان‌ها را تبدیل به فیلم‌نامه کنم. الان هم طرح اولیه فیلم‌نامه "رها" را نوشته‌ام و امیدوارم با تایید استادانم به مرحله اجرا برسانم. علاوه بر رمان، شعر سپید هم می‌گویم و گاهی هم طراحی می‌کنم. همانطور که گفتم از بچگی به نوشتن علاقه داشتم ولی به‌طور تخصصی، از سال ۹۱، کار

نازنین: اولین کتاب من با نام "رها"، را در جواب تمام حرف‌هایی که از بچگی شنیده بودم و رفتارهایی که از اطرافیان و افراد غریبه دیده بودم، نوشتم

نویسندگی را شروع کردم. اولین رمان من "رها" بود. دومین رمان من با نام "من یک زنم، فرمانروای احساس" در مرحله چاپ است. سومین رمانم هم با نام "نیلگونی در برهوت" را دارم می‌نویسم که احتمالاً تا آخر تابستان تمام می‌شود.

در مورد داستان اولین رمان که چاپ کردی برایمان صحبت کن:

نازنین: "رها" داستانی در مورد دختری، شبیه به خودم است. یادم می‌آید اولین باری که همسرم مرا دید، رها خانم صدایم کرد، چون قبلاً کتابم را خوانده بود. سعی می‌کنم داستان‌های واقعی را بنویسم، تخیل را دوست ندارم. من به دنبال این هستم که زنان به حقوق حقه خود در جامعه برسند و مدافع رفع تبعیض در این مورد هستم. اکثر نوشته‌هایم در مورد مشکلات و مسائل خانم‌هاست. داستان "رها" موضوعی است که من با تمام وجود احساس کرده‌ام. موضوع اصلی داستان مربوط به یکی از دوستانم بود که با من به فیزیوتراپی می‌آمد. "نیلگونی در برهوت" هم در مورد مشکلات خانمی است که ازدواج می‌کند و می‌فهمد که همسرش ترنس است. این داستان هم بر مبنای واقعیت است. در رمان‌هایم علاوه بر متن، از شعرها و نثرهای ادبی خودم هم استفاده می‌کنم تا آن را جذاب‌تر کنم. قصد دارم از هر رمانم، یک فیلم‌نامه تهیه کنم. کتاب شعری هم دارم به نام "شاهزاده باران" که تقدیم به همسرم کردم.

چندمین فرزند خانواده هستید؟

نازنین: ما چهار فرزندیم. من فرزند دوم خانواده هستم. یک خواهر بزرگ‌تر و یک خواهر و برادر کوچک‌تر از خودم هم دارم. کامبیز: ما شش خواهر و برادر هستیم که من از همه بزرگ‌تر هستم.

در مورد ازدواج و آشنایی خودتان برایمان بگویید؟

نازنین: وقتی به سن ازدواج رسیدم، افراد زیادی به خواستگاری می‌آمدند، ولی به خاطر مشکل جسمی‌ام بعضی از آنها می‌رفتند. البته بودند افرادی که مشتاق‌تر هم می‌شدند و برای ازدواج با من اصرار داشتند. ولی به جرات می‌گویم که بزرگ‌ترین شانس زندگی من همسرم است. او خیلی خوب مرا درک می‌کند. هر دوی ما هم از لحاظ روانی و رفتاری و هم از لحاظ جسمی شبیه به هم هستیم. کتاب "رها"، باعث آشنایی و ازدواج ما با هم بود. کامبیز این کتاب را خوانده بود و دوست داشت نویسنده آن را ببیند. چون "رها" پاسخی به تمام انسان‌های کوله فکری است که معلولیت را محدودیت دانسته و یک دختر دارای معلولیت را فردی عاجز و قابل‌ترحم می‌دانند. من با نوشتن رمان "رها" ثابت کردم که دختری مثل من و مثل تمام دخترانی که با وجود معلولیت زندگی می‌کنند، توانایی‌های بی‌شماری دارند.

کامبیز: آشنایی من و نازنین از طریق رمان رها بود. من هر شب قسمتی از آن را می‌خواندم و فهمیدم که چقدر با احساسات من نزدیک است. دلم می‌خواست نویسنده‌ی کتاب را از نزدیک ببینم که این آشنایی از طریق پل ارتباطی نویسنده محقق شد. پس از آشنایی با اجازه خانواده با هم در جایی قرار گذاشتیم و در مورد کتاب صحبت کردیم. این آشنایی به خواستگاری و ازدواجمان منجر شد.

در چه تاریخی ازدواج کردید؟ آیا از زندگی خود راضی هستید؟

نازنین: در فروردین ماه سال ۹۳ نامزد و در شهریور ماه سال ۹۴ ازدواج کردیم. همسرمانند پر پرواز من است. من در زندگی، سه پر پرواز دارم؛ پدر، مادر و همسرم و از هر سه



کامبیز: من قبل از تصادف با دست راست نقاشی می کشیدم و در یک شرکت تبلیغاتی هم کار می کردم. ولی با از کار افتادن دست راستم، دست چپم را تقویت کردم و حالا با دست چپ نقاشی می کشم

خوشحال هستند. شاید من بیشتر نگرانی معیشتی دارم اما همسرم ایمان و اعتمادش به خدا قوی تر است. من هم سعی کرده ام ایمان خودم را تقویت کنم و بر ترس هایم غلبه کنم. می دانم که خداوند همیشه حواسش به ما بوده و هست. به قولی "به مو رسیده ولی پاره نشده".

الان شما به چه کاری مشغول هستید؟

کامبیز: من در یک مدرسه غیرانتفاعی و در کنارش هم در انجمن خیریه معلولین ایرانیان تدریس نقاشی می کنم. سفارش کار نقاشی می گیرم، نقاشی روی دیوار هم انجام می دهم. کار کردن با کودکان، مخصوصا بچه های مقطع ابتدایی خیلی سخت است، ولی وقتی مرا عمو نقاشی و آقا نقاشی صدا می کنند، حالم واقعا خوب می شود. من با عشق و علاقه با بچه ها کار می کنم و از آنها انرژی می گیرم.

آیا به فکر بچه دار شدن هم افتاده اید؟

کامبیز: چون کار اصلی من با بچه ها است، در این رابطه احساس کمبود نمی کنم. البته به این معنی نیست که نخواهم فرزندی داشته باشم. شاید در آینده به فکر بچه دار شدن هم بیفتیم. هدف من و همسرم خدمت به بچه های این جامعه است. همسرم با نوشته هایش سعی می کند فرهنگ جامعه را بالا ببرد و من هم با تدریس به بچه ها. من با خدمت کردن به بچه ها حس خوبی دارم.

نازنین: من هیچوقت حق پدر شدن را از همسرم نمی گیرم و اگر به این تصمیم

منحصر به فرد کامبیز را دیده ایم و همیشه عزم راسخش برای پیشرفت را ستایش کردیم. من هیچوقت در زندگی ناامید نبودم و همیشه بزرگی خدا را در زندگی ام احساس کرده ام. از ازدواج با همسرم بسیار خوشحالم. کامبیز: اول که به مادرم گفتم من با یک فرشته آشنا شدم، او خندید و باور نکرد که می خواهم ازدواج کنم، چون توانایی جسمی و شرایط مالی ام را می دانست. آن زمان من در یک شرکت تبلیغاتی کار می کردم و درآمد بالایی نداشتم. دو هفته بعد از پدر و مادرم خواستم که برای خواستگاری برویم. پدرم کاملا موافق بود، ولی نگران مسائل مالی زندگی من بود، چون خودش کارمند بود و از لحاظ مالی نمی توانست به من کمک زیادی بکند. ولی من انتخابم را کرده بودم. در آن زمان باور داشتم که معجزه های برایم اتفاق افتاده است و نازنین را فرشته ای می دیدم که وارد زندگی ام شده و آمده تا مرا از وضعیتی که داشتم، نجات دهد. در برخورد اولی که با نازنین داشتم، او در صورت من ناامیدی را دید چون در آن زمان روحیه خوبی نداشتم ولی در این چند سال با کمک همسرم توانستم خودم را تقویت کنم. به هر حال با خانواده به منزلشان رفتیم. من شرایط زندگی ام را با صداقت کامل بیان کردم و گفتم که توانایی این را دارم که دختر شما را خوشبخت کنم. این را گفتم و بیرون آمدم و خدا را شکر که با موافقت خانواده ها ازدواج کردیم. الان، هم خودمان و هم خانواده هایمان بسیار

نفرشان بسیار سپاسگزارم. من شاهد زحمتهایی که مادرم همیشه برایم کشیده بوده ام، پدر و مادر و همسرم، نیازهای بنیادین من هستند. پدر و مادرهایی که فرزند دارای معلولیت دارند، قابل ستایش هستند، چون هم برای فرزندان خود بسیار زحمت می کشند و هم نگران نگاه ها و رفتارهای ترحم آمیز دیگران به فرزندانشان هستند. من دست پدر و مادرم را می بوسم و از آنها سپاسگزارم که باعث شدند به همه آرزوهایم برسیم. از همسرم هم که همیشه حامی من است، بسیار ممنونم.

نظر خانواده ها در مورد ازدواجتان چه بود؟

نازنین: پدرم از اول، انتخاب را به خودم محول کرد ولی روزی هم که همسرم با خانواده به خواستگاری آمدند از همان اول از او بسیار خوشش آمد. بنابراین خانواده ما مشکلی با این ازدواج نداشتند. از همان زمانی که قرار شد ما با هم ازدواج کنیم، همه کارهایمان را خودمان انجام دادیم. البته از حمایت هر دو خانواده برخوردار بودیم. به همین دلیل هیچوقت تنها نبودیم و نیستیم، چه در اجرای اداب و رسوم مربوط به ازدواج و چه در مسائل مربوط به زندگی زناشویی و چه در تصمیم گیری های مربوط به کارمان، همیشه همراه هم هستیم. زمانی که برای اولین بار همسرم را دیدم، در چشمهایش برق زندگی نبود، ولی الان نگاهش خیلی امیدوار شده و در کارش بسیار پیشرفت کرده است. من و خانواده ام توانایی



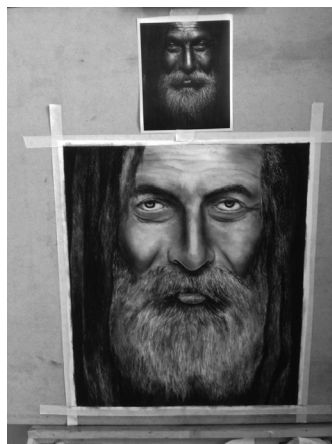
برسیم که می‌خواهیم فرزندی داشته باشیم، حتما بچه‌دار می‌شویم. ولی عقیده دارم که باید به فکر بچه‌هایی بود که در این جامعه بدون پشت و پناه رها شده‌اند. پس دوست دارم، بچه بی‌پناهی را به فرزندی بگیرم.

چه توصیه‌ای در مورد ازدواج به سایر دوستان دارای معلولیت خود دارید؟

نازنین: به نظر من بهتر است با کسی مثل خودشان ازدواج کنند. این عقیده من است. من خواستگاران سالم هم داشتم، ولی وقتی با کامبیز آشنا شدم، به این نتیجه رسیدم که او بهترین انتخاب من است. ما یکدیگر را خیلی خوب درک می‌کنیم و این احساس مشترک، بسیار مهم است. شاید یک فرد تندرست، نتواند یک فرد دارای معلولیت را درک کند و شاید احساسی مثل ترحم و دلسوزی نسبت به او داشته باشد. ولی دو نفر که شرایط مشابهی دارند، بهتر می‌توانند با هم کنار بیایند. البته شاید نشود کلیتی برای آن قایل شد. اختلاف در هر زندگی ممکن است پیش بیاید. هماهنگی روحی و فکری مهم‌تر از شباهت جسمی است. ولی من ترجیح دادم با فردی مثل خودم ازدواج کنم. زندگی ما خیلی آرام است و تنش‌هایی که در زندگی دیگران وجود دارد، در زندگی ما نیست. درک هر دوی ما بالاست. در جاهایی من کوتاه می‌آیم و در جاهایی هم همسرم کوتاه می‌آید. چون نه من کامل هستم و نه ایشان. ما همدیگر را کامل می‌کنیم. به نظر من عشق یعنی حال خوب. به نظر من اگر دو طرف دارای معلولیت باشند، حتما بهتر یکدیگر را درک کنند، گرچه با سختی‌هایی هم روبه‌رو خواهند شد. اما اگر یکی از دو طرف دارای معلولیت باشد، طرف دیگر باید به آن درک رسیده باشد که حامی و تکیه‌گاه محکمی برای همسرش باشد.

کامبیز: من توصیه‌ام به دوستان این است که با شناخت و آگاهی اقدام به ازدواج کنند و سعی کنند هم از لحاظ روانی و هم از لحاظ جسمی مکمل هم باشند. شاید در ازدواج دو نفر با معلولیت شدید، نیاز به کمک پرستار و افراد خانواده وجود داشته باشد و آنها نتوانند زندگی مستقلی داشته باشند. ولی دوستان باید

کامبیز: کارکردن با کودکان، مخصوصا بچه‌های مقطع ابتدایی خیلی سخت است، ولی وقتی آنها مرا عمو نقاشی یا آقا نقاشی صدا می‌کنند، حالم واقعا خوب می‌شود. من با عشق و علاقه با بچه‌ها کار می‌کنم و از آنها انرژی می‌گیرم



ایمان داشته باشند و احساسات خود را پنهان نکنند. من تا مدت‌ها از وضعیتم خجالت می‌کشیدم. چون تا بیست و هفت سال از زندگی‌ام بدون معلولیت زندگی کردم و بعد از آن دچار معلولیت شدم. احساس می‌کردم در خیابان همه مرا نگاه می‌کنند. خیلی تلاش کردم و بالاخره توانستم با وضعیتم کنار بیایم. اگر دوستان تلاش نکنند، تغییری در زندگی‌شان ایجاد نمی‌شود. اگر خودمان را باور کنیم دیگران هم باورمان می‌کنند. دوستان به من می‌گویند، در این وضعیت بد اقتصادی، چطور از نقاشی درآمد داری؟ می‌گویم، خودم را دست خدا سپرده‌ام و به هر چه برایم پیش می‌آید، راضی هستم. یکی از بهترین اتفاقات هم آشنایی و ازدواج با نازنین بوده است. پس از ازدواج، برکت به زندگی من سرازیر شد. پیشرفت‌های خوبی در کار و زندگی برایم پیش آمد که شبیه به معجزه بود. به نظرم خداوند حامی همه بندگان است. کافی است که به او اعتماد کنیم.

این شماره نشریه توان‌یاب، در مورد مناسب‌سازی اجتماعی و اهمیت آن در توانمند سازی افراد دارای معلولیت است. در این باره چه صحبتی دارید؟

نازنین: به نظرم دوستان دارای معلولیت، خودشان باید به این باور برسند که هیچ فرقی با دیگران ندارند. من و همسرم یک مثال واضح هستیم. من از ابتدای تولد مشکل جسمی داشتم ولی همسرم تا بیست و هفت سال تندرست بود و با یک حادثه دچار مشکل شد. تندرستی بهترین نعمت خداوند است، ولی افراد تندرست هم با یک اتفاق کوچک، ممکن است دچار معلولیت شوند. باید نگرش مردم نسبت به معلولیت عوض شود. معلولیت یعنی چه؟ هر کسی عیبی دارد، یکی افکارش معلول است و دیگری جسمش. کسی که فکر می‌کند یک فرد دارای معلولیت، حتما گناهی مرتکب شده، افکارش معلول است. من دوستانی دارم که با وجود معلولیت کارهایی می‌کنند که دیگران نمی‌توانند انجام دهند. اگر دوستان درخانه‌ها بنشینند و غصه بخورند و از نگاه مردم فرار کنند تا آخر عمر باید خودشان را پنهان کنند و این یعنی که با خودشان کنار نیامده‌اند.

کامبیز: افراد دارای معلولیت باید افرادی مثل خودشان را ببینند و در جمع این افراد قرار بگیرند تا باورشان نسبت به خودشان تغییر کند. وقتی می‌بینند که افراد دیگری هم مانند آنها هستند و کار و زندگی می‌کنند، اعتماد به نفسشان بالا می‌رود. قرار گرفتن در چنین جمع‌هایی برای شروع خوب است و مانع از منزوی شدن آنها می‌شود. بعد باید با افزایش توانایی‌های خود، خودشان را به جامعه ثابت کنند، تا قضاوت‌های موجود در مورد معلولیت عوض شود. سال اولی که برای تدریس به مدرسه رفتم، بچه‌ها در مورد وضعیت جسمی من خیلی سوال می‌کردند. من هم با حوصله برای آنها علت معلول شدنم را توضیح می‌دادم. سعی می‌کردم آنها را قانع کنم که جای سوالی برایشان باقی نماند. نتیجه این شد که سال بعد دیگر کسی از من این سوال را نمی‌کرد، چون برایشان عادی شده بود. یعنی به نوعی در بین بچه‌ها فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش روی داد. این عادی سازی باید در جامعه بزرگ‌تر هم اتفاق بیافتد.

باجایگزین های ویلچر آشنا شوید

به گزارش خبرآنلاین، تویوتا با هدف توسعه فناوری برای افراد دارای معلولیت، مسابقه‌ای برای ارسال طرح‌های جایگزین ویلچر گذاشته است، تا بتواند در آینده جایگزینی برای ویلچرهای کنونی بسازد. آنچه در زیر می‌بینید، ۴ طرح رسیده به مرحله نهایی است که هرکدام ۵۰۰ هزار دلار جایزه خواهند گرفت. سال ۲۰۲۰ سال نهایی برای انتخاب طرح برتر است که به فرد برگزیده ۱ میلیون دلار اهداء خواهد شد. امید است تا با ترکیبی از فناوری اسکلتون، هوش مصنوعی، هیبرید، فناوری خودران، مشکل حرکت افراد دارای معلولیت را به صفر برساند.





برای خواب راحت شبانه

مجید حسین زاده

خواندن این مطلب برای افرادی که برای خواب راحت شبانه دچار مشکلاتی هستند توصیه می‌شود. در این مطلب روش ۱۴ توصیه برای داشتن خواب راحت شبانه بیان شده است. با مطالعه و توجه به این نکات می‌توانید خواب راحتی در شب داشته باشید.

شب از نیمه گذشته و هنوز کاملاً بیدارید. از وقتی که به رختخواب رفته‌اید، ۳ ساعت می‌گذرد، ولی هنوز تلاش می‌کنید تا بخوابید. متأسفانه به هیچ طریقی نمی‌توانید بخوابید. فکر شما هزار جا می‌رود. اما ساعت کوکی کنار رختخواب شما در حالی که تیک‌تیک می‌کند، یک دقیقه را یک ساعت می‌گذراند. شما هم مثل خیلی از مردم برای این که شب خوب بخوابید همه کار می‌کنید.

هشدار پزشکی

اگر خیلی وقت است که نمی‌توانید بخوابید به پزشک مراجعه کنید. به قول متخصصان گاهی بی‌خوابی‌های نگران کننده، موجب بی‌خوابی مزمن می‌شود که عواملی چون اختلالات روانی، مشکلات تنفسی یا لگد پرانی‌های بی‌دلیل در خواب می‌توانند علل اصلی بروز آن باشند. متخصصان می‌گویند اگر به راحتی نمی‌توانید بخوابید و حدود یک ماه، تمام شب را بیدار مانده‌اید و نتوانستید بخوابید، حتماً مشکل خود را با یک پزشک در میان بگذارید. در ادامه با ۱۴ روش برای خواب راحت شبانه در خدمت شما هستیم



شماره ۱۸ - بهار ۱۳۹۸

1 ساعت خواب خود را مشخص کنید

حتماً باید در ۲۴ ساعت، زمانی را برای خواب در نظر گرفت. از مردم می‌خواهیم که خود را عادت بدهند که سر زمان‌های مقررری بخوابند و از خواب بیدار شوند. چاره کار این است که خوب بخوابید تا در طول روز احساس خستگی نکنید. برای این منظور هر شب در ساعت مقررری به رختخواب بروید و هر روز صبح در ساعت مقررری از خواب بلند شوید. با این عادت منظم می‌توانید چرخه شبانه‌روزی یا اصطلاحاً ساعت زیستی بدن خود را تنظیم کنید. که در نتیجه، عملکرد اعضای داخلی بدن شما تنظیم می‌شود.

2

وقت خود را در رختخواب هدر ندهید

هر چه سن شما بیشتر می‌شود، نیاز شما به خواب کمتر می‌شود. نوزادان تا ۱۸ ساعت در روز می‌خوابند. اما این مدت زمان خواب تا ۱۰ سالگی به نصف می‌رسد و هیچ یک از متخصصان، مدت زمان خاصی را برای خواب افراد بالغ توصیه نمی‌کند. مقدار متوسط خواب ۷ یا ۸ ساعت در شبانه روز است که برخی از افراد با حداقل ۵ ساعت خواب هم راضی هستند. برخی هم تا ۱۰ ساعت باید بخوابند. اصل مطلب به قول متخصصان، خواب مفید است. وقتی به رختخواب بروید که واقعاً می‌خواهید بخوابید. اگر در عرض ۱۵ دقیقه نتوانستید بخوابید، بلند شوید و کار خسته کننده‌ای را با علاقه انجام دهید. مقاله‌ای از یک مجله بخوانید، کتاب را توصیه نمی‌کنیم چون شما را به خود مجذوب می‌کند. بافتنی ببافید، تلویزیون نگاه کنید یا وضعیت حساب‌های دسته چک خود را مرتب کنید. سراغ بازی‌های کامپیوتری که موجب برانگیختن احساسات شما می‌شود یا کارهایی مثل شست‌وشو و کار منزل که انجام چیزی را باید به پایان برسانید، نروید. وقتی احساس خواب‌آلودگی کردید، به رختخواب برگردید. اگر باز هم نتوانستید بخوابید، آن قدر کارهای فوق را تکرار کنید تا بتوانید بخوابید. اما فراموش نکنید که هر روز صبح سر ساعت مقرر بیدار شوید.

3 قبل از خواب چند لحظه سکوت کنید

برخی از افراد آن قدر مشغله دارند که وقتی در رختخواب دراز می‌کشند، برای نخستین بار در روز، فرصت مرور کارهایی که انجام داده‌اند را پیدا می‌کنند. قبل از رفتن به رختخواب، دست کم ۱۰ دقیقه بنشینید و به کارهای روز فکر کنید و سعی کنید آن‌ها را به نحوی توجیه کنید. استرس‌ها، فشارها و هم چنین مشکلات خود را مرور کنید. به راه حل‌ها فکر کنید و فعالیت‌های فردای خود را برنامه‌ریزی کنید. این تمرین، ذهن شما را از ناراحتی‌ها و مشکلاتی که هنگام کشیدن ملافه یا پتو نمی‌گذارد بخوابید، پاک می‌کند. با ذهنی آماده می‌توانید تصورات و افکار خوشایندی را طرح‌ریزی کنید و در همین حال بخوابید.

4

بستر خود را به دفتر کار یا پاتوق تبدیل نکنید

اگر می‌خواهید به رختخواب بروید باید آماده خوابیدن باشید. اگر قصد انجام کار دیگری دارید، نمی‌توانید حواس خود را متمرکز خوابیدن کنید. در بستر تلویزیون ننگان نکنید. غذا نخورید یا کارهای عادی انجام ندهید. از اتاق خواب فقط برای خواب استفاده کنید.



5

پس از غروب از مصرف مواد محرک پرهیز کنید

قهوه، انواع نوشابه‌های گازدار غیرالکلی و حتی شکلات، دارای کافئین می‌باشند. کافئین، یکی از مواد محرک قوی است که می‌تواند شما را بیدار نگه دارد.

7

برنامه زمانی کار خود را بررسی کنید

پژوهش‌ها نشان می‌دهند افرادی که در شیفت چرخشی یعنی یک هفته شب و یک هفته روز کار می‌کنند، برای خوابیدن مشکل دارند. فشار ناشی از برنامه زمانی متغیر می‌تواند همیشه شخص را مثل مسافران خسته نشان دهد و خواب مساله ساز شود.

برای برطرف کردن این مشکل سعی کنید شیفت کاری ثابتی داشته باشید. هر چند ممکن است این شیفت فقط شب‌ها باشد، ولی چندان مهم نیست.

8

قبل از خواب غذای سبک بخورید

یک یا دو ساعت قبل از خوابتان میوه بخورید که تاثیر خوبی دارد. البته یک لیوان شیر گرم نیز مفید است. از مصرف غذاهای شیرین که ممکن است بدن را تحریک کند یا غذاهای سنگین که می‌تواند به بدن فشار بیاورد، پرهیز کنید.

اگر سن و سالی از شما گذشته است، قبل از خواب مایعات زیاد مصرف نکنید، چرا که وسط خواب ممکن است برای رفتن به دستشویی بیدار شوید.

محیط خواب راحتی ایجاد کنید

بی‌خوابی اغلب در اثر استرس ایجاد می‌شود. وقتی با عصبانیت و اضطراب وارد رختخواب می‌شوید، قدرت خوابیدن از شما سلب می‌شود. چند لحظه بعد، اتاق خواب در ذهن شما مفهوم بی‌خوابی پیدا می‌کند و اینجاست که نوعی هراس در برابر این وضعیت در شما به وجود می‌آید.

برای این که وضعیت را تغییر دهید، می‌توانید اتاق خواب خود را تا حد ممکن به مکان راحتی تبدیل کنید. با رنگ‌های دلخواهتان، دکوراسیون آن را عوض کنید. اتاق را ضد صوت کنید و با آویختن پرده‌های تیره، مانع ورود نور به داخل اتاق شوید. تختخواب راحتی تهیه کنید. مهم نیست جنس تشک، فنری یا غیر فنری یا اصلاً یک تشک معمولی بر کف اتاق باشد.

آنچه اهمیت دارد، احساس راحتی شماست. هنگام خواب از لباس خواب گشاد استفاده کنید. مطمئن شوید که دما اتاق متناسب بوده و خیلی سرد و یا گرم نیست که در طول شب آرامش شما را بر هم بزند.

6

داروهای خود را بررسی کنید

برخی از داروها مثل اسپری‌های مربوط به آسم می‌توانند باعث بی‌خوابی شوند. اگر شما به صورت مرتب تحت درمان هستید، در رابطه با اثرات جانبی داروی خود را از پزشک سوال کنید. اگر او نسبت به تداخل اثرات دارو با خواب شما شک داشته‌باشد، می‌تواند دارویی دیگر یا زمان دیگری برای مصرف همین دارو را به شما توصیه کند.

در گذشته، به محض مراجعه به پزشک، قرص خواب تجویز می‌شد. اما این روش درمانی امروزه برای همه افراد مناسب نیست.



9





10

ذهن خود را به آرامش مطلق برسانید

با تمرکز بر روی یک چیز آرامش بخش، رویای خود را از تکرار نگرانی‌های روز که استرس بسیاری برای شما به همراه داشت، راحت کنید. هنگامی که می‌خواهید بخوابید به یک موسیقی ملایم و آرامش‌بخش یا صداهای ضبط شده محیط، مثل صدای آبشار، امواجی که به ساحل می‌خورند یا صدای باران در جنگل گوش کنید. فقط این اصل را رعایت کنید: موسیقی نباید تمرکز شما را بر هم بزند. بی‌خوابی درست بعد از سرماخوردگی، دل درد و سردرد یکی از علل مهم مراجعه مردم به پزشک می‌باشد.

12

تکنیک‌های آرامشی را یاد بگیرید و تمرین کنید

هرچه بیشتر تلاش کنید تا به خواب روید، بر عکس نه تنها نمی‌توانید بخوابید، بلکه کوشش بیهوده‌ای کرده‌اید. به همین خاطر است که در رختخواب باید آرامش داشت. دکتر استیونسون می‌گوید: یکی از مشکلات بی‌خوابی این است که شخص معمولاً روی خوابیدن تمرکز می‌کند و خود را تحت فشار قرار می‌دهد. برای این که خوب بخوابید، تمرکز روی خواب را کم کنید. تمرین‌هایی که بر اساس واکنش بدن نسبت به محیط زیست صورت می‌دهد مثل تنفس عمیق، کشش‌های عضلانی یا یوگا می‌تواند در این رابطه مفید واقع شود.

دو روش موفقیت آمیز که پزشکان توصیه کرده‌اند عبارتند از :

آرام نفس بکشید و تصور کنید که وقتی از دیافراگم نفس می‌کشید، هوا به آرامی به داخل و خارج حرکت می‌کند. این تمرین را در طول روز انجام دهید تا این که قبل از خواب انجام آن راحت باشد.

برنامه‌ریزی کنید که افکار ناخوشایند را به محض ورود به مغز، این بین ببرید. به تجربیات لذت بخشی که قبلاً داشته‌اید بیندیشید. درباره خاطرات خوش گذشته فکر کنید. خیال‌پردازی کنید. سعی کنید ستاره‌های را بشمارید. از عدد ۱۰۰۰ تا صفر، هفت تا هفت تا معکوس بشمارید.

14

با آب گرم حمام کنید

طبق نظریه پزشکان متخصص خواب، تنظیم دمای طبیعی بدن حکم تنظیم چرخه شبانه‌روزی بدن را دارد. دمای کلی بدن در هنگام خواب پایین و در طول روز در بالاترین حد خود است. با توجه به این مطلب تصور می‌شود که با پایین آمدن دمای بدن، فرد احساس خواب آلودگی کند. بنابراین یک حمام قبل از خواب، دمای بدن را بالا برده و همین که دمای بدن رو به کاهش می‌رود، شما احساس خستگی کرده و این موضوع باعث می‌شود که راحت‌تر بخوابید.

11

از وسایل مختلف استفاده کنید

با استفاده از گوشی می‌توانید از شنیدن صداهای مزاحم راحت شوید. به ویژه اگر در یک خیابان شلوغ یا نزدیک فرودگاه زندگی می‌کنید. همان طور که کلاه‌های آفتاب‌گیر مانع از تابش نور شدید به چشمان شما می‌شوند، اگر هم سرمای هستی می‌توانید از یک تشکچه برقی برای گرم کردن خود استفاده کنید.

13

قبل از خواب کمی پیاده‌روی کنید

اول غروب یا سرشب کمی ورزش که توان فرسا نباشد، انجام دهید. در آپارتمان خود قدم بزنید. زیرا نه تنها عضلات خود را خسته نمی‌کنید، بلکه دمای بدن شما نیز بالا رفته و برای شما مفید خواهد بود. ورزش می‌تواند خواب عمیق و کاملی را که بدن به آن نیاز دارد، تامین کند.



شماره ۷۱، بهار ۱۳۹۸

قصه عمو نوروز و ننه سرما

یکی بود، یکی نبود. پیرمردی بود به نام عمو نوروز که هر سال روز اول بهار با کلاه نمدی، زلف و ریش حنا بسته، کمرچین، قدک آب، شال خلیل خانی، شلوار قصب و گیوه تخت نازک از کوه راه می‌افتاد و عصا به‌دست می‌آمد به سمت دروازه شهر.

بیرون از دروازه شهر پیرزنی زندگی می‌کرد به نام ننه سرما که دل‌باخته عمو نوروز بود و روز اول هر بهار، صبح زود پا می‌شد، جایش را جمع می‌کرد و بعد از خانه تکانی و آب و جاروی حیاط، خودش را حسابی تر و تمیز می‌کرد، به سر و دست و پایش حنا می‌گذاشت و هفت قلم، از خط و خال گرفته تا سرمه و سرخاب و زرک آرایش می‌کرد. یل ترمه و تنبان قرمز و شلیته پرچین می‌پوشید و مشک و عنبر به سر و صورت و گیسش می‌زد و فرشش را می‌آورد می‌انداخت رو ایوان، جلو حوضچه فواره دار رو به روی باغچه‌اش که پر بود از همه جور درخت میوه پر شکوفه و گل رنگارنگ بهاری و در یک سینی قشنگ و پاکیزه سیر، سرکه، سماق، سنجد، سیب، سبزی و سمنو می‌چید و در یک سینی دیگر هفت جور میوه خشک و نقل و نبات می‌ریخت. بعد منقل را آتش می‌کرد و می‌رفت قلیان می‌آورد می‌گذاشت دم دستش. اما سر قلیان آتش نمی‌گذاشت و همانجا چشم به راه عمو نوروز می‌نشست.

چندان طول نمی‌کشید که پلک‌های پیرزن سنگین می‌شد و یواش یواش خواب به سراغش می‌آمد و کم‌کم خرناسش می‌رفت به هوا.

در این بین عمو نوروز از راه می‌رسید ولی دلش نمی‌آمد پیرزن را بیدار کند. یک شاخه گل همیشه بهار از باغچه می‌چید و روی سینه او می‌گذاشت و می‌نشست کنارش. از منقل یک گله آتش بر می‌داشت می‌گذاشت سر قلیان و چند پک به آن می‌زد و یک نارنج از وسط نصف می‌کرد و یک پاره‌اش را با قندآب می‌خورد. آتش منقل را برای اینکه زود سرد نشود می‌کرد زیر خاکستر، روی پیرزن را می‌بوسید و پا می‌شد و راه می‌افتاد.

وقتی آفتاب یواش یواش تو ایوان پهن می‌شد، پیرزن بیدار می‌شد. اول چیزی دستگیرش نمی‌شد. اما یک خرده که چشمش را باز می‌کرد، می‌دید ای داد بی داد همه چیز دست خورده. آتش رفته سر قلیان، نارنج از وسط نصف شده، آتش‌ها رفته‌اند زیر خاکستر، لپش هم تراست. آن وقت می‌فهمید که عمو نوروز آمده و رفته و نخواسته او را بیدار کند.

پیرزن خیلی غصه می‌خورد که چرا بعد از آن همه زحمتی که برای دیدن عمو نوروز کشیده، درست همان موقعی که باید بیدار می‌ماند خوابش برده و نتوانسته عمو نوروز را ببیند. هر روز پیش این و آن درد دل می‌کرد که چه کند و چه نکند تا بتواند عمو نوروز را ببیند. تا اینکه یک روزی کسی به او گفت که چاره‌ای ندارد جز اینکه یک دفعه دیگر باد بهار بوزد و روز اول بهار برسد و عمو نوروز باز از سر کوه راه بیفتد به سمت شهر بیاید و او بتواند چشم به دیدارش روشن کند.

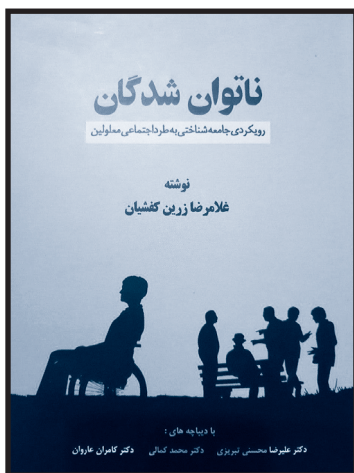
پیرزن هم ناچار شد که قبول کند. اما هیچ‌کس نفهمید که سال دیگر پیرزن توانست عمو نوروز را ببیند یا نه؟ چون بعضی‌ها می‌گویند؛ اگر این‌ها همدیگر را ببینند دنیا به آخر می‌رسد و از آنجا که دنیا هنوز به آخر نرسیده، یعنی ننه سرما و عمو نوروز همدیگر را ندیده‌اند.

سال نو بر همه ایرانیان مبارک باد.

گردآورنده: سعیده طوفی



معرفی کتاب



ناتوان شدگان (رویکردی جامعه شناختی به طرد اجتماعی معلولین)

تالیف: غلامرضا زرین کفشیان

ناشر: انتشارات سپهر اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۵

پزشکی و اجتماعی، ابعاد رنج معلولیت و نظریه‌های مربوط در حوزه معلولیت است. لازم به ذکر است که مفهوم‌پردازی معلولیت در الگوسازی‌های مختلف حول دو محور؛ مدل پزشکی و اجتماعی معلولیت است. محتوای این کتاب ضمن بررسی جدال میان این دو مدل، به رویکرد دوم (مدل اجتماعی معلولیت) نزدیک‌تر است.

بخش دوم: طرد اجتماعی

در این بخش، مبحث طرد اجتماعی بررسی می‌شود. این بخش شامل تاریخچه و ریشه‌های مفهوم طرد اجتماعی، تعریف طرد اجتماعی، ویژگی‌های طرد اجتماعی و مقایسه آن با فقر، درجات مختلف طرد اجتماعی، ابعاد طرد اجتماعی، رویکردهای متفاوت در مورد طرد اجتماعی و بررسی دیدگاه‌های نظری برخی از جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان پیرامون مساله طرد اجتماعی است.

بخش سوم: پژوهش کاربردی

در این بخش، وضعیت طرد اجتماعی معلولان جسمی و حرکتی در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین این بخش از کتاب، در برگیرنده مطالعات تجربی مولف کتاب است که در تکمیل و تایید مباحث تئوریک می‌آید.

بخش چهارم: بررسی سابقه قانونی موضوع معلولیت

این بخش مشتمل بر نگاهی به اعلامیه‌ها و قوانین جهانی در حوزه معلولیت، معلولان در قانون ایران، قوانین قبل از انقلاب، قوانین پس از انقلاب، محدودیت‌ها و پیشنهادهای، نگاه و گفتمان غالب در قوانین مربوط به معلولان، پژوهش محوری، تربیت و برنامه‌ریزی نیروی انسانی، نگرش منفی و درک جامعه از معلولان، مشارکت سیاسی، نهادهای مردم نهاد و معلول نهاد، پیشگیری و نظارت در قوانین می‌باشد که با مقایسه قوانین ایران در حوزه معلولیت، با دو قانون : اصول استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای معلولان مصوب قطعنامه ۴۸/۹۶ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، به اتمام می‌رسد.

این دفتر از نگاهی نو به موضوع معلولیت و طرد افراد دارای معلولیت پرداخته و بر تعریف‌پذیری معلولیت در پارادایم اجتماعی به لحاظ توجه به فاکتورهای اجتماعی طرد معلولین و پویایی آنها تاکید دارد و بر این اساس مسیری را در مقوله توانمندسازی معلولین می‌گشاید. بنابراین بخش کلیدی این کتاب، تلاش برای تغییر دیدگاه صرفاً پزشکی و فردگرایانه به معلولیت است. عناصر مد نظر ما در این مجال، فاکتورهای اجتماعی‌ای هستند که شکل دهنده ناتوانی که بر افراد دارای معلولیت تحمیل شده هستند و الگوهای پاسخ به آن است که از جامعه متبادر شده و یا ملازم با آن هستند. همچنین این کتاب با الهام از جنبش معلولیت توجه خود را به ظلم و ستم اجتماعی، گفتمان فرهنگی و موانع زیست محیطی معطوف ساخته و ابعاد رنج معلولیت را در اقتصاد سیاسی و نظام جهان، آگاهی کاذب و از خود بیگانگی، قدرت و ایدئولوژی و موانع جسمی و ارتباطی مورد بررسی قرار می‌دهد.

همچنین این کتاب فرضیه‌های بنیادی مربوط به تجربیات افرادی که « معلول » تلقی می‌شوند را به طور صریح بررسی می‌کند. یکی از ویژگی‌های دیگر این کتاب، دادن جایگاه مناسب به افراد دارای معلولیت در محیط‌های دانشگاهی است. این مطالعه تلاشی مستمر را برای تعریف دقیق و درستی از زبان و روش و هدف کار مرتبط با تجربه شخصی و اجتماعی معلولیت پایه‌ریزی می‌کند.

کتاب مذکور در چهار بخش به نگارش در آمده است:

بخش اول: جامعه‌شناسی معلولیت

این بخش به مبحث جامعه‌شناسی معلولیت می‌پردازد که مشتمل بر مفهوم و تعریف معلولیت، اجزای اصلی معلولیت، انواع معلولیت، پیش زمینه‌های مربوط به مطالعات معلولیت، فرآیند برخورد جوامع انسانی با معلولیت، دورنمای مطالعات معلولیت، جامعه‌شناسی معلولیت، بررسی رویکرد پزشکی و اخلاقی به معلولیت در کنار رویکرد اجتماعی به معلولیت، مفهوم‌پردازی معلولیت در پارادایم‌های مختلف، معلولیت و ادبیات در مدل



کاکتوس اولین دوره رویداد «از کودکی» را با همکاری جامعه معلولین ایران برگزار کرد

ایده اولیه برگزاری رویداد «از کودکی» توسط کاکتوس مطرح شد و هدف آن آموزش تعامل هرچه بهتر و بیشتر کودکان با یکدیگر و تغییر نگرش‌های نادرست از حضور کودکان دارای معلولیت در بین کودکان غیر معلول بود. «کاکتوس» یک بنگاه کارآفرینی اجتماعی است که از طریق فرهنگ‌سازی، مشاوره، آموزش، تسهیل و ایجاد دسترسی به بازارهای اشتغال و فروش، به دنبال بهبود زندگی افراد دارای معلولیت است.

یک جشن خودمانی

اولین قدم این رویداد، برگزاری دوره‌ی «از کودکی»، نخستین جشن بازی و سرگرمی فراگیر در ایران بود که ۱۵ آذر ماه ۹۷ در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. «از کودکی» با تکیه بر خلوص و صمیمیت دنیای کودکان و نگاه خالی از قضاوت آنها، به جامعه یادآوری کرد با تغییر نگرش در این دوران است که می‌توان افراد یک اجتماع را به سطح جدیدی از توسعه یافتگی فردی رساند.

در این دوره‌ی، تعداد زیادی از کودکان به همراه خانواده‌هایشان حضور داشتند و در فضایی شاد و مهیج در کنار هم ساعاتی را به بازی و تفریح گذراندند. مجریان نام‌آشنای برنامه‌های کودک با حضور در این دوره‌ی، به اجرای برنامه‌های متنوع و خاطره‌انگیزی پرداختند که از سوی کودکان و حضار با استقبال بسیار خوبی مواجه شد.

در این دوره‌ی، غرفه‌های متفاوتی نیز برای کودکان طراحی شده بود. در غرفه قصه‌گویی برای کودکان، نمایش عروسکی اجرا شد و آنها برای ساعاتی وارد دنیای شیرین قصه‌ها و داستانک‌ها شدند. گروه‌های نمایشی با اجرای برنامه‌های مفرح، شادی‌آفرینی کردند و همراه بچه‌ها مشغول بازی شدند. حضور کودکان در غرفه‌های نقاشی و خمیربازی نیز تجربه‌های خوبی برای آنها به دنبال داشت. غرفه طبیعت که یکی از جذاب‌ترین غرفه‌های رویداد بود، شامل کار با چوب، گل و آشنایی با حیوانات می‌شد و مهارت‌های جدیدی را به کودک آموزش می‌داد.

از نکات دیگر این رویداد، حضور رابط ناشنویان در تمام طول اجرای برنامه برای برقراری ارتباط با کودکان و افراد ناشنوا بود.

از بین انجمن‌هایی که با رویداد از کودکی همکاری داشتند، گروه مهراندیشان توان‌یاب بود که کودکان سندروم داون و

اوتیسم را در برمی‌گیرد. آنها به همراه خانواده این کودکان در دوره‌ی حاضر بودند. خانواده‌های این کودکان ابراز داشتند این اولین بار بود که ما نگاه سنگین روی بچه‌ها را حس نکردیم و بدون نگرانی شاهد بازی کودکانمان با سایر بچه‌ها بودیم.

در اختتامیه جشنواره چه گذشت؟

در مرحله دوم رویداد از کودکی، اولین دوره از جشنواره ملی استعدادیابی از کودکی برگزار شد.

طی فراخوانی که توسط دبیرخانه جشنواره ملی استعدادیابی از کودکی اعلام شده بود، کودکان دارای معلولیت و غیرمعلول از نقاط مختلف ایران تا پایان دی ماه ۱۳۹۷، بیش از یک‌صد اثر خلاقانه از توانمندی‌ها و استعداد‌هایشان را به سایت cactuscast ارسال کردند.

این جشنواره با هدف نادیده گرفتن تفاوت‌های ظاهری افراد و تلاش برای پی‌ریزی فرهنگی تازه‌ای، کوشید تا مسایل اجتماعی را از دریچه‌ی جدیدی به افکار عمومی نشان دهد.

در اختتامیه رویداد «از کودکی» که روز دوشنبه ۶ اسفند در تالار ایوان شمس برگزار شد، علاوه بر اینکه جمعی از خانواده‌ها و کودکان حضور داشتند، تعدادی از فعالان اجتماعی، مسئولان شهرداری و انجمن‌های فعال در حوزه افراد دارای معلولیت هم در این مراسم مشارکت کردند.

زینب نصیری، مدیرکل سلامت شهرداری تهران، با بیان اینکه پایتخت هنوز با استانداردهای شهری دسترس‌پذیر فاصله دارد، از اهمیت مطالبه‌گری تک‌تک شهروندان برای دستیابی به این هدف سخن گفت.

او افزود: لازم است تک‌تک ما به عنوان شهروند، مطالبه‌گر باشیم، تا مسئولان شهری بهتر به وظایف خود عمل کنند.



شماره ۱۷ بهار ۱۳۹۸



TEHRAN Picture Agency
Photo:Shayan Mehrabi

سمانه افتخاری، به‌عنوان فعال حوزه افراد دارای معلولیت و سخنران ویژه‌ی این مراسم، بخشی از خاطراتش را که به واسطه‌ی تفاوت ظاهری منجر به محرومیت‌هایی برای او شده بود، روایت کرد.

مژگان حسینی، دیگر سخنران ویژه‌ی این مراسم بود که با قدرت کلامش، حصار را روی صندلی‌هایشان میخکوب کرد و اشک‌های زیادی را درآورد. او، مادرعلی - یک نوجوان سندروم داون - است که با صبوری کم‌نظیرش، امروز با افتخار، موفقیت‌های حیرت‌آور پسرش را به‌مثابه یک سند غیرقابل انکار مقابل دیدگان کسانی گذاشته که روزی، خواهان حذف فرزندش از جامعه بودند. او از دیدگاه والدین بچه‌های دیگر گله کرد و خواستار فرهنگ‌سازی و آموزش در این زمینه شد. علی هم‌اکنون عضو تیم فلوروال، بوچیا، فوتبال نوجوانان ۴۷ کرموزمی، نقاش، آشپز، نوازنده پیانو، قاری قرآن و مسلط به چهار زبان زنده دنیا است.

در ادامه، وحید جبه‌فروش، مدیرعامل کاکتوس از شیوه‌های نوین اشتغالزایی برای افراد دارای معلولیت در این مجموعه خبر داد. او همچنین در معرفی پروژه جدید کرادفاندینگ کاکتوس گفت: ما این امکان را فراهم کردیم تا یکی از بزرگ‌ترین استارت‌آپ‌های سرشناس به‌نام «بونیشا» برای افرادی که ما به آنها معرفی می‌کنیم امکاناتی فراهم کنند و حمایت شوند تا سریع‌تر به درآمدزایی برسند. جبه‌فروش افزود: ما با یکی از بزرگ‌ترین فروشگاه‌های اینترنتی توافق کرده‌ایم تا اگر تولیدکنندگانی که ما معرفی می‌کنیم خدمات قابل قبولی ارائه دهند، آنها تمام امکانات‌شان از جمله بازاریابان و کاربران خود را با کاکتوس به اشتراک بگذارند.

کمپینی برای همه کودکان

پرهام آذرشیب، مدیر برند سینره نیز در این مراسم از همکاری جدید این شرکت با کاکتوس خبر داد و گفت: ما به عنوان یک تولیدکننده ایرانی این دغدغه را داشتیم که در شرایط اقتصادی کنونی چگونه می‌توانیم در کنار مردم باشیم. از این رو، تصمیم گرفتیم یک کمپین مسئولیت اجتماعی در حوزه کودکان که آینده‌سازان و سرمایه‌های این کشور هستند راه‌اندازی کنیم.

به گفته وی، این کمپین با همکاری چند خیریه در سه حوزه آموزش، درمان و کودکان کار شروع به کار کرده‌است. آذرشیب افزود: ما برای رسیدن به اهدافمان با همکاری کاکتوس، کمپین «من و سینره #مراقب تو» را آغاز کردیم. در این کمپین در کنار کمک‌های مردمی، سینره نیز یکصد میلیون تومان اهدا می‌کند تا بسته‌هایی حاوی کفش، جوراب، عروسک و یک محصول بهداشتی سینره به عنوان عیدی برای کودکان مناطق محروم ارسال شود.

در مراسم اختتامیه، عموهای دوست‌داشتنی (علی فروتن و حمید گلی) نیز حضور یافتند و با اجرای برنامه‌ای شاد، کودکان را در سالن به وجد آوردند.

در پایان مراسم، با انجام قرعه‌کشی، برندگان جشنواره «از کودکی» مشخص شدند و به ترتیب، یک سکه تمام بهار آزادی، نیم‌سکه و ربع سکه دریافت کردند.

«از کودکی» سعی داشت بگوید همه کودکان، چه دارای معلولیت و یا غیر معلول فارغ از تفاوت‌های ظاهری حق بازی و حضور فعال در جامعه را دارند. هر فردی استعداد خاص خود را دارد و هیچ کودک دارای معلولیتی نیاز به ترجم ندارد و آنها تنها می‌خواهند دیده شوند.



TEHRAN Picture Agency
Photo:Shayan Mehrabi



TEHRAN Picture Agency
Photo:Shayan Mehrabi

مجمع رعد با مراسم سپاس، از نیکوکارانش قدردانی کرد



با حضور جمعی از نیکوکاران و اعضا داوطلب خیریه رعد، دومین مراسم سپاس در سالن همایش این مؤسسه برگزار شد.

با هدف تجلیل از کمک‌ها و خدمات ارزشمند اعضا و نیکوکاران مجمع رعد، دومین مراسم سپاس با حضور اعضا هیأت امناء، هیأت مدیره، مدیرعامل، اعضا شورای کارآموزان، مدیران، کارکنان و اعضا گروه‌های همیاری بانوان و جوانان برگزار شد. در ابتدای این مراسم آذر صادقی‌پور مدیر مشارکت‌های مردمی با حضور در جایگاه ضمن عرض خیرمقدم، افزود: اعضا مجمع رعد مهم‌ترین و مؤثرترین عامل ارایه و استمرار خدمات رایگان این خیریه به توان‌یابان هستند و در تحولات اجتماعی دوران حاضر، فراهم آوردن زمینه رشد و اشتغال عزیزان توان‌یاب به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

وی با اشاره به ورود مجمع رعد به سی و پنجمین سال خدمت‌رسانی رایگان به جامعه توان‌یابان، افزود: مراکز رعد در اغلب استان‌ها و شهرستان‌ها در حال ارایه خدمت به عزیزان توان‌یاب هستند و کمک‌های مردم می‌تواند نقش مؤثری در کسب استقلال اجتماعی این گروه از شهروندان ایفا کند.

در ادامه این مراسم مهندس احمد میرزاخانی بنیان‌گذار مجمع رعد و رئیس هیأت رئیسه مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد با تشکر از کمک‌های مالی نیکوکاران، افزود: آنچه به اندازه کمک‌های مالی برای خیریه رعد اهمیت دارد، کمک‌های معنوی و فکری عزیزان نیکوکار است و طی این ۳ دهه که از فعالیت مجمع رعد پشت سرگذاشته‌ایم مسائل اجرایی و مالی با هر کیفیتی که بوده سپری شده اما در بحث

زیرا در مثل آمده است «به من بگو چه نگرشی داری تا به تو بگویم چه شخصیتی داری» بنابراین نگرش حمایت از دیگران به خصوص اشخاص توان‌یاب موجب گسترش و بروز رفتارهای پسندیده در سطح جامعه می‌شود.

در قسمتی از این مراسم گروه موسیقی سنتی رعد به سرپرستی استاد یاشار خدایی چند قطعه موسیقی اجرا کرد که مورد استقبال حضار قرار گرفت، همچنین استاد هومن لطفعلی نوازنده نابینا پیانو چند قطعه کلاسیک را در این مراسم اجرا کرد و در بخش پایانی مراسم حمید موسوی کارجوی موفق شرکت میراب که از بخش کارگری به سرپرست تامین و تجهیز ارتقاء یافته است به اتفاق ابراهیم فلاحی همیار شغلی خود در جایگاه حاضر شد و در خصوص موفقیت‌های شغلی و استفاده از ظرفیت‌های متد پیشرفته «اشتغال حمایت‌شده» در کسب توفیقات محیط کارش برای حضار سخن گفت.

کم‌های فکری با عنایت به سوره والعصر در کلام ال... مجید که می‌فرماید: یکدیگر را به حق و صبر توصیه کنید، چنین استنباط می‌شود که هیچ شخص و مجموعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند کامل و بدون نقص است. بنابراین نیازمند توصیه و دریافت نظرات خیرخواهانه دیگران هستیم و در مرتبه بعد برای به بار نشستن آن نظرات باید صبر، شکیبایی و پایداری داشته باشیم.

دکتر عیسی جلالی مشاور و مدرس برجسته روانشناسی کشور سخنران ویژه این مراسم در بیاناتی به موضوع شکرگزاری اشاره کرد و افزود: شکرگزاری زبانی و قلبی کم‌کم در رفتار و شخصیت انسان، تأثیر می‌گذارد. از این رو مراسم سپاس که برای تجلیل از مقام نیکوکاران رعد ترتیب یافته است، موجب ترویج فرهنگ نیکوکاری در جامعه خواهد شد. دکتر جلالی با اشاره به اهمیت تغییر نگرش، افزود: نگرش انسان در هر موضوعی بیانگر شخصیت و ویژگی‌های رفتاری اوست.



گزارش نخستین سالگرد تأسیس مرکز اشتغال حمایت‌شده در مجتمع رعد

رعد و موافقت سازمان بهزیستی کشور در دستور کار قرار گرفت. دست‌ورالعمل و آیین‌نامه‌های تأسیس مراکز اشتغال حمایت‌شده توسط ایشان با همکاری کارشناسان سازمان بهزیستی تدوین شد. سپس در سال ۱۳۹۶ مرکز اشتغال حمایت‌شده رعد به عنوان نخستین مرکز با مجوز سازمان بهزیستی کار خود را آغاز کرد. پس تأسیس مراکز اشتغال حمایت‌شده در سایر استان‌ها دوره‌های آموزشی کوتاه مدت این روش آشنایی با اشتغال حمایت‌شده برای کارکنان اکثر مراکز، کارشناسان سازمان بهزیستی استان‌ها و افراد متقاضی برای تأسیس مراکز استانی در مجتمع رعد برگزار شده است.



با حضور منصوره پناهی مدیر عامل، کارفرمایان و توان‌یابان، خانواده‌های کارآموزان و کارکنان مجتمع رعد نخستین سالگرد تأسیس مرکز اشتغال حمایت‌شده رعد برگزار شد.

در ابتدای این مراسم منصوره پناهی مدیر عامل مجتمع رعد با تبریک فرا رسیدن اولین سالگرد تأسیس دفتر اشتغال حمایت‌شده رعد، گفت: اشتغال حمایت‌شده، روش موفق‌تری برای ایجاد اشتغال افراد دارای معلولیت است که موفقیت آن با حمایت کارفرمایان می‌تواند تضمین شود.

وی در ادامه با مقایسه روش سنتی اشتغال افراد دارای معلولیت در گذشته با روش اشتغال حمایت‌شده، گفت: در این روش ضمن حفظ کرامت انسانی افراد دارای معلولیت برای داشتن شغل مناسب و مورد دلخواه‌شان به مدت یک تا ۳ سال از حمایت‌های همیار شغلی برخوردار می‌شود که تضمین نسبی برای حفظ شغل و پایداری اشتغال افراد دارای معلولیت محسوب می‌شود.

در قسمتی از این مراسم ۵ کلیپ تولید شده به مناسبت سالگرد تأسیس مرکز اشتغال حمایت‌شده که توسط کارشناسان مرکز اشتغال حمایت‌شده، کارجویان رعد و همیاران داوطلب ساخته شده بود، به نمایش درآمد.

سپس در ادامه، توان‌یابان و کارفرمایان حاضر در مراسم به طرح دیدگاه‌ها و تجربیات خود در طول یک سال گذشته از اجرای اشتغال حمایت‌شده پرداختند. همچنین از کارجویان فرزاد خلیلی، مونا مرادی، مجتبی بهجتی و حامد لطفی که در قسمت‌های مختلف کلیپ سالگرد مرکز اشتغال حمایت‌شده داوطلبانه بازی کردند با اهدا لوح سپاس قدردانی شد. در این مراسم سیامک امیری نوازنده چیره دست، چند قطعه موسیقی سنتی و خاطره‌انگیز را با پیانو برای حضار میهمانان اجرا کرد که بسیار مورد توجه حضار قرار گرفت. بخش دوم این مراسم در فضایی صمیمانه و خارج از سالن همایش برگزار شد و پیش از پذیرایی میهمانان که در نوع خود ابتکار جالبی بود، ابتدا کارجویان شاغل دیدگاه‌های خود را از تجربه آشنایی با روش اشتغال حمایت‌شده با حضار به اشتراک گذاشتند و در ادامه از ویژگی‌های شغلی خود و محیط کارشان سخن گفتند. سپس پرهام توجه رئیس هیأت مدیره شرکت میراب، شاهین طبری رئیس هیأت مدیره شرکت چارگون، ایلیا امیری مدیر عامل شرکت حامی‌سان و سعید ایچی‌لر مدیر شرکت نت برگ به عنوان کارفرمایان منتخب با اهدا لوح سپاس مورد تشویق قرار گرفتند.

ابتکار جدید این مراسم، پذیرایی با محصولات سلامت از قبیل: لبو، کرفس، هویج و... بود، ضمن آنکه یک سالگی مرکز اشتغال حمایت‌شده رعد توسط اعضا شیرینی‌پزی گروه همیاری بانوان رعد به صورت داوطلبانه تهیه شده بود.

شایان ذکر است روش اشتغال حمایت‌شده در اواخر سال ۱۳۹۵، با پیشنهاد خانم منصوره پناهی مدیر عامل مجتمع

ملاقات مسؤلان دفتر مراکز توانبخشی مراقبتی بهزیستی کشور با مدیرعامل مجتمع رعد



نشست نمایندگان دفتر امور مراکز توانبخشی مراقبتی بهزیستی کشور با منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد به منظور توسعه همکاری‌های دو جانبه برگزار شد.

در این بازدید که فریده باغ‌علیشاهی معاون دفتر امور مراکز توانبخشی مراقبتی، دکتر معصومه سادات فضلی رئیس گروه بیماران روان؛ شهربانو رعیت رئیس گروه سالمندان و معلولان جسمی - حرکتی و علیرضا کمالی‌فر مسئول ورزش حوزه توانبخشی حضور داشتند؛ پیرامون مسائل آموزشی، اشتغال، ورزش و خدمات مراقبت و توانبخشی در منزل و مراکز شبانه روزی با منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع بحث و تبادل نظر کردند؛ همچنین توسعه همکاری‌های دوجانبه و تعامل مؤثر مورد تأکید قرار گرفت.

در ادامه این نشست منصوره پناهی با تأکید بر ضرورت همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد و دستگاه‌های متولی دولتی از جمله سازمان بهزیستی و شهرداری‌ها گفت: آگاهی توان‌یابان نسبت به حق و حقوق شهروندی خود باعث مطالبه‌گری آن‌ها شده و در این صورت سازمان‌های متولی از جمله بهزیستی بهتر می‌توانند مسائل و مشکلات این حوزه را پیگیری کنند. پناهی با اشاره به نحوه نگهداری پسران و دختران در مراکز شبانه‌روزی، گفت: این شیوه نگهداری که تعداد زیادی از مددجویان را در یک مکان متمرکز کنیم دیگر در دنیا پذیرفته نیست. بلکه افراد مددجو را در خانه‌های کوچک شبیه خانه واقعی نگهداری می‌کنند و بچه‌ها در این مکان‌ها تجربه زندگی واقعی را بیشتر درک کرده و خودشان در حفظ و اداره آن محیط مشارکت دارند.

وی افزود: با غربالگری که انجام می‌دهیم می‌توانیم به سمتی حرکت کنیم تا افراد مددجو با حضور در مراکز آموزشی روزانه و دریافت مهارت‌های لازم ضمن آمادگی برای حضور فعال و مؤثر در جامعه؛ از این مراکز به عنوان سکوی پرتاب برای اشتغال و مشارکت اجتماعی بیشتر استفاده کنند.

مدیرعامل مجتمع رعد با برجسته دانستن نقش خانواده‌ها و کارکنان مراکز شبانه‌روزی افزود: همان‌طور که می‌دانیم آموزش کارکنان برای ارائه خدمات مؤثر به افراد مددجو جزو ضروریات هر برنامه‌ای است. برای کارکنانی که در مراکز روزانه یا شبانه‌روزی اشتغال دارند؛ شناخت ویژگی‌های افراد توان‌خواه، حقوق آن‌ها، نحوه ارتباط مؤثر، راه‌های صحیح توانمندسازی می‌تواند در ارائه خدمات بهتر، افزایش بهره‌وری و اثربخشی به مددجویان مفید باشد و باعث شود خود این افراد از محیط کار خود نشاط لازم را به دست بیاورند.

در این جلسه فریده باغ‌علیشاهی فعالیت‌های دفتر امور مراکز توانبخشی مراقبتی را تشریح کرد و افزود: در حوزه فعالیت‌های شبانه‌روزی؛ برنامه‌های خانواده محور، برنامه‌های اوقات فراغت افراد دارای معلولیت در مراکز شبانه‌روزی، استعدادیابی، رغبت‌سنجی، فعالیت‌های ورزشی، برنامه آماده‌سازی شغلی ارتقای کیفیت زندگی و آموزش کارکنان مراکز و خانواده گروه هدف را در دستور کار داریم.

سپس دکتر معصومه السادات فضلی با اشاره به ارائه خدمات یکپارچه به مددجویان بهزیستی گفت: طراحی نظام الحاق اجتماعی توان‌خواهان و بازگشت به اجتماع در توان‌خواهانی که به سطحی از توانمندی رسیده‌اند از الزامات سازمان بهزیستی است. در واقع هدف نهایی ما توانمندسازی و بازتوانی و پیوند گروه هدف با جامعه است.

همچنین شهربانو رعیت رئیس گروه سالمندان و معلولان جسمی - حرکتی این دفتر با ابراز خرسندی از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهادی همچون مجتمع رعد، گفت: تلاش ما ایجاد خانه‌های کوچک به‌جای مراکز نگهداری با تعداد جمعیت بالای توان‌خواهان است همچنین بر لزوم آموزش کارکنان مراکز غیردولتی تأکید داریم.

علیرضا کمالی‌فر مسئول ورزش حوزه توانبخشی نیز با استقبال از فعالیت‌های ورزشی مجتمع رعد اظهار امیدواری کرد تا این مجتمع به عنوان قطب استعدادیابی در رشته ورزش بوچیا در کشور مطرح و فعال شود.

لازم به ذکر است قبل از برگزاری نشست، مدعوین از فعالیت‌های آموزشی، توانبخشی و مرکز علمی کاربردی رعد بازدید کردند.



افتتاح نمایشگاه نقاشی «هنر فراتر از محدودیت‌ها» در گالری پردیس ملت



با حضور صدیقه اکبری نایب رئیس هیأت مدیره مجتمع رعد، کلانتری مدیر مرکز آموزشی، عاطفه و زهرا حیدری دبیر اجرایی نمایشگاه نقاشی، آثار هنرمندان توان‌یاب با شعار «هنر فراتر از محدودیت‌ها» در گالری پردیس ملت افتتاح شد.

نمایشگاه نقاشی «هنر فراتر از محدودیت‌ها» به مناسبت هفته گرامی‌داشت افراد دارای معلولیت، با آکران آثاری از هنرمندان چند مرکز آموزشی، توانبخشی از جمله: نیکوکاری رعد، توانبخشی عاطفه، توانبخشی عمل و توانبخشی ملائک، توانبخشی ارمغان و توانبخشی زینب در گالری شماره ۲ پردیس ملت افتتاح شد.



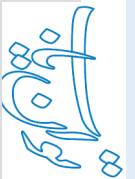
در آئین گشایش این نمایشگاه ابتدا رضا سخن‌سنج مدیر روابط عمومی مجتمع رعد از حضور میهمانان و استقبال گرم بازدیدکنندگان و خانواده هنرمندان توان‌یاب قدردانی کرد و افزود: برگزاری این نمایشگاه به واسطه همکاری مجتمع رعد با مسابقه و نمایشگاه فرهنگی هنری پارآرت ژاپن است که از سال ۲۰۱۵ تا کنون هر سال آثار نقاشی و خوشنویسی تعدادی از هنرمندان ایرانی به جهانیان معرفی می‌شود.

وی افزود: پس از فراخوان ارسال آثار، بیش از ۴۰۰ اثر از سراسر کشور به دبیرخانه ارسال شد و هیأت داوران متشکل از: بابک یاقوتی، کیان وطن، کوروش قاضی‌مراد، صدیقه اکبری و زهرا حیدری، ۷۵ اثر را برای معرفی به برگزارکننده انتخاب کردند که در این نمایشگاه ۶۰ اثر از هنرمندان توان‌یاب جسمی و ذهنی به نمایش درآمده‌است.



در ادامه صدیقه اکبری که داوری آثار راه یافته به نمایشگاه را با همراه ۴ هنرمند دیگر بر عهده داشت گفت: من در این جایگاه حاضر شدم تا از حضور شما و هنرمندان توان‌یابان تشکر کنم، آثار بسیار زیبایی در این نمایشگاه به نمایش درآمده‌است و من همگی آنها را دوست دارم و امیدوارم حضور شما، مشوق خوبی باشد برای این توان‌یابان عزیز که نقاشی‌های به این زیبایی را خلق کرده‌اند.

وی در ادامه افزود: کارها بسیار عالی هستند و امیدوارم روزی همه این کارها به نمایشگاه پارآرت ژاپن راه پیدا کنند.





تجلیل از هنرجویان رعد در جشنواره خلاقیت‌های هنری بانوان

به همت شهرداری منطقه ۲، جشنواره خلاقیت‌های هنری بانوان در فرهنگسرای ابن‌سینا برگزار شد. همزمان با میلاد حضرت فاطمه (س) و در هفته گرامیداشت مقام مادر، جشنواره خلاقیت‌های هنری بانوان در فرهنگسرای ابن‌سینا برگزار شد. در این جشنواره جمعی از هنرجویان رعد با برپایی غرفه محصولات و صنایع دستی مشارکت کردند. براساس این گزارش با برنامه‌ریزی واحد خود اشتغالی مجتمع رعد در این جشنواره مهنوش ایل بیگی، سمیه صادقی، سمانه رستمی‌فر، مهتاب ناظری، مونا مرادی با برپایی غرفه زیورآلات، لی‌لی اردلان، مونا مرادی، اشرف رجیبی، میترا شیرازی با برپایی غرفه نقاشی، عذرا ایوبمند با غرفه سرویس آشپزخانه، فریبا عسگری با غرفه دوخت‌های سنتی، لیلا سررشته‌داری با غرفه کارت پستال‌های خلاقانه، اشرف رجیبی با غرفه ویترا و سمیه شجاعی با غرفه کارهای نمدی در نمایشگاه مشارکت کردند. در ادامه این جشنواره با تجلیل از آثار ارسالی نفرات برگزیده مورد تشویق قرار گرفتند که از مجتمع رعد آثار مهتاب ناظری در زمینه زیورآلات، سمیه سادات شجاعی در زمینه کیف نمدی، کبری پور محمد در زمینه کیف چرمی به عنوان آثار منتخب، انتخاب و معرفی شد و به تولیدکنندگان با دریافت لوح سپاس تشویق شدند.



برگزاری کارگاه باور توانایی کارآموزان جدید رعد



با مشارکت مسؤولان واحدهای آموزش، توانبخشی، مددکاری، روانشناسی و اشتغال، مجتمع رعد کارگاه آموزشی «باور توانایی کارآموزان جدید» برای خانواده‌ها با همکاری دکتر سارا بنی‌هاشمی برگزار شد در این کارگاه آموزشی که خانواده کارآموزان جدید مجتمع رعد حضور داشتند مسؤولان واحدهای تخصصی خدماتی که رعد به کارآموزان و خانواده‌ها ارائه می‌دهد را توضیح دادند و دکتر سارا بنی‌هاشمی موضوع «باور توانایی کارآموزان» را برای حضار تشریح کرد و با یادآوری تأثیر خانواده‌ها بر تقویت حسن اعتماد به نفس کارآموزان، افزود: در ایران نقش خانواده و حمایت اعضا خانواده در رشد و تقویت توانایی‌های کارآموزان انکارناپذیر است.



دست‌آورد توان‌یابان از دست‌ساخته‌ها ۸۳ میلیون تومان



نام مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برای خیلی‌ها آشناست، مجتمعی که سال ۱۳۶۳ با هدف تسهیل در کسب استقلال اجتماعی معلولان جسمی حرکتی به‌عنوان سازمانی مردم‌نهاد راه‌اندازی شد و تمامی خدماتش تاکنون برای جامعه هدف رایگان بوده است. در این مجموعه ارتقای توانایی‌های توان‌یابان از طریق آموزش مهارت‌آموزی از ۳ دهه گذشته آغاز شده و با گذشت زمان، خدمات توانبخشی، مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، مشاوره شغلی، کاریابی و کارآفرینی ببه آن اضافه شده است.

دکتر «مریم رسولیان» رئیس هیئت‌مدیره مجتمع رعد می‌گوید: «حق زندگی، حق اشتغال، حق ازدواج، حق تحصیل و... برای همگان در جامعه محفوظ است و افراد توان‌یاب هم از این امر مستثنی نیستند و ما در مجتمع رعد به این علت دورهم جمع شده‌ایم تا حقی که انسانی است و در قانون هم برای شهروندان توان‌یاب در نظر گرفته شده در جامعه نادیده گرفته نشود و برای تحقق این حقوق تلاش کنیم.»

۸۳ میلیون تومان در سال درآمد کسب کنند. همچنین ۲۲ نفر از کارآموزان جذب مراکز مختلف شده‌اند. از این تعداد ۹ نفر در بخش اداری و حسابداری، ۷ نفر در بخش تولید و محتوا، ۴ نفر در زمینه بازاریابی و خدمات و ۲ نفر در حوزه درمانی مشغول به کار شده‌اند.

البته مؤسسه رعد برنامه‌های دیگری هم دارد. رئیس هیئت‌مدیره مجتمع رعد با اشاره به ضرورت پرداختن به مسائل معلولان اعصاب و روان می‌گوید: «مسائل این گروه از توان‌یابان مانند افراد جسمی حرکتی در ظاهر مشخص نیست چه مشکلات جسمی‌ای تا نسبت به حل آنها تلاش شود، متأسفانه این گروه به ضعف اراده، تنبلی و بی‌انگیزگی متهم می‌شوند و با توجه به این نکته که سلامت جسم و روان از یکدیگر جدا نیست و این دو مقوله بر هم تأثیر زیاد دارند، ما باید به مسائل آنها اهمیت بسیار دهیم.»

علاوه بر تمامی فعالیت‌های اجرایی در مؤسسه رعد در چند سال اخیر، موضوع اشتغال توان‌یابان هم برای مسئولان این مجموعه اهمیت یافته است. دکتر رسولیان با اشاره به فعالیت مرکز اشتغال حمایت‌شده مجتمع رعد می‌گوید: «اشتغال حمایت‌شده و پایدار شیوه‌ای است که در مؤسسه پیگیری می‌شود. البته این شیوه صرفاً برای توان‌یابان رعد پیش‌بینی نشده بلکه توان‌یابی که رزومه‌اش را ارائه بدهد، می‌تواند از خدمات اشتغال حمایت‌شده استفاده کند. بر اساس آمار توان‌یابان مؤسسه رعد توانسته‌اند با برپایی ۱۹ غرفه فروش محصولات مختلف شامل آثار هنری، مواد غذایی و صنایع‌دستی در دوره‌ی زمانی یک ساله بیش از



راهیابی ۸ اثر نقاشی توان‌یابان ایرانی به نمایشگاه پارآرت ژاپن

در آبان ماه سال جاری مجتمع رعده برای حضور توان‌یابان ایران در پارآرت ۲۰۱۹ با اطلاع‌رسانی و اعلام فراخوان عمومی از هنرمندان توان‌یاب در سراسر کشور دعوت به عمل آورد تا آثار نقاشی، خوشنویسی و نقاشی‌خط خود را به این مجتمع ارسال نمایند.

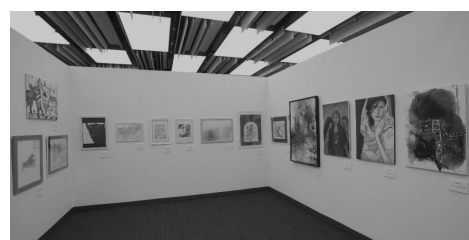
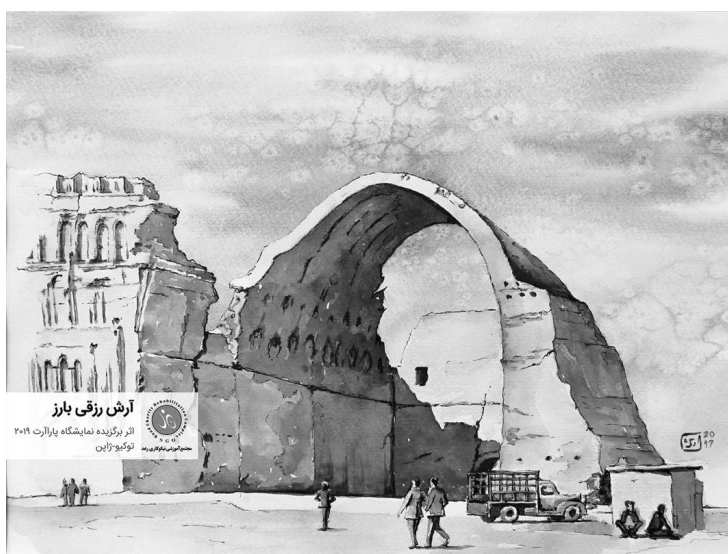
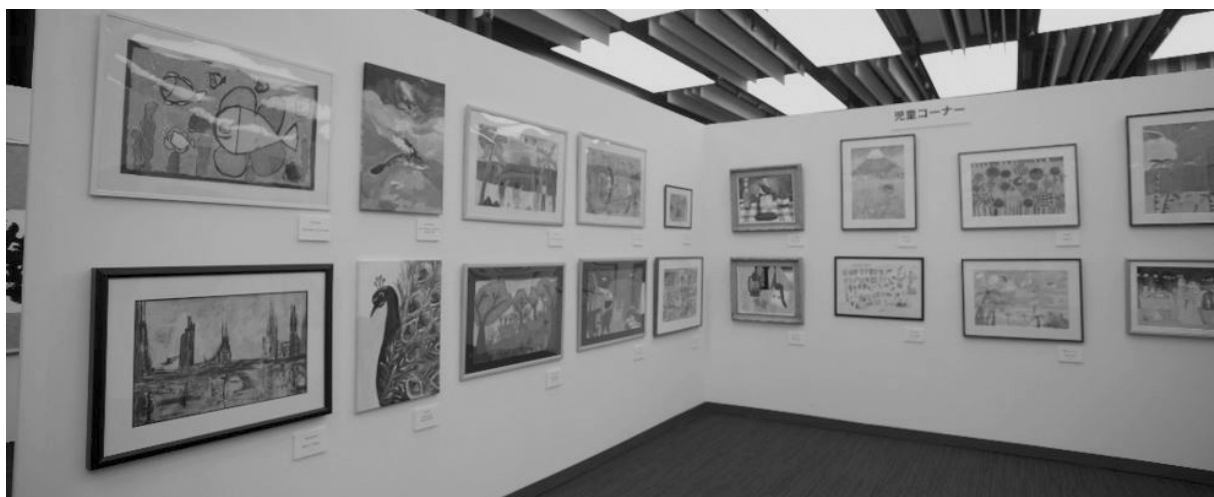
بر پایه این گزارش؛ پس از انتشار فراخوان، بیش از ۴۰۰ اثر از سراسر کشور به مجتمع رعده ارسال شد و هیأت داوران متشکل از صدیقه اکبری، بابک یاقوتی، کیان وطن، کوروش قاضی مراد و زهرا حیدری، ۷۵ اثر را برای معرفی به دبیرخانه مرکزی پارآرت در ژاپن انتخاب کردند و تصویر آثار منتخب برای دریافت مجوز نهایی حضور در نمایشگاه به دبیرخانه پارآرت ارسال گردید که از میان ۷۵ نقاشی منتخب، ۸ اثر به نمایشگاه نهایی راه یافت.

اصل آثار منتخب توسط مجتمع نیکوکاری رعده به دبیرخانه پارآرت ارسال شد تا در نمایشگاهی در شهر توکیو به نمایش گذاشته شود.

۸ نقاشی از هنرمندان توان‌یابان ایرانی زهرا رستگار پناه، معصومه رحیمی، زری نجفی، مریم حاتمی، شاهرخ احمدی، مونا عبدالحسین‌مزرعی، امیرحسین علیزاده و آرش رزقی‌بارز، پس از رقابت با ۴۰۰ اثر از هنرمندان داخلی کشور به نمایشگاه پارآرت در سال ۲۰۱۹ ژاپن راه یافتند.

نمایشگاه «خط - نقاشی» پارآرت ژاپن با همکاری مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده از ایران و چندین سازمان مردم‌نهاد در سایر کشورها به مناسبت روز جهانی افراد دارای معلولیت با شعار «هنر فراسوی محدودیت‌ها و معلولیت‌ها» برگزار خواهد شد.

نمایشگاه «خط - نقاشی» پارآرت ژاپن با هدف تقویت خودباوری و اعتماد به نفس، بالا بردن آگاهی درک عمومی از مسائل توان‌یابان و ترویج مبادلات هنری افراد دارای معلولیت در عرصه بین‌المللی به صورت دو سالانه در ژاپن برگزار می‌شود.



پروردگار بر هستایم!

در این ساعات پایانی سال
به جای آنکه اثاثیه‌ی پر زرق و برق دنیایی‌ام را؛
که در زیر غبار کهنه و قدیمی روزمرگی‌هایم
دست و پا می‌زند، نجات دهم؛
دل را در آب زمزم‌وار محبت شست‌وشو کردم...
جسمم را تطهیر دادم...
روحم را از منجلاب گناه رهایی بخشیدم...
و هستی‌ام را به آرشه‌ی جلایی تازه نواختم...
در سال آینده؛
نمی‌خواهم خاطی باشم...
نمی‌خواهم عصیان کنم...
نمی‌خواهم مخلوقی سخیف شوم...
و سال نو را
به البسه‌ی پرند گران قیمت
به نظافت چهار دیواری مکرر
به شور و شوق بی‌هویت بشناسم...
و تمامی کارهایم را بر دوش نحیف فردا بگذارم...
می‌خواهم دین بندگی‌ام را به تو ادا کنم...
می‌خواهم زندگی‌ام را
از بوی تعفن لاابالی‌گری سرنوشت تطهیر دهم...
کینه، نفرت، حسد و...
را از وجودم دور سازم
و معنای واقعی انسانیت را، به رخ روزگار سیاه بکشم...
می‌خواهم عاشق باشم...
صادقانه زندگی کنم
و معصومانه
این دنیای هفت رنگ را وداع گویم

نازنین فاطمه جمشیدی



▲ **I hope I will be able to run the major of disabilities studies in Iran**



A conversation with Gholamreza Zarin Kafshian; PhD student of sociology at the university of Tehran about the problems that people with disabilities face in their everyday lives

He has a dream that the gap between disabled people and non-disabled people will be bridged, and hopes that he himself can contribute to it. He is determined to continue with his sociological studies of disability and hopes that he will be able to run the major of disabilities studies in a couple of universities in Iran.

▲ **An article by Dr. Shafaroodi, occupational therapy and daily activity.**

▲ **universal design and welfare technology.**

This note which has been written by Mansoureh Panahi, the managing director of Raad, addresses the different methods and the assisting appliances that are used for bringing satisfaction upon people with disabilities, and addresses the reason why some of them are more used. Designing assisting appliances is because of resolving the problems that a disabled person comes across. These appliances are designed for people with disabilities and also people without disabilities whose lives are made easier by using them. The main goal is engaging these fellows in the society and making social facilities accessible to them.

▲ **Seeking adventure with disability**

.A report about Saeed Zaroori, a journalist and the founder of the group the Iranian disabled adventure-seekers. According to him, the group the Iranian disabled adventure-seekers consists of people with disabilities and non-disabled people who seek adventure beyond physical, social and cultural barriers. The goal of putting this group together is showing the abilities of disabled people in exciting activities that will get your adrenalin going.

- ▲ **Murmur**
- ▲ **Introducing the application "bam"**
- ▲ **Designing all home appliances**
- ▲ **In this foundation, we pursue two things;**

welfare services and job creation. A conversation with Nahid Kolooshani, the founder of the charity foundation of the Iranian people with disabilities. She was afflicted with poliomyelitis when she was a little girl, however, she is one of the most active people in the area of disability. In her fruitful life, Kolooshani has established two civil organizations with her friends; Iran's society for the disabled, and the charity foundation of the Iranian people with disabilities.

▲ **making money in this field depends on people's will and diligence.**

A conversation with Negar Doosti, Raad Institute's leather class trainer. Mrs. Doosti became acquainted with Raad Institute in 2016 and began teaching sewing leather to enthusiastic trainees right then. According to her, since the trainer will have taught all the points and will have given all the required training to the trainees in four terms, the trainees should be given the chance to work on their own having finished this amount of time.

▲ **Mental and characteristic homogeneity outweighs being physically similar.**



A conversation with Nazanin Jamshidi and Kambiz Zamani. Nazanin is a writer and her acquaintance with her husband came from her husband reading a book she had written. Nazanin's right part of the body is congenitally disabled, and Kambiz sustained a disability at 27 due to a car accident. A simple coincidence led to their acquaintance, a thing both of whom remember as luck.

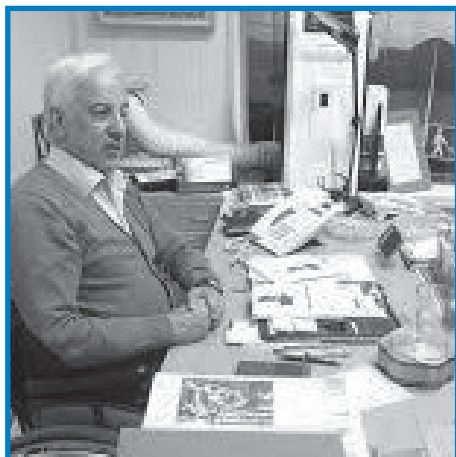
▲ **Let's get acquainted with the replacement of wheelchair**

- ▲ **10 foods that cause good temper**
- ▲ **The disabled ones**
- ▲ **Introducing a book**



▲ **Editorial**

▲ **Even if we teach this thing every day, it won't be enough**



A conversation with Mr. borjian, civil activist in disability

Mr. Mansour borjian is the managing director of the scientific association of Iran's people with disabilities' art creations, and is the managing director of tavan hamgam rehabilitation equipment co. he has majored in mechanical engineering, and began his activities in producing rehabilitation equipment after an accident that resulted in his disability. Years on, Mr. borjian established the scientific association of people with disabilities' art creations in order to create equal opportunities for people with disabilities. In addition to all these activities, Mr. borjian has also published dozens of books in the field of disability. This civil activist has made sustained efforts for raising awareness of different entities and educating them on adapting the society for people with disabilities. He holds various meetings with the traffic police. Regularly and once every three months, the traffic police convenes its experts from across the country in the driving test zone in order to update their information through supplementary courses. Mr. borjian pursues his activities of adapting the society for people with disabilities in different areas altogether.

▲ **I'm dreaming of a city that belongs to all its citizens.**

A conversation with the Director General of Health of Tehran municipality's social and cultural deputy, Dr. zeinab nasiri, about the activities of this office on adapting the city socially and culturally for people with disabilities. According to Dr. nasiri, years ago in the municipality, a headquarters entitled the headquarters for urban adapting was established and- by becoming a member- the municipality's office for health was pursuing activities whose main part was adapting

socially and culturally how people look upon people with disabilities' needs.

▲ **If we accept the fact that all humans are entitled to equal rights, many of our problems will be resolved**

A conversation with brigadier general Banaei; a disabled at war retiree of the police, about the importance of adapting cities for people with disabilities

He says that despite regulating all sorts of urbanism and architecture rules and regulations with regard to physically challenged people in the housing research centers of the ministry of roads and urban development, the municipality and the city council, still no tangible actions with regard to their easy commute are seen on the streets.

▲ **It is necessary that collaboration be made between the police and the target society**

A conversation with disabled at war brigadier general Ghiasi, about the problems physically challenged people face in the area of traffic rules and driving

He is currently the head of the office for the disabled at war and the physically challenged. Among the services of this office we can refer to helping the physically challenged with getting plate number, designating parking spaces for the physically challenged and renewing their driver's license and issuing replica driver's license for them.

▲ **Introducing the international organization for people with disabilities, Majid Mirkhani**



▲ **It was discussed in a panel with raad's trainees: which is more important; adapting the city for people with disabilities, or changing how people look upon disability?**

A conversation with four of raad's trainees about the necessity of adapting the social and cultural outlook on disability





توان بخششی

WWW.JTSCO.ir
Email:jts.co10@yahoo.com

توزیع کننده کلیه لوازم ورزشی، ارتوپدی و توان بخشی



JTS689



JTS681



JTS683Q



JTS608GC



JTS951B-56



JTS901



JTS908LXQ



واکر ترمز دار و سبد دار



بالابر بیمار



واکر آلومینیومی با قابلیت تنظیم و ناشو



آدرس : خیابان ولیعصر - نرسیده به سه راه

جمهوری - کوچه لقمان - جنب پلاک ۱۰

توانبخشی JTS

تلفن : ۱۳ و ۱۱ و ۶۶۴۶۲۶ فکس : ۶۶۴۸۵۳۴۶

همراه : ۰۹۱۲۱۸۸۸۱۳۷

شرکت طراحی مهندسی صنایع توانبخشی
تولید و واردات انواع تشکهای موج، ویلچر و تجهیزات توانبخشی

توان همگام



دارای تأییدیه های بین المللی :

CE , ISO13485 , EN 46001 , ISO9001 , FDA

حامی حقوق مادی و معنوی جانبازان و معلولان

